حکومت اورولی:
صدا و سیمای جمهوری اسلامی
به‌مثابه سلاح سرکوب جمعی

fidh

Justice for Iran
عدالت برای ایران
FREEDOM FROM IMPUNITY

ژوئن ۲۰۲۰/ شماره ۷۴۹a

Cover photo: © Shabnam Miri

فهرست

چکیده ۵

۱. مقدمه ۷

۱-۱. پیش‌زمینه تاریخی ۷

۱-۲. روش‌شناسی ۹

۱-۳. مفاهیم کلیدی ۱۰

۱-۳-۱ . اعتراف اجباری ۱۰

۱-۳-۲ . افترا ۱۲

۱-۳-۳ . پروپاگاندا ۱۳

۲. صدا و سیمای ایران به منزله سلاح سرکوب جمعی ۱۴

۲-۱. قربانیان ۱۷

۲-۱-۱. کنشگران و روزنامه‌نگاران ۱۸

۲-۱-۲. اقلیت‌ها ۱۸

۲-۱-۳. دوتابعیتی‌ها یا افراد مقیم کشورهای خارجی ۱۹

۲-۱-۴. متخصصان حرفه‌ای، استادان دانشگاه و تاجران ۱۹

۲-۲. عاملان ۱۹

۲-۲-۱. سازمان صدا و سیما ۱۹

۲-۲-۲. پرس تی‌وی ۲۲

۲-۲-۳. تلویزیون افق ۲۳

۲-۲-۴. تلویزیون اینترنتی مردم خبر ۲۴

۳. تبدیل رسانه به سلاح: انواع محتوا ۲۵

۳-۱. اطلاعات خصوصی مسروقه ۲۵

۳-۲. اعترافات اجباری و/یا دروغین ۲۸

۳-۳. مصاحبه‌های از پیش نوشته شده ۳۸

۳-۴. افترا ۴۱

۴. پخش اعترافات: تاکتیک‌ها، الگوها و بستر مفهومی ۴۹

۵. اهداف و تاثیرات ۵۰

۵-۱. تضعیف جامعه مدنی ۵۰

۵-۲. تحریف گفتمان ۵۱

۵-۳. توجیه اقدامات سرکوب‌گرانه ۵۲

۵-۴. مبنای اثبات محکومیت ۵۲

۵-۵. فشار عاطفی ۵۲

۶. اعتراف اجباری به مثابه نقض حقوق بشر- یک تحلیل حقوقی ۵۴

۶-۱. حق برخورداری از دادرسی عادلانه ۵۴

۶-۲. آزادی از شکنجه، و بدرفتایی‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز ۵۴

۶-۳. حق برخورداری از حریم شخصی ۵۵

۷. توصیه‌ها ۵۶

پیوست ها ۵۸

چکیده

از آغاز استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران تاکنون و در چهل سال گذشته استفاده از اعترافات اجباری، دادگاه‌های نمایشی و برنامه‌های افترا آمیز ادامه داشته است و پخش چنین برنامه‌هایی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی که از سال ۱۳۵۷ انحصار پخش رادیو و تلویزیونی را در اختیار دارد روند رو به رشدی داشته است. صدا و سیمای جمهوری اسلامی تاکنون صدها برنامه حاوی اعترافات اجباری و سایر محتواهای افتراآمیز را پخش کرده است که این نهاد را در جایگاه گسترده‌ترین ابزار سرکوب افراد و جامعه مدنی در داخل و خارج ایران قرار می دهد.

برای تهیه این گزارش، ۱۵۱ برنامه پخش شده از تلویزیون ایران در طول یک دهه اخیر از سه منبع مختلف جمع آوری و تحلیل شده‌اند. این برنامه‌ها شامل اعترافات اجباری ۳۵۵ نفر و ایراد افترا علیه ۵۰۵ نفر می‌شوند.

بنا بر شهادت قربانیانی که با سازمان عدالت برای ایران گفت‌وگو کرده‌اند و دیگر شهادت‌ها و شواهدی که برای این گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، محتوای لازم برای تولید این برنامه‌ها عمدتا از طریق اجبار (استفاده از شکنجه فیزیکی و روانی، رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز)، سرقت و تحریف اطلاعات خصوصی فراهم شده است.

مصاحبه‌ها و شواهد آشکارا نشان می‌دهد که برای تهیه این برنامه‌ها الگوهای مشخصی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز به کار می‌رود که از رواج و نظام مندی چنین سوء رفتارهایی پرده برمی‌دارد. این شیوه‌ها گستره ای از شکنجه‌های شدید جسمی (شلاق، آویزان کردن، و شوک الکتریکی)، تا شکنجه‌های روانی (حبس انفرادی طولانی مدت، اعدام ساختگی، تهدید به تجاوز جنسی و قرار دادن زندانی در معرض شرایط تحمل ناپذیر و خطرناک)، تا وسوسه و فریب زندانی با هدف وادار کردن او به اعتراف در مقابل دوربین را شامل می شوند.

تحلیل شهادت‌های قربانیان همچنین نشان می‌دهد که جریان ضبط اعترافات از ابتدا تا انتها بر اساس یک سناریوی از پیش نوشته و صحنه آرایی شده انجام می گیرد. تشابهات میان توضیحات قربانیان درباره کارگردانی و کنترل صحنه، ظاهر زندانیان، محتوای اعترافات و ساختگی بودن اعترافات که آگاهانه بر زندانی تحمیل می شود، یک بار دیگر حکایت از وجود رفتاری نظام‌مند دارد.

برنامه‌های پروپاگاندای پخش شده از تلویزیون اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند که شامل این موارد می‌شود: ایجاد حس ترس و دلسردی در جامعه ی مدنی؛ خاموش کردن صداهای مخالف و تحریف گفتمان؛ توجیه و مشروعیت بخشیدن به سرکوب مخالفان و فعالان؛ مبنا قرار دادن برنامه ها به عنوان مستندات برای جرم‌انگاری؛ استفاده از این برنامه ها به عنوان ابزار شکنجه روانی؛ و ترویج روایت های رسمی در سطح داخلی و خارجی. همچنین مصاحبه با قربانیان نشان می‌دهد که طبیعت افترا آمیز این برنامه‌ها چنان تاثیر سرکوبگری بر قربانیان دارد که پیامدهای مخربش از شکنجه های فیزیکی هم بیشتر و فرایند التیام یافتن از تاثیرات آنها بسیار کندتر است.

تاثیر این برنامه‌ها فقط به قربانیان آن محدود نمی‌شود بلکه خانواده و اعتبار آنها را هم هدف قرار می‌دهد. بسیاری از قربانیان، این برنامه‌ها را ابزار شکنجه روحی و روانی توصیف کرده‌اند. آنها تصریح می کنند که تاثیر این برنامه‌ها بر زندگی خانوادگی و اعتبارشان به آسانی جبران‌پذیر نیست و اینکه بسیاری از بینندگان که به هیچ منبع اطلاعاتی دیگری دسترسی ندارند اتهام‌های افتراآمیز ارائه شده در این برنامه‌ها را باور می‌کنند. اکثریت این مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کنند که استفاده غیرقانونی از اطلاعات خصوصی‌شان زیان‌بخش‌ترین و از لحاظ روانی آسیب‌زننده‌ترین بخش این تجربه بوده است.

به رغم رسوایی‌های متعدد[1] که به خوبی دروغ بودن چنین برنامه‌ها و شیوه‌های غیرقانونی تولیدشان را آشکار کرده‌اند، فقدان اراده سیاسی و یک سیستم قضایی معتبر برای پاسخگو کردن ماموران نهادهای امنیتی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی برای اخذ، تولید و پخش اعتراف‌های اجباری و برنامه‌های افتراآمیز اجازه داده تا این سیاست حکومتی تداوم داشته باشد. مصونیت گسترده ماموران حکومتی نه تنها منجر به به افزایش پخش اعترافات اجباری و برنامه‌های افتراآمیز و جرایم مرتبط با آن شده، بلکه حاکمیت قانون را نیز در جمهوری اسلامی از میان برده است.

بر اساس شهادت‌نامه‌ها و شواهدی که برای این گزارش بررسی شده‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که صدا و سیمای جمهوری

۱. بخش ۳.۲ قسمت «اعترافات اجباری و/یا دروغین» و بخش ۳.۳ قسمت «مصاحبه های از پیش نوشته» را ببینید

اسلامی از کارکرد خود به عنوان یک رسانه بسیار فاصله گرفته و به یک ابزار سرکوب تبدیل شده است و در همکاری با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران نقشی فعالانه در نقض نظام‌مند بنیادی ترین حقوق بشر (از جمله حق رهایی از شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز، حق آزادی و امنیت، حق محاکمه عادلانه، حق حریم خصوصی و حق آزادی بیان) ایفا کرده است.

۱. مقدمه

به لحاظ نظری، مسئولیت اصلی رسانه‌ها اطلاع‌رسانی به شهروندان، پاسخگو کردن مقامات و ترویج بحث‌های عمومی آگاهانه است.[۲] با این حال، چنان که در جزییات این گزارش خواهیم دید ماموریت دستگاه رسانه ای جمهوری اسلامی دقیقا در نقطه مقابل قرار دارد. آنها مامور شده‌اند که شهروندان را در تاریکی نگه دارند، تخلف‌های مقامات را لاپوشانی کنند و در جریان آزاد اطلاعات و مباحثی که حکومت آنها را نامطلوب می داند اختلال ایجاد کنند. به بیانی دیگر هر صدایی را که روایت‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی مذهبی حکومت را به چالش بکشد، سرکوب کنند.

بازوهای اختاپوس وار دستگاه رسانه ای جمهوری اسلامی با فعالیت های مختلفی در عرصه تلویزیون، رسانه های دیجیتال، هنر و صنایع فرهنگی به زندگی روزمره ایرانیان وارد شده‌اند. سازمان صدا و سیما که زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند با سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی و شبه‌نظامی جمهوری اسلامی از نزدیک کار می‌کند. به عنوان اصلی ترین ارگان رسانه ای در ایران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی گسترده‌ترین و موثرترین ابزار برای تولید و پخش برنامه‌هایی است که هدفشان سرکوب صداهای جایگزین در درون و بیرون ایران است. صدا و سیما این موقعیت ویژه را بر اساس قانون اساسی به دست آورده است [نگاه کنید به بخش ۱. ۲. ۲] که نه تنها هرگونه انحصار پخش رادیویی و تلویزیونی را در اختیارش گذاشته است، بلکه این سازمان را به مثابه نماینده ی رسمی حکومت در حوزه رسانه های جمعی تبیین می کند.

هر چند ظهور شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و رسانه‌های دیجیتال در دهه گذشته تاثیر عظیمی بر تعداد مخاطبان صدا و سیما داشته اما هنوز هم صدا و سیما منبع اصلی اطلاع‌رسانی و سرگرمی برای بخش زیادی از شهروندان ایران است و چنین موقعیتی آن را به ابزاری ایده‌آل برای انتشار و القای پروپاگاندای حکومتی به مردم تبدیل کرده است. بر اساس یک نظرسنجی انجام شده از سوی مرکز آمار ایران که سال ۱۳۹۶ انجام شده ۹۱ درصد ایرانیان بالای ۱۵ سال دست‌کم روزی چهار ساعت برنامه‌های صدا و سیما را تماشا کرده‌اند.[۳] اگرچه ممکن است در این آمار به قصد بزرگنمایی محبوبیت صدا و سیما اغراق شده باشد، اما این یک حقیقت است که انحصار صدا و سیما بر پخش رسانه‌ای، سانسور شدید اینترنتی و پارازیت‌های گسترده بر روی سیگنال‌های ماهواره‌ای جهانی و منطقه‌ای، برای ایرانیانی که به دنبال کسب اطلاعات و سرگرمی هستند چاره و انتخاب چندانی باقی نگذاشته است.

به همه این دلایل، گزارش موجود تنها بر برنامه‌هایی متمرکز شده که توسط رسانه های انحصاری صدا و سیما پخش شده اند. در حالی که صدا و سیما نقطه مرکزی انواع مختلفی از کارزارهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی است، این گزارش بر روی کارزارهایی علیه شهروندان ایرانی، افراد دو ملیتی و غیرایرانی متمرکز است که از طریق پخش اعترافات اجباری و برنامه‌های افتراآمیز با تحریف و سوء استفاده غیرقانونی از اطلاعات خصوصی آنها اجرا می شوند.

۱-۱. پیش‌زمینه تاریخی

تاریخچه استفاده از برنامه‌های تلویزیونی به عنوان ابزار سرکوب مخالفان را می توان از سرآغاز استقرار جمهوری اسلامی ردگیری کرد. ساختار و فرم این نوع برنامه‌ها از همان دوران تا به امروز همسان برجا مانده است. این برنامه‌ها معمولا حاوی اعترافات اجباری، دادگاه‌های نمایشی و همراه با صدای یک راوی است که از اشخاص هدف قرار گرفته اهریمن سازی می‌کند و می‌کوشد آنها را از لحاظ اخلاقی و ایدئولوژیک فاسد و گمراه نشان بدهد.

یکی از نخستین نمونه‌های چنین برنامه‌هایی دادگاه نمایشی ۲۱ عضو اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) در سال ۱۳۶۱

---

۲. ر.ک گزارش اخلاق روزنامه‌نگاری، داستان‌های نگفته، ص۹۳، قابل دسترسی در:
https://ethicaljournalismnetwork.org/wp-content/uploads/20 6/08/untold-stories-full.pdf

۳. ر.ک نمائی از فرهنگ رفتاری خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۶
https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1397/namaye%20farhange.pdf

است.[۴] همه متهمان این پرونده به جز یک نفر به مرگ محکوم شده و بلافاصله در ملاء عام اعدام شدند. این برنامه با روایتی از مقام‌های نظامی و شبه‌نظامی شروع می‌شود که ادعا می‌کنند سربداران گروهی تروریستی‌اند که شهروندان بی‌گناه را در شهر آمل در شمال ایران هدف قرار داده‌اند. سپس در ادامه این برنامه داستان کسانی که ادعا می‌شود شاهد عینی بوده‌اند روایت می‌شود.[۵] هدف اصلی این بخش از برنامه این بود که حمایت عمومی برای برخورد و رویارویی نظامی جمهوری اسلامی با سربداران در شهر آمل را اثبات کند. در یک مورد، یکی از اعضای سپاه پاسداران ماجرای زن بارداری را روایت می‌کند که برای کمک به ساخت سنگرهای سپاه کیسه‌های شن را حمل کرده بود.

در بخش دوم برنامه، محاکمه‌ها پخش می‌شوند که نمونه کاملی از یک نمایش دراماتیک از پیش طراحی شده است. دادگاه با اجرای یک گروه کر آغاز می‌شود که در حضور متهمان و قضات، مرثیه‌ای در سوگ «شهدای مسلمان آمل» اجرا می‌کنند. سالن دادگاه با پارچه‌نوشته‌ها و شعارهایی در محکومیت سربداران یا ستایش شهدای آمل پوشیده شده است. حضار در دادگاه کسانی هستند که به دقت دست‌چین شده‌اند و به عنوان خانواده‌های قربانیان معرفی می‌شوند و با فریاد و سردادن شعارهایی در حمایت از دادستان و ایجاد اختلال در بیان هر دیدگاه چالش برانگیزی از سوی متهمان، نقش فعالی در ساکت کردن متهمان ایفا می‌کنند.

دادگاه با سخنان دو نفر که به عنوان «قربانیان خشونت سربداران» معرفی می‌شوند رسما آغاز می‌شود. هر دو آنها یونیفرم خاکی نظامی به تن کرده‌اند و در شهادت‌شان، سربداران را به شکنجه قربانیانشان متهم می‌کنند و پس از هر شهادت، حضار در حمایت از آنها شعار می‌دهند. دادگاه با شهادت دادن متهمانی ادامه پیدا می‌کند که نه تنها به سادگی گناه خود را به گردن می‌گیرند که علنا ایدئولوژی خودشان را از لحاظ اخلاقی فاسد و از اساس مجرمانه معرفی می‌کنند.[۶] اولین متهمی که در دادگاه سخن می‌گوید تاکید می‌کند که اقدامات آنها حتی از آنچه در دادگاه از سوی دادستان ذکر شده مجرمانه‌تر و غیرانسانی‌تر بوده است. هیچ کدام از متهمان را وکیلی در دادگاه همراهی نمی‌کند.

یک نمونه دیگر از برنامه‌های پروپاگاندا در سال‌های آغازین جمهوری اسلامی درباره گروه فرقان بود که در بهمن ۱۳۵۸ پخش شد.[۷] فرقان، یک گروه شبه‌نظامی شیعه با ایدئولوژی اسلامی ضد روحانیت بود که به ترور چندین نفر از مقام‌های رده بالای حکومت متهم شد. در این برنامه‌ها هم همان الگو و ترکیب عواملی دنبال شد که در بالا از آن سخن گفتیم. این دادگاه‌ها با صحبت‌های یک راوی شروع می‌شد که قربانیان گروه فرقان و خانواده‌هایشان را معرفی می کرد. بخش باقی مانده برنامه بر روند دادگاه، پرسشهایی از اعضای گروه فرقان از سوی اعضای خانواده قربانیان، اعتراف آنها و پذیرش خطا و انکار ایدئولوژی و سازمان‌شان متمرکز بود.

در اوایل دهه ۱۳۶۰ پروپاگاندای سرکوبگرانه در برنامه‌های تلویزیونی چنان رواج داشت که مهدی بازرگان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در آخرین نطق پارلمانی خود در سال ۱۳۶۰ به آن اشاره کرده است:

> «تا دو روز دیگر عمر نخستین مجلس شورای اسلامی که این‌جانب عضو آن بودم و از مزایای این عضویت، از جمله مصونیت پارلمانی برخوردار بودم به پایان می‌رسد. از پس‌فردا من نیز مانند بقیه موکلینم قابل تعقیب و بازداشت و تأدیب هستم. به همین دلیل نیز با استفاده از فرصتی که رئیس مجلس در اختیار بنده گذاشته‌اند می‌خواهم به اطلاع برسانم که اگر در روزهای بعد شاهد گردیدید که بنده را بازداشت کردند و بعد با تبلیغات و سر و صدا اعلام نمودند که بنده جهت بعضی توضیحات و روشن نمودن حقایق در تلویزیون ظاهر خواهم شد و در صورتی که دیدید آن شخص حرف‌هایی غیر از سخنان دیروز و امروز می‌زند و مثل طوطی مطالبی را تکرار می‌کند، بدانید و آگاه باشید که آن فرد مهدی بازرگان نیست.»

در چهار دهه گذشته ساختار چنین برنامه‌های تبلیغاتی به همان شیوه سابق باقی مانده است. برای مثال همین ساختار در برنامه‌هایی که درباره زانیار و لقمان مرادی ساخته شد هم به کار رفت. آنها در مرداد ۸۸ بازداشت شدند و در آبان ۸۹ نزد امام

---

۴. سربداران یک گروه مارکسیست-لنینیست-مائویست است که در سال ۱۳۵۵ شکل گرفت.این گروه در سال ۱۳۵۹ دست به قیام مسلحانه زد که از سوی جمهوری اسلامی سرکوب شد و سازمان در سال ۱۳۶۰ از میان رفت.

۵. ر.ک «رنگ خاکستری حقیقت»، شادی صدر، وبسایت رادیو زمانه :
https://www.radiozamaneh.com/265223

۶. ویدئوهای دادگاه سربداران را اینجا ببینید:
https://www.youtube.com/watch?v=bUGDPTOUbJ0

۷. پوشش صدا و سیمای جمهوری اسلامی را از دادگاه گروه فرقان اینجا ببینید:
https://www.youtube.com/watch?v=4OXs0InnwwU

جمعه شهر مریوان برده شدند تا پس از چندین روز شکنجه به ترور پسر او اعتراف کنند.[۸] این برنامه با چنان دقتی صحنه آرایی شده بود که بتواند از پرس تی‌وی شبکه ۲۴ ساعته انگلیسی زبان صدا و سیما نیز پخش شود.

در جمهوری اسلامی برنامه‌های پروپاگاندا به طور خاص به شکل اعتراف‌های اجباری تلویزیونی و دادگاه‌های نمایشی بی‌وقفه به عنوان ابزار موثری برای مشروعیت بخشیدن به موج سرکوب‌ها و یا ارعاب و خاموش کردن جامعه مدنی و فعالان سیاسی به کار رفته‌اند. منظور از این برنامه‌ها تضعیف فعالان جامعه مدنی و سیاسی و خفه کردن صدای آنها با شیوه‌های غیرمستقیم پروپاگاندا است. برای مثال دادگاه‌های نمایشی مقامات سابق جمهوری اسلامی نه تنها در توجیه پاکسازی سیاسی مخالفان در ساختار قدرت به حکومت کمک می‌کند بلکه چهره‌اش را به عنوان یک حکومت انقلابی که در معرض تهدیدهای مداوم نفوذ است و در نبردی حق‌طلبانه علیه فساد قرار دارد نیز تقویت می‌کند.[۹]

از سوی دیگر پخش اعترافات کسانی که خارج از حلقه قدرت جمهوری اسلامی‌اند از مخالفانی مانند کمونیست‌ها، روشنفکران و فعالان گرفته تا دیگر قربانیان مانند شهروندان دوتابعیتی به حکومت کمک می‌کند که با استفاده از سخنان آنها علیه خودشان، روایت خودش را درباره ی تمامی این گروهها تثبیت کند. اما در هر صورت، اهداف اصلی تصویر کردن آرمانهای مخالفان به مثابه ایده هایی به لحاظ اخلاقی فاسد و اساسا جنایتکارانه و کامل کردن چرخه ی سرکوب از طریق پروپاگانداست.

برنامه‌های پروپاگاندا در چهار دهه گذشته هم از نظر تکنیکی و هم پختگی و حتی تعدد موضوعات و قربانیان پیشرفت کرده‌اند. گرچه همه آنها یک نقطه مشترک دارند و آن جایگزینی صدای قربانیان با صدای حکومت است. در این برنامه‌ها هر گاه که قربانی سخن بگوید البته اگر اجازه سخن گفتن پیدا کند تنها صدا و روایت حکومت است که شنیده می‌شود. به بیان دیگر در همه این برنامه‌های پروپاگاندا از اوایل دهه ۱۳۶۰ تاکنون این حکومت است که به جای قربانیان سخن می‌گوید یا آنها را وادار می‌کند که از جانب حکومت و در حمایت از روایت حکومت سخن بگویند.

۲-۱. روش‌شناسی

پژوهش و گزارش درباره نقض حقوق بشر در ایران به خاطر فقدان شفافیت در حکومت و دسترسی اندک به آرشیوهای رسمی به تنهایی چالش‌برانگیز است. این چالش ها با عدم دسترسی به قربانیان داخل ایران مضاعف می شوند؛ قربانیانی که جمهوری اسلامی با استفاده از ابزارهای مختلف سرکوب با هدف جلوگیری از انتشار شواهد نقض حقوق بشر در خارج از ایران صدای آنها را خاموش کرده است.

سازمان عدالت برای ایران این پژوهش را با بررسی و تحلیل تعداد زیادی از برنامه‌های تلویزیونی پخش شده از صدا و سیمای ایران و بررسی پرونده‌های متعدد، اسناد قضایی و شهادت قربانیان تهیه کرده است. این گزارش با تمرکز بر صدا و سیمای جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین بازیگر و با تاکید بر سه تاکتیک کلیدی اخذ اعتراف اجباری، استفاده غیرقانونی از اطلاعات خصوصی و پخش پروپاگاندای افتراآمیز، دستگاه رسانه‌ای حکومتی ایران را تحلیل می‌کند. برای تهیه این گزارش درباره ابزارهایی که در تولید چنین برنامه‌هایی استفاده شده‌اند، اهداف و اغراض پخش این برنامه ها، اندازه و وسعت به کارگیری چنین تاکتیک‌هایی در پروپاگاندا و نمونه‌هایی از چنین برنامه‌هایی تحقیق شده است. این گزارش همچنین جزییاتی درباره قربانیان و عاملان تولید این برنامه ها را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

ما برای درک نقض حقوق بشر از سوی صدا و سیمای جمهوری اسلامی و تحلیل شیوه‌های سرکوب آن مانند سرقت و سوءاستفاده از اطلاعات خصوصی یا اخذ و ضبط اعترافات اجباری و شرایط پشت صحنه این اعترافات ۱۳ مصاحبه تفصیلی با قربانیان این برنامه‌ها انجام داده‌ایم که به عنوان منابع دست اول برای درک روند تهیه و پخش چنین محتواهایی به کار گرفته شده‌اند.

برای این گزارش با افراد مختلف و متعددی از جمله فعالان حقوق زنان، وکلا، روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر، فعالان سیاسی،

---

۸. احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران در مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۲ اسفند ۹۰ گفت که "زانیار و لقمان مرادی بدون هیچگونه محکومیتی، ۹ ماه آغاز بازداشت‌شان را در زندان به سر برده‌اند. آنها بعدا وادار به اعتراف به اتهام قتل پسر امام جمعه شدند. هیچ شواهدی علیه آنها وجود ندارد که چنین اتهامی را ثابت کند و به مشورت حقوقی معقول دسترسی نداشتند. هر دو آنها در ملا عام اعدام شدند.

۹. از زمان دادگاه نمایشی صادق قطب زاده ، رئیس پیشین صداوسیما، و مهدی هاشمی، از مسئولان ارشد سابق سپاه تا محاکمه‌های اخیر مانند دادگاه کرباسچی ، شهردار سابق تهران و دادگاه چهره های ارشد اصلاح طلب در سال ۸۸ ، موج محاکمه‌های تلویزیونی به طور مداوم برای پاکسازی های سیاسی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی ادامه داشته است.

خانواده‌های افراد دوتابعیتی و زندانیان سیاسی سابق مصاحبه شده است. همچنین با قربانیان برنامه‌های افتراآمیز مصاحبه‌های تفصیلی صورت گرفته تا تاثیر چنین برنامه‌هایی بر زندگی شخصی و خصوصی افراد و همچنین سلامت و امنیت این قربانیان تشریح شود.

به جز لقمان و زانیار مرادی که در ایران محکوم به اعدام بودند، همه قربانیانی که برای این گزارش با آنها مصاحبه شده خارج از ایران زندگی می‌کنند. گفت‌وگو با زانیار و لقمان مرادی در زندان و به وسیله یک تلفن همراه انجام شد که به داخل زندان قاچاق شده و در اختیار آنها قرار گرفته بود. لقمان و زانیار مرادی نهایتا در سال ۱۳۹۷ اعدام شدند. این مصاحبه‌ها بر نشان دادن جزئیات الگوهای نظام‌مند استفاده شده در روند استخراج اعترافات اجباری، سرقت اطلاعات خصوصی و تاثیرات برنامه‌های افتراآمیز یا پخش مصاحبه‌های اجباری بر قربانیان و خانواده‌هایشان متمرکز بوده‌اند.

در این گزارش بیش از ۱۵۰ برنامه پروپاگاندای تلویزیونی که از سوی شبکه‌های تلویزیونی صدا و سیما در فاصله سالهای ۸۸ تا ۹۸ پخش شده‌اند بررسی شده است (برنامه های پخش شده پیش از سال ۸۸ عمدتا در دسترس نیستند). برای بررسی این برنامه‌ها سه منبع مورد استفاده قرار گرفته‌اند.[۱۰] این برنامه‌ها شامل اعترافات اجباری حدود ۳۰۰ نفر و همچنین ایراد اتهام و افترا به ۵۰۰ نفر می‌شوند که به قصد بی‌اعتبارسازی و بدنام کردن این افراد بدون داشتن حق پاسخگویی به اتهامات یا دسترسی به هیچ نوع مکانیزم جبران خسارت تهیه شده‌اند.

۱-۳. مفاهیم کلیدی

در بخش پیش رو سه مفهوم کلیدی که در گزارش مورد استفاده قرار گرفته اند، تعریف می شوند: اعتراف‌های اجباری، افترا، و پروپاگاندا در چارچوب مفهوم رسانه‌های دولتی به عنوان ابزار سرکوب.

۱-۳-۱ . اعتراف اجباری

در این گزارش هر جا از «اعتراف اجباری» سخن گفته‌ایم منظور هرگونه اعتراف نوشتاری یا گفتاری است که با استفاده از تهدید و اجبار فیزیکی یا روانی، از جمله شکنجه روانی یا فیزیکی، ایجاد شرایط غیرانسانی و تحقیرآمیز، محرومیت از مراقبت‌های پزشکی ، تهدید، ارعاب، فریب و یا هر نوع اجبار دیگری به دست آمده است. در این معنا، زندانی ممکن است اظهارات مشخصی را حتی به صورت جعلی و ساختگی تنها برای متوقف کردن درد و رنج یا جلوگیری از تشدید آزارها بیان کند.

عامل اصلی در تشخیص اعتراف اجباری رضایت است نه محتوایی که به آن اعتراف شده که می‌تواند ساختگی یا واقعی باشد. در حالی که عاملان در همه موارد اعتراف گیری اجباری ادعا می‌کنند که اعتراف‌ها داوطلبانه صورت گرفته است. ضروری است که تاکید کنیم که گرفتن رضایت واقعی، یا در محیطی که دو عامل فشار و اجبار در آن وجود دارد اساساً غیرممکن است. دادگاه اروپایی حقوق بشر مفهوم رضایت را «نتیجه یک خواست آزادانه دانسته که در چارچوب و زمینه محیط اطراف» ارزیابی می‌شود.[۱۱]

مهم‌ترین عاملی که در شرایط اجباری اتاق‌های بازجویی ایران وجود ندارد عامل خواست آزادانه است. در مورد اعتراف اجباری عامل رضایت مشابه عامل «رضایت واقعی» است که در دادگاه بین‌المللی کیفری در ذیل ماده هفت برای جرم‌هایی مانند خشونت جنسی استفاده می‌شود:

> «مرتکب، منجر به ورود یک یا تعداد بیشتری از افراد در یک یا چند فعالیت با ماهیت جنسی می شود، چه با توسل به زور یا تهدید به استفاده از زور یا اجبار، مانند مواردی که ناشی از ترس از خشونت، فشار روانی، بازداشت، سرکوب روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه این شخص یا اشخاص دیگر باشد. یا استفاده از یک محیط اجباری یا ناتوانی شخص یا اشخاص برای

---

۱۰. سه منبع عبارتند از ۱- وب‌سایت به اشتراک‌گذاری ویدیو با عنوان تلوبیون که منحصرا برنامه‌های صدا و سیما را به اشتراک می‌گذارد۲- وب‌سایت اشتراک‌گذاری ویدئو آپارات که بزرگ‌ترین پلتفرم اشتراک‌گذاری ویدیو در ایران است ۳- بایگانی شبکه پرس‌تی وی به خصوص بایگانی برنامه ایران امروز

۱۱. M.C. v Bulgaria, application 39272/98, judgment of 4 December 2003, European Court of Human Rights, paragraph 163.

رضایت دادن واقعی.»[۱۲]

موضوع «بهره‌گیری از یک محیط اجباری یا ناتوانی شخص برای دادن رضایت واقعی» به موضوع گرفتن اعتراف‌های اجباری شباهت دارد. این مفهوم بعدها در قضاوت پرونده کوناراک در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق تصریح شد.

> «فقدان رضایت واقعی و آزادانه یا مشارکت داوطلبانه میتواند به واسطه وجود عوامل مختلفی تعیین شود که در حوزه‌های قضایی دیگر به مثابه استفاده از زور، تهدید به استفاده از زور یا سوءاستفاده از موقعیت فردی که قادر به مقاومت نیست فهمیده می شوند. اثبات این امر که چنین عواملی توانایی قربانی را در توافق آزاد و واقعی نفی می‌کنند در این حوزه‌های قضایی قابل مشاهده است. مفهوم رضایت به صراحت تعریف شده است که مشروط به نبود مواردی مثل استفاده از زور، ناهشیاری یا ناتوانی برای مقاومت قربانی است. همچنین تحریف اطلاعات از سوی مرتکب ناقض رضایت است.»[۱۳]

بر اساس قوانین ایران و معاهدات بین‌المللی که ایران به آنها پیوسته است، «اعتراف اجباری» مدرک قابل قبولی در روندهای قضایی محسوب نمی‌شود و گرفتن یا انتشار اعتراف اجباری، نقض حقوق بشر بوده و مجازات قانونی در پی دارد. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران صراحتا استفاده از هر نوع اجبار را برای به دست آوردن اقرار ممنوع کرده است.

> «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

همچنین اصول ۷ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که جمهوری اسلامی ایران هم یکی از اعضای آن است، استفاده از شکنجه و اعتراف اجباری را منع کرده اند. در پاراگراف سوم از اصل چهاردهم این میثاق حداقل ضمانتها برای حفظ حقوق متهمی که مورد تعقیب قضایی قرار گرفته ذکر شده است. یکی از این ضمانت‌ها حق «عدم اجبار به شهادت دادن علیه خود و یا اعتراف به جرم» است.

مفهوم اعتراف اجباری ارتباط نزدیکی با مفهوم اعتراف دروغین دارد که در آن زندانی مجبور می‌شود به جرمی که مرتکب نشده است اعتراف کند. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که فاکتورهای زیر جزو علل اصلی اعترافات دروغین هستند:

- ارعاب مظنون توسط بازجویان .[۱۴]
- استفاده از اجبار، شکنجه یا خشونت در جریان بازجویی یا احساس تهدید به استفاده از زور
- تضعیف توانایی استدلال مظنون به واسطه ی خستگی، استرس، گرسنگی، تاثیر دارو، و در برخی موارد محدودیت های ذهنی یا آموزشی
- به کارگیری تکنیک‌های بازجویی گمراه‌کننده، مانند اظهارات نادرست درباره وجود شواهد و ادله اثبات جرم.
- ترس مظنون از این که عدم اعتراف باعث مجازات شدیدتر شود.

در حالی که پخش اعترافات اجباری اقدامی است که اغلب توسط سازمان‌های جنایتکار و تروریست مانند داعش و القاعده مورد استفاده قرار می گیرد، اما چهار حکومت در جهان به شیوه ای نظام مند ویدئوهای چنین اعترافاتی را پخش میکنند:[۱۵] ایران، چین، کره شمالی و ویتنام .[۱۶] اگرچه اعتراف اجباری با هدف اثبات جرم اخذ می شود، اما اهداف متعدد دیگری برای گرفتن اعتراف اجباری به خصوص از زندانیان سیاسی وجود دارد. این اهداف عبارت اند از:

---

۱۲. ر.ک عناصر جرم از نظر دادگاه بین‌المللی کیفری، سال انتشار ۱۹۹۰ ، صفحه ۹ قابل دسترسی در:
https://www.icc-cpi.int/nr/rdonlyres/336923d8-a6ad-40ec-ad7b-45bf9de73d56/0/elementsofcrimeseng.pdf

۱۳. Prosecutor v Kunarac, Kovac and Vukovic IT-96-23-T & IT-98-30/1-T (22 February 2001), paras 457-458

۱۴. ر.ک: اعترافات دروغین و ضبط بازجویی، پروژه بی‌گناهی، قابل دسترسی در
https://www.innocenceproject.org/false-confessions-recording-interrogations/

۱۵. ر.ک: گزارش گروه سیفگارد دیفندرز از پشت صحنه اعترافات اجباری در تلویزیون چین، ۲۰۱۸، قابل دسترسی در
https://apo.org.au/node/141086

۱۶. ر.ک: گزارش دیده بان حقوق بشر از پخش اعترافات اجباری شهروندان آمریکایی در ویتنام، قابل دسترس در:
https://www.hrw.org/news/2018/07/18/vietnam-us-citizen-televised-confession

- شکستن عزم زندانی، وادار کردن او به تسلیم و نمایش دادن آن به عنوان یک شکست نمادین برای نیروهای مقاومت و عقاید مخالف
- تحقیر زندانی از طریق پخش اعترافاتش به جرایم غیرقابل تصور و در نتیجه نمایش قدرت حکومت در اجبار هر فرد به هر سطحی از تسلیم و ارسال چنین پیامی به جامعه که به گسترش حس ترس منجر می شود.
- استفاده از اعتراف زندانی برای مقصر جلوه دادن سایرین یا متهم کردن حکومت‌های خارجی به مداخله در امور داخلی یا خصومت با کشور
- استفاده از اعترافات زندانی برای بدنام کردن یا بی‌اعتبار کردن گفتمان، سازمانها ، یا افراد و عقاید مخالف
- به کارگیری اعتراف زندانی به عنوان شاهدی برای تثبیت یک روایت رسمی
- استفاده از اعتراف زندانی به عنوان ابزاری تفرقه برانگیز و برای ایجاد تنش‌های اجتماعی و تضعیف سازمان‌ها و مواضع مخالف، برانگیختن ترس در مخاطب و نشان دادن بیهودگی مقاومت در برابر قدرت حکومت.

۲-۳-۱ . افترا

افترا زمانی به کار می‌رود که اظهارات یا موضوعات مطرح شده، حاوی نسبت نادرستی علیه اعتبار اشخاص، شرکت‌ها یا موسسات باشد. افترا با این هدف به کار می‌رود که اعتبار این افراد و موسسات در چشم افراد جامعه تضعیف شود. این کار عموما باعث می‌شود قربانی مورد نفرت یا تحقیر و تمسخر قرار بگیرد.[۱۷]

افترا قلب کارزار پروپاگاندای حکومت جمهوری اسلامی است. اساسی‌ترین ابزاری است که برای ساکت کردن و به حاشیه بردن عقاید نامطلوب و فعالان به کار می‌رود. در بسیاری از موارد هدف نهایی از اخذ اعتراف‌های اجباری این است که از آنها به عنوان مدرک در یک برنامه افتراآمیز استفاده شود. استفاده از کارزارها و برنامه‌های افتراآمیز موثرترین ابزار در دست دولت‌های توتالیتر برای سانسور و خاموش کردن صدای مخالفان خود از طریق کنترل واکنش مخاطب در زمینه اظهارات صورت گرفته است.[۱۸] حکومت با به راه انداختن کارزارهای بدنام کننده و انتشار محتوای افتراآمیز مخاطبان را نسبت به صدای مخالفان ناشنوا می کند و آنها را از تاثیر عقاید مخالف مصون نگه می دارد.

کارزارهای بدنام کننده نه فقط برای کاهش دادن تاثیر صدای مخالف بلکه همچنین برای قراردادن مخالفان در آماج حملات خشونت بار بنیادگرایان و افراطیون نیز به کار می رود[۱۹]. کارزارهای بدنام کننده و افترا آمیز همچنین به عنوان مقدمه ای برای

---

۱۷. See: Evans, Ben, A Brief Guide to the Tort of Defamation, July 2014, Blake Morgan, available at: https:// www.blakemorgan.co.uk/a-brief-guide-to- the-tort-of-defamation/.

۱۸. For an example of the use of smear campaign in totalitarian regimes see: Rojas, Rafael et al (2012). Aim, Fire! Character Assassination in Cuba. Miami: Eriginal Books. p. 12.

۱۹. یک نمونه نزدیک از چنین تاثیری در خارج از ایران پرونده اسلاوکو کورووپا روزنامه‌نگار صرب است که در اردیبهشت ۱۹۹۹ چند روز بعد از آنکه روزنامه حامی حکومت پولیتیکا اکسپرس او را متهم کرد که به خوش‌آمدگویی بمباران ناتو رفته است در بلگراد هدف شلیک قرار گرفت. کارزار بدنام کردن با تکیه بر حساسیت‌های میهن‌پرستانه، نژادی، قومیتی و مذهبی مخاطبان خود، به آسانی به نفرت و حملات تلافی‌جویانه به جانب مخالفان حکومت منجر می‌شود. نگاه کنید به:
Index on Censorship, Doing their masters' bidding: Media smear campaigns in central and eastern Europe, 21 December 2018, https://www.indexoncensorship.org/2018/12/doing-their-mastersbidding-media-smear-campaigns-in-central-and-eastern-europe/
یک نمونه دیگر کارزار بدنام کننده ماجرایی است که علیه سازمان غیردولتی «رصد تعارض‌های اجتماعی» در ونزوئلا و مدیر آن مارکو آنتونیو پونس به راه افتاد. در پنج ژانویه ۹۱۰۲ در حالی که کارزار اعتراضی اخیر در ونزوئلا در حال برگزاری بود، وب سایت دولتی «میزیون ورداد» مقاله‌ای را با عنوان «نخستین سیاست دولت موازی: آپارتاید در ونزوئلا» منتشر کرد. این مقاله حاوی تصویری از مصاحبه رسانه دیجیتال «ویوپلی» با مارکو آنتونیو پونس بود که در آنجا درباره اعتراض‌هایی که در فاصله ۱۲ و ۲۲ ژانویه برگزار شد و به شدت از سوی نیروهای حکومت سرکوب شده بود صحبت می‌کرد. این مقاله احزاب مخالف را متهم می‌کرد و اعتراضات را وقایعی می‌دانست که از سوی سازمان‌های غیردولتی حمایت مالی می‌شود تا کشور بی‌ثبات شود و حکومت ساقط شود. در این مقاله آمده بود که سازمان‌های غیردولتی «قصد دارند نفرت و تقابل را به مناطق پرطرفدار کاراکاس بکشانند.» در این مقاله هایپرلینک‌هایی از حساب تلگرامی سازمان غیردولتی «رصد تعارض‌های اجتماعی» ونزوئلا هم آمده بود. از آن زمان پونس قربانی چندین حمله، نفرت‌افکنی و ارعاب بوده است. نگاه کنید به:
Frontline Defenders, Marco Antonio Ponce – Target of Ongoing Smear Campaign and Incitement to Violence, https://www.frontlinedefenders.org/en/case/marco-antonio-ponce-target-ongoing-smear-campaign-and-incitement-violence

پیگردهای قضایی یا ابزاری برای توجیه آزارهای قضایی پیشین به کار می‌روند. در زمان اعتراض‌های سال ۸۸ در جریان جنجال بر سر نتایج انتخابات در ایران روزنامه دولتی کیهان به صورت فعالانه درگیر کارزارهای بدنام کننده علیه معترضان بود و آنها را بی‌وقفه متهم می‌کرد که از سوی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی حمایت مالی و هدایت می‌شوند. بر اساس گفته بسیاری از بازداشت شدگان، بازجویان‌شان مقالات کیهان را به عنوان شواهد اصلی علیه آنها به کار می‌بردند.[۲۰] در ۲۴ خرداد ۸۸ کیهان مقاله‌ای با عنوان» شبکه عنکبوت آماده حمله انتحاری» منتشر کرد. در این مقاله ادعا شده بود که اصلاح‌طلبان اتاق جنگی برای بحران‌سازی و عملیات خرابکاری به راه انداخته‌اند. چندین ساعت بعد از انتشار این مقاله نیروهای امنیتی ده‌ها نفر از سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران و مدیران ستادهای انتخاباتی اصلاح‌طلب را بازداشت کردند.

در یک مورد دیگر پس از بازداشت و مرگ مشکوک کاووس سیدامامی استاد دانشگاه و فعال محیط زیست در زندان، صدا و سیمای جمهوری اسلامی برنامه‌ای با عنوان «منطقه ممنوعه» پخش کرد که در آن آقای امامی متهم شده بود مامور سازمان اطلاعات آمریکا بوده و مسئولیت داشته از تجهیزات سپاه پاسداران در پوشش تحقیق محیط زیستی جاسوسی کند. همچنین در این برنامه ادعا شده بود که کاووس سیدامامی خودکشی کرده است تا از دستیابی ماموران امنیتی به اطلاعات بسیار ارزشمندی که در اختیار داشت جلوگیری کند.[۲۱]

۳-۳-۱ . پروپاگاندا

برای تهیه این گزارش ما پروپاگاندا را یک شبکه پیچیده از فعالیت‌ها با هدف نهادینه کردن یک روایت یا یک گفتمان مشخص و پیشگیری یا به حاشیه بردن روایت‌ها و گفتمان‌های مخالف یا جایگزین تعریف کرده‌ایم. در این معنا، پروپاگاندا تنها به عنوان یک دسته از شیوه‌های ارتباط جمعی دسته‌بندی نمی‌شود؛ بلکه پروپاگاندا همچنین شامل همه فعالیت‌های ضروری برای تثبیت، تقویت و تحکیم یک گفتمان و حذف روایت‌های جایگزین از گفتمان عمومی به واسطه همه شیوه‌های آشکار و پنهان سرکوب است. پروپاگاندا نقش خود را در هر دو قالب کارزارهای مثبت و منفی ایفا می کند. در حالی که هدف اصلی کارزارهای مثبت آن است که یک روایت خاص را ایجاد و تقویت کنند هدف کارزارهای منفی آن است که بترسانند، بی‌اعتبار کنند، ساکت کنند و روایت‌های جایگزین یا مخالف را سرکوب کنند. وظیفه یک سازمان پروپاگاندا کنترل افکار عمومی و مباحث عمومی مطابق با دستور کار رسمی به واسطه تولید، تثبیت و ترویج مجموعه‌ای از ارزش‌های مثبت و منفی در جامعه است.

---

۲۰. نگاه کنید به گزارش «مردان خشونت:مجریان و مروجان خشونت پس از انتخابات» کمپین حقوق بشر ایران، خرداد ۱۳۸۹:
https://persian.iranhumanrights.org/1389/03/men_of_violence_fa/#sec17

۲۱. فیلم کامل را در این آدرس ببینید:
https://bit.ly/2F5liq9

۲. صدا و سیمای ایران به منزله سلاح سرکوب جمعی

نقش اساسی رسانه‌ها در حفاظت از دموکراسی غیرقابل انکار است؛ چه در نقش یک ناظر آگاهی‌بخش باشد و چه در نقش بستری که دیدگاه‌های شهروندان را نمایندگی می‌کند.[۲۲] با وجود این رسانه‌ها به‌ویژه در کشورهای استبدادی، می‌توانند کارکرد متفاوتی داشته باشند. رسانه می‌تواند به ابزاری برای از میان بردن تمام اصولی تبدیل شود که در اساس و در ابتدا قرار بود از آنها محافظت کند. به عبارت دیگر ابزار ارتباط جمعی به تسلیحات سرکوب جمعی تبدیل می‌شود.

> «عصر اطلاعات در اصل عصر رسانه‌هاست. ما به وسیله رسانه می‌جنگیم، به وسیله رسانه سانسور می‌کنیم، به وسیله رسانه دیوشناسی می‌کنیم، با رسانه انتقام می‌گیریم، منحرف می‌کنیم، یک خط تولید سورئال برای کلیشه‌های گوش به فرمان و فرضیات غلط.»[۲۳]– جان پیلجر

رسانه، تحت کنترل حکومت غیر دموکراتیک از ذات ارتباطی دو جانبه‌اش تهی می‌شود و و به شکل عامل ارتباط یک جانبه، و بلندگوی پروپاگاندای حکومتی مسخ می‌شود. رسانه تحت کنترل حکومت اقتدارگرا حتی فراتر هم می‌رود تا به ابزار موثری برای خفقان، تحقیر، اهریمن سازی، فحاشی، ارعاب، مجازات و حتی شکنجه تبدیل شود. به این معنا رسانه از بازوهای پلیسی، نظامی و اطلاعاتی حکومت جدایی ناپذیر می‌شود. این ویژگیها سرشت‌نمای صدا و سیما است؛ بازوی رسانه‌ای انحصاری و غول آسای جمهوری اسلامی.

در گفتمان به اصطلاح انقلابی جمهوری اسلامی، مفهوم جنگ اهمیت زیادی دارد. از همان ابتدای جمهوری اسلامی، حکومت خود را در جنگ ایدئولوژیک، نظامی و پروپاگاندا با دشمنان واقعی و خیالی خویش دیده است. قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما که در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است دقیقا همین دیدگاه را تصریح می‌کند:

> «انقلاب اسلامی ایران حلقه‌ای تعیین‌کننده از زنجیر قیامها و نهضت‌های الهی است که در طول تاریخ، تداوم خویش را در صحنه نبرد حق و باطل حفظ کرده است. قدرتهای خودکامه با بهره‌گیری از کلیه امکانات، کابوس سیاه خود را بر پهنه جهان گسترده و به خاطر تداوم سلطه اهریمنی خویش به استعمار فرهنگی و استثمار فکری و اقتصادی مستضعفین پرداخته و در راه مسخ ارزشها و خالی نمودن انسان از هویت خدایی و بیگانگی او ازخویشتن، جدیدترین وسائل تبلیغاتی را به خدمت خویش درآورده‌اند.[۲۴]»

این قانون در حالی که انقلاب اسلامی را در جنگی مدام می‌بیند و دشمنانش را مشخص و از آنها اهریمن سازی می‌کند، همزمان صدا و سیما را مسئول مقابله با هر روایت جایگزین دیگری می‌کند. ماده ۲۷ این قانون هدف صدا و سیما را چنین تعیین می کند: «تلاش برای جایگزینی نظام ارزشی اسلام به جای نظام ارزشی شرق و غرب و مبارزه با عوارض و آثار باقیمانده فرهنگ طاغوتی.» چنین دیدگاهی به یک وضعیت اضطراری بی‌پایان مشروعیت می‌بخشد که در آن هدف وسیله را توجیه می‌کند و راه را برای تبدیل کردن تمام عناصر زندگی اجتماعی به سلاح از جمله نقش رسانه هموار می‌سازد.

علی خامنه‌ای در ۱۲ مهر ۹۷ و در سخنرانی برای اعضای سازمان شبه نظامی بسیج، رسانه را به تسلیحات شیمیایی تشبیه کرد:

> «ابزار رسانه، ابزار مهم و اگر دستِ دشمن باشد، ابزار خطرناکی است. ابزار رسانه را تشبیه می‌کنند به سلاحهای شیمیایی در جنگ نظامی.»[۲۵]

---

۲۲. ر.ک. «اثر رسانه جمعی بر کیفیت دموکراسی «، لیزا مولر، قابل دسترسی در:
https://blogs.lse.ac.uk/eurocrisispress/2014/12/10/the-impact-of-the-mass-media-on-the-quality-of-democracy-within-a-state-remains-a-much-overlooked-area-of-study/

۲۳. جنگ رسانه و پیروزی پروپاگاندا، جان پیلگر، بلفاست تلگراف، شش دسامبر ۲۰۱۴ قابل دسترسی در:
https://www.belfasttelegraph.co.uk/opinion/columnists/john-pilger-war-by-media-and-the-triumph-of-propaganda-30803378.html

۲۴. متن کامل قانون را در اینجا ببینید:
https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90575

۲۵. متن کامل سخنرانی را اینجا ببینید
http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40645

رسانه به مثابه تسلیحات سرکوب تلاش می‌کند که تمام برداشت‌های مخالف یا متفاوت را از میان ببرد و هر رفتاری که روایت تثبیت شده از طریق پروپاگاندا را به چالش کشید، شرمسار کند، تنبیه کند یا آزار دهد.

صدا و سیما به عنوان یک مرکز شبکه عمل می‌کند که شبکه‌ای گسترده از سازمانهای قضایی، امنیتی، نظامی و اطلاعاتی را به یکدیگر مرتبط می‌کند. به این معنا، صدا و سیما دیگر سازمانی رسانه‌ای و به ویژه سازمانی مستقل نیست، بلکه نهاد سرکوب دولتی است که از ابزار ارتباطات جمعی استفاده می‌کند.

کلمات به کار رفته در قانون «خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما» این ویژگی سازمان را به طور خاص و به خوبی روشن می‌کند، به این معنی که باید روایت مطلوب حکومت را به عنوان تنها روایتی که حق حیات دارد مستقر کند. این قانون صریحا صدا و سیما را مامور می‌کند که «آثار وعواقب ارزشهای شرک‌آلود» را بازشناسی کند و آنها را با «ارزشهای اصیل و نوین اسلامی» جایگزین کند. برای رسیدن به چنین هدفی صدا و سیما بر اساس ماده ۵۵ این قانون ماموریت یافته تا «فعالیتها، توطئه‌ها و شیوه عملکرد گروه های ضد انقلاب و ستون پنجم دشمن» را افشا کند و «مردم را با ماهیت فکری و عملی آنان» آشنا کند.

طیف گروه‌ها و افرادی که اینجا هدف قرار گرفته‌اند و برچسب ضد انقلابی خورده‌اند نشان می‌دهد که صدا و سیما به مثابه یک دروازه‌بان در مقابل هر روایت، ایده و یا گفتمانی عمل میکند که مطلوب یا از آن حکومت نباشد. با چنین مسئولیتی است که صدا و سیما صدها برنامه پروپاگاندا درباره شهروندان ایرانی و خارجی تولید کرده که از جمله شامل اعترافات اجباری تحت فشار شدید و شکنجه نیز می‌شود.

در حالی که صدا و سیما، در کنار سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، به عنوان ابزار سرکوب عمل می‌کند، همچنین فعالانه تلاش می‌کند اقدامات سرکوب‌گرانه حکومت را با اقناع افکار عمومی، به ویژه در سطح بین‌المللی توجیه کند و مشروعیت ببخشد، و این اقدامات را معقول و متناسب جلوه دهد. این بخش از برنامه صدا و سیما ارتباط نزدیک با مفهوم «جنگ نرم» و «قدرت نرم» دارد.

عبارت قدرت نرم را توماس نای در اوایل دهه نود ابداع کرد و از آن زمان به طور گسترده‌ای توسط سیاست گذاران در سطوح داخلی و بین‌المللی استفاده شده است.[۲۶] نای می‌گوید قدرت نرم «توانایی رسیدن به هدف مطلوب از طریق جذب و اقناع دیگران برای دنبال کردن هدف شماست».[۲۷] تنها بعد از پخش تلویزیونی تظاهرات اعتراضی ایران در انتخابات سال ۸۸ در سراسر جهان بود که عبارات «جنگ نرم» و «قدرت نرم»[۲۸] وارد سخنرانی‌های رهبر جمهوری اسلامی ایران و سپس مقام‌های عالیرتبه حکومت شد.[۲۹]

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سال ۸۸ در سخنرانی برای اعضای بسیج، جنگ نرم را اینگونه تعریف کرد: « جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، به وسیله شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهن‌های مردم».[۳۰]

این دقیقا همان جنگی‌است که صدا و سیمای جمهوری اسلامی در چارچوب دستور کار وسیع‌تر «مهندسی فرهنگی» پیش گرفته

---

۲۶. عبارت جنگ نرم در سال ۸۳ با انتشار کتابی با عنوان جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای توسط موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران به واژه‌نامه سیاسی ایرانی‌ها راه پیدا کرد . موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌الملل تهران که در سال ۱۳۷۹ بنیان گذاشته شد، اولین اندیشکده غیردولتی روابط خارجی و مطالعات استراتژیک و امنیت ملی ایران است. در وبسایت این موسسه هدف از آن کمک به انقلاب اسلامی برای استقرار یک استراتژی امنیتی، تاثیرگذاری روابط خارجی، همکاری با سازمان‌های بین المللی و برنامه‌ریزی برای تحقیق بر روی موضوعاتی که مطابق با منافع جمهوری اسلامی است اعلام شده است. ببینید: http://tisri.org/?page=about

۲۷. آینده قدرت: تغییر طبیعت قدرت آمریکا، ژوزف نای (لندن: بیسیک بوکز،۱۹۹۰)

۲۸. جنگ نرم، حمید ضیایی‌پرور، جنگ رسانه مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، سپتامبر ۲۰۰۴. قابل دسترسی در اینجا: http://www.iranreview.org/content/Documents/Soft_War_2_Media_War.htm

۲۹. گسترش تلاش‌ها برای خاموش کردن مخالفان، روبرت وورث، نیویورک تایمز ۲۳ نوامبر ۲۰۰۹: https://www.nytimes.com/2009/11/24/world/middleeast/24iran.html?ref=world

۳۰. متن کامل سخنرانی را اینجا ببینید: http://english.khamenei.ir/news/1211/Leader-s-Address-to-Members-of-Basij

است. برنامه‌ای که شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت مدیریت و نظارت مستقیم علی خامنه‌ای تدوین کرد.[۳۱] نقشه مهندسی فرهنگی جمهوری اسلامی[۳۲] که در سال ۱۳۹۱ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شد «ارتقاء قدرت نرم و افزایش نیروی مقابله با جنگ نرم دشمن» یکی از ۱۳ هدف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برشمرده شده است.[۳۳] این نقشه، بندهای زیر را به عنوان جامعه هدف اصلی خود برشمرده است:

۱. شهروندان و اتباع جمهوری اسلامی ایران

۲. سازمان ها و نهادهای کشور

۳. جوامع فارسی زبان

۴. جهان اسلام

۵ . کشورهای منطقه با تاکید بر قرابت‌های جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی

۶ . ملل و کشورهایی که روابط و پیوندهای سیاسی– فرهنگی و یا اقتصادی– فرهنگی قابل توجهی با نظام جمهوری اسلامی ایران دارند

۷. دولت‌ها، جریان ها و گروه های معارض و یا متخاصمی که به اقدامات سازمان یافته سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران مبادرت می ورزند

۸. سازمانهای بین المللی و منطقه ای.

۹. جامعه‌ی جهانی

دستگاه سرکوب‌گر جمهوری اسلامی ایران شامل مجموعه متنوع و پیچیده‌ای از سازمان‌های رسانه‌ای، نظامی، اطلاعاتی، قضایی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی است. شایان ذکر است که اگرچه این گزارش به برخی نهادهای نظامی و امنیتی این دستگاه مثل وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اشاره می‌کند، تمرکز گزارش بر بازیگر اصلی بازوی رسانه ای این دستگاه یعنی صدا و سیما است.

در سال های اخیر به ویژه بعد از اعتراضات به انتخابات سال ۸۸ جمهوری اسلامی بر توسعه امپراطوری رسانه ای خود سرمایه گذاری زیادی کرده است و ‹جنگ نرم› جهانی را علیه منتقدان خارجی و کشورهای دیگر راه انداخته است.[۳۴]

با ظهور رسانه های دیجیتال و شبکه های اجتماعی، به ویژه بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ مخالفان و کنشگران ایرانی فضای رسانه‌ای تازه‌ای را برای دور زدن رسانه انحصاری و سانسور محور صدا و سیما پیدا کردند و برای ابراز عقاید و آگاه سازی درباره مسائل سیاسی اجتماعی به مخاطبان بیشتری راه پیدا کردند. محبوبیت رسانه‌های دیجیتال باعث ریزش بخش قابل توجهی از مخاطبان صدا و سیما شده که حالا می توانند از اینترنت استفاده کنند. آنها منبع تازه اطلاعاتی پیدا کرده اند که می توانند از طریق آن به ایده های جایگزین داخلی و بین المللی دست پیدا کنند. این کوچ مخاطبان از رسانه‌ای تمرکزگرا و متعلق حکومت، به رسانه‌های مستقل متنوع و نامتمرکز، صدا و سیما را وا داشته تا قلمرو خود را به رسانه‌های دیجیتال نیز گسترش دهد.[۳۵] صدا و سیما با استفاده از وب‌سایت‌های خبری ساختگی با اخبار تکراری از منابع حامی خط مشی حکومتی، با استفاده از حساب‌های

---

۳۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی یک نهاد تحت تسلط محافظه‌کاران است که در تهران واقع شده و در زمان رهبری روح‌الله خمینی شکل گرفته است. تصمیم‌های این نهاد تنها از سوی رهبر جمهوری اسلامی قابل نقض شدن است. اکثریت اعضای این شورا را رهبر جمهوری اسلامی تعیین می‌کند. مسئولیت اصلی‌اش اطمینان از این موضوع است که نظام آموزشی ایران صد در صد اسلامی باقی می‌ماند و هر نوع ایدئولوژی خارجی یا تاثیر فرهنگی از آن دور خواهد ماند. شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئول انقلاب فرهنگی دهه شصت و هفتاد است.

۳۲. متن کامل نقشه مهندسی فرهنگی را اینجا ببینید:
https://sccr.ir/UserFiles/entesharat/ _%20 __opt.pdf

۳۳. ایران در جستجوی تمدن جدید اسلامی نوشته الیوت آسوده، فیر آبزرور، سوم ماه مه ۲۰۱۷
https://www.fairobserver.com/region/middle_east_north_africa/iran-islamic-civilization-middle-east-politics-culture-news-63411/

۳۴. تلویزیون حکومتی ایران برای نفوذ به قلب‌ها از «قدرت نرم» استفاده می‌کند، مارکتا هالپاچوا، گاردین، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳:
https://www.theguardian.com/world/2013/nov/22/iran-state-tv-versus

۳۵. درباره کارزار پروپاگاندای جهانی ایران چه می‌دانیم؟، وایرد، ۲۴ اوت ۲۰۱۸:
https://www.wired.com/story/iran-global-propaganda-fireeye/?verso=true

جعلی در شبکه‌های اجتماعی[۳۶] و نیز با استفاده از عکس‌های دزدی و اسامی دروغی برای فریب قربانیان، مرتبا مخاطبان را هدف پروپاگاندای نظام مند خود قرار داده است. این عوامل شبکه غیر قابل نفوذی برای تبلیغ در فیس بوک، توییتر، یوتیوب، گوگل پلاس، ردیت و سایر شبکه‌های اجتماعی تشکیل داده‌اند. و ارتشی از کاربران جعلی و باتها آنها را همراهی می کنند که وظیفه‌شان گزارش فعالیت‌های مخالفان یا ترول کردن مخالفان و نیز از جلوه انداختن ایده های مخالف است. آنها حتی در نقش شهروندان بریتانیایی یا آمریکایی می‌روند[۳۷] تا در دوران انتخابات به شکاف‌های تفرقه‌برانگیز دامن بزنند.[۳۸]

با تمرکز جهانی اخیر بر ایران که در نتیجه بحران هسته‌ای پیش آمده، و با توجه به تعداد بالای مخالفان حکومت ایران که مجبور به ترک کشور شده‌اند و حالا فعالانه در کارزار علیه جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای آن شرکت دارند، دستگاه رسانه‌ای حکومت این فوریت را حس کرده که باید منتقدان خود را در سراسر جهان هدف قرار دهد تا از تاثیر آن‌ها به ویژه بر افکار عمومی جهانی بکاهد.

دلیل مهم دیگر برای گسترش جهانی دستگاه رسانه‌ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی این است که تاثیر روش مستقیم سرکوب جمهوری اسلامی در داخل مرزهای این کشور کمتر شده و با توجه به ایده‌ها و افکار مخالفی که از خارج از کشور وارد آن می‌شود تقریبا غیر ممکن شده است.[۳۹]

۱-۲. قربانیان

دستگاه رسانه‌ای جمهوری اسلامی طیف گسترده‌ای از افراد و گروه‌ها را هدف قرار می‌دهد، از فعالان سیاسی تا نویسندگان و روزنامه‌نگاران، از حامیان حقوق زنان و محیط زیست تا فعالان حقوق کودکان و اتحادیه‌های کارگری، و از اقلیت‌های قومی و مذهبی تا دوتابعیتی‌ها و استادان دانشگاه و تاجران خارجی، و نیز شهروندان عادی بدون هیچ‌گونه فعالیت سیاسی و یا مدنی. گونه و طیف این اهداف بر اساس سیاست‌های خارجی و داخلی جمهوری اسلامی و یا جنگ قدرت داخلی آن تغییر می‌کند. با این وجود روایت سیاسی– اجتماعی مستقر شده توسط جمهوری اسلامی و سناریوهایی که طبق این روایت‌ها طراحی شده با کلیدواژه‌هایی مثل «نفوذ» یا «تهاجم فرهنگی» می‌توانند نوع و گونه اهداف مورد نظر برای این برنامه‌های پروپاگاندا را نیز مشخص کنند.

باید تاکید کرد که طیف متنوع این قربانیان نشان می‌دهد درعمل هرکسی ممکن است هدف این برنامه‌های پروپاگاندا قرار بگیرد. پخش اعترافات نوجوانانی که می‌رقصند،[۴۰] کاربران تاثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی،[۴۱] هنرمندان اهل موسیقی[۴۲] و دوتابعیتی‌ها بدون هیچ گونه رابطه سیاسی به روشنی این فرضیه را ثابت می‌کند که هر کسی می‌تواند هدف پروپاگاندای جمهوری اسلامی

---

۳۶. همان

۳۷. گزارش اطلاعاتی فایرآی:
https://www.fireeye.com/blog/threat-research/2018/08/suspected-iranian-influence-operation.html

۳۸. غول‌های شبکه‌های اجتماعی به تازگی متوجه شده‌اند که شبکه گسترده‌ای با ماهیت پروپاگاندا و مرتبط با جمهوری اسلامی در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های گمراه‌کننده واشاعه ضداطلاعات دست دارد. رویترز مدعی شده که دست کم ۷۰ وبسایت را کشف کرده که پروپاگاندای دولتی ایران را دست کم در ۱۵ کشور جهان پیش می‌پرندو تبلیغ می‌کنند.
گزارش ویژه: ایران چطور اطلاعات نادرست را در سطح جهان منتشر می‌کند؟* جک استابز، کریستوفر بینگ، رویترز، نوامبر :
https://uk.reuters.com/article/uk-cyber-iran-specialreport/special-report-how-iran-spreads-disinformation-around-the-world-idUKKCN1NZ1FH

۳۹. نکته ای مشابه به این بحث توسط یک متخصص رسانه‌های دیجیتال مورد اشاره قرار گرفت که در عصر رسانه‌های دیجیتال «هر چه بیشتر (دسترسی به) محتوا را مسدود کنید مردم را به فرار از سانسور و برنده شدن در این بازی موش و گربه مصمم‌تر می‌کنید. تنها راه کنترل یک پیام این است که آن را تحریف کنید و هر کس را که حرفی به نوعی انتقادی نوشته مثلا جاسوس سی.آی.ای بخوانید.»
پروپاگاندای ایران در اینترنت، اوژنی موروزوف، سی‌ان‌ان، ۹۲ دسامبر ۹۰۰۲
http://edition.cnn.com/2009/OPINION/12/29/morozov.dicatorships.internet/index.html

۴۰. بازداشت هواداران فارل ویلیامز در ایران برای بازخوانی آهنگ هپی، بی‌بی‌سی، ۲۱ ماه مه ۲۰۱۴
https://www.bbc.co.uk/news/entertainment-arts-27499642

۴۱. تحقیر جوانان رقصنده با شلاق، توماس اردبرینک، نیویورک‌تایمز، ۹ ژوئیه ۲۰۱۸
https://www.nytimes.com/2018/07/09/world/middleeast/irans-instagram-dancer-teen.html

۴۲. بازداشت توزیع کنندگان موسیقی به دست سپاه، فشار بر آنها برای اعتراف تلویزیونی، مرکز حقوق بشر ایران، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳
https://www.iranhumanrights.org/2013/12/bargmusic/

باشد. چارچوب و پس‌زمینه برای بی‌اعتبار کردن انواع قربانیان «رابطه آنها با قدرت‌های خارجی» یا «ناخواسته در خدمت قدرت‌های بیگانه بودن» است.

با وجود این، هر گروه از قربانیان در دسته بندی چهارگانه ای که در ادامه آمده است، با روش و اتهام‌هایی متفاوت به قدرت‌های خارجی وصل می‌شوند:

۲-۱-۱. کنشگران و روزنامه‌نگاران

از حامیان حقوق بشر گرفته تا فعالان سیاسی، از اعضای اتحادیه‌های کارگری تا فمینیست‌ها، فعالان حامی محیط زیست و روزنامه‌نگاران، این گروه هدف معمولا به عنوان کسانی توسط جمهوری اسلامی معرفی می‌شوند که بستر بازگشت فرهنگ غربی و نفوذ استعماری آن را به ایران آماده می‌کنند. کنشگران به عنوان موثرترین بخش جامعه مدنی اغلب خودفروخته و نفوذی معرفی می‌شوند. روزنامه‌نگاران نیز به عنوان عوامل سرویس‌های اطلاعاتی خارجی معرفی می‌شوند و برچسب ایفای نقش بازوی رسانه‌ای امپریالیسم را می‌خورند.

در ۱۳ اسفند ۸۹ تلویزیون پرس تی‌وی با پخش برنامه‌ای با عنوان «چشم روباه» اعضای شبکه بی بی سی فارسی را مستقیما هدف قرار داد.[۴۳] در این برنامه اعترافات اجباری تعدادی از افراد متهم به همکاری با بی بی سی فارسی از داخل ایران پخش شد. این برنامه در عین حال بی بی سی فارسی و کارکنان آن را به سازماندهی اعتراضات در ایران با هدف براندازی جمهوری اسلامی متهم کرد.

در بسیاری موارد، دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی گروه‌های خاصی از کنشگران را براساس رقابت‌های سیاسی داخلی یا بین سازمان‌های خاص هدف قرار می‌دهد. برنامه‌هایی که درباره فعالان بازداشت شده حامی محیط زیست پخش شد نمونه خوبی از هدف قرار دادن کنشگران به دلیل جنگ قدرت میان سازمان‌های امنیتی داخلی است. در سال ۱۳۹۶ بیش از ۵۵ فعال حامی محیط زیست در سراسر کشور توسط سپاه پاسداران جمهوری اسلامی هدف قرار گرفتند.[۴۴] هفت فعال شناخته شده در میان این گروه نهایتا به جاسوسی متهم شدند. در پی مرگ یکی از این فعالان به نام کاووس سید امامی که در زندان روی داد،[۴۵] صدا و سیما برنامه‌ای را با عنوان «منطقه ممنوعه» پخش کرد که در آن کنشگران زندانی به جمع‌آوری اطلاعات حساس درباره سایت‌های موشکی سپاه در پوشش فعالیت‌های محیط‌زیستی متهم شدند.[۴۶] در این موارد، در حالی که وزارت اطلاعات صریحا اتهام جاسوسی علیه بازداشتیان را رد کرده، سازمان اطلاعات سپاه بر این اتهامات اصرار داشته و برنامه‌های تلویزیونی پروپاگاندا علیه بازداشتیان تولید و تهیه کرده است.[۴۷]

۲-۱-۲. اقلیت‌ها

اقلیت‌های مذهبی، اتنیکی و نژادی اغلب برچسب تجزیه‌طلبی، افراطی‌گری یا تروریستی می‌خورند و اقلیت‌های جنسیتی معمولا عوامل لاابالی، بی‌اخلاق و بی‌قید و بند قدرت‌های خارجی معرفی می‌شوند که مامور فاسد کردن جامعه اسلامی‌اند. هدف اصلی در میان اقلیت‌های مذهبی در ایران، پیروان آیین بهایی اند که به صورت سازمان‌یافته آزار و اذیت می‌شوند و با به تصویر کشیدنشان به عنوان جاسوس اسرائیل هدف برنامه‌های پروپاگاندا قرار می‌گیرند. اگرچه اقلیت‌های اتنیکی عموما برچسب جدایی‌طلبی و تهدید برای تمامیت ارضی کشور می‌خورند، برچسب‌های متفاوتی در زمینه نوع ارتباط خارجی دریافت می‌کنند. مثلا کردها تروریست‌های

---

۴۳. برنامه را اینجا ببینید
https://vimeo.com/37897121

۴۴. گزارش دیده‌بان حقوق بشر را درباره بازداشت فعالان محیط زیست اینجا ببینید:
https://www.hrw.org/news/2018/10/26/iran-environmentalists-face-capital-charges

۴۵. مورد کاووس سیدامامی را در بخش افترا ببینید.

۴۶. برنامه را اینجا ببینید: https://bit.ly/2M6Lg1Y

۴۷. در نهم ماه مه ۲۰۱۸ محمود صادقی نماینده مجلس در حساب توییتر خود نوشت که وزیر اطلاعات در جلسه‌اش با اعضای مجلس اعلام کرد که شواهدی از مشارکت فعالان محیط زیست در جاسوسی وجود ندارد:
https://persian.iranhumanrights.org/1397/02/arrest-of-environmental-activists/

کمونیست معرفی می‌شوند، عرب‌ها ترویست‌های اسلامگرای افراطی و ترک‌ها تروریست‌های فاشیست یا شوونیست و غیره. به عبارت دیگر دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی هویت اقلیت‌ها را به اتهامات افتراآمیزی پیوند می‌زند که بتواند آنها را به عنوان دشمن مردم به شکل موثری بی‌اعتبار کند.

۲-۱-۳. دوتابعیتی‌ها یا افراد مقیم کشورهای خارجی

دوتابعیتی‌ها [۴۸] یا ایرانیان مقیم کشورهای خارجی اغلب برای توجیه روایت ‹ایران به مثابه کشوری مستقل و تحت محاصره قدرت‌های بدخواه› هدف قرار می‌گیرند.[۴۹] در این چارچوب و پسزمینه است که دوتابعیتی‌ها اغلب به عنوان جاسوس و عوامل سرویس‌های اطلاعاتی خارجی و نفوذی‌هایی با ماموریت پنهان مثل ایجاد شبکه‌ای از خرابکاران برای گردآوری اطلاعات از موسسات حساس و سازماندهی برای مسخ فرهنگی یا انقلاب نرم یا ماموریت‌های ادعایی مشابه دیگر برچسب می‌خورند. آنها اغلب یا در نتیجه جنگ قدرت‌های داخلی هدف قرار می‌گیرند یا برای اینکه ابزار چانه‌زنی در دیپلماسی خارجی باشند.

۲-۱-۴. متخصصان حرفه‌ای، استادان دانشگاه و تاجران

ایران به دلیل داشتن یکی از بالاترین نرخ‌های فرار مغزها، به شدت به متخصص، محقق و افراد حرفه‌ای به ویژه در صنایع نظامی یا فن‌آوری‌های پیشرفته نیاز دارد.[۵۰] در بسیاری موارد دولت ایران با دو تابعیتی‌ها و ایرانی‌های مقیم خارج از کشور که در حوزه‌های مختلف پژوهش، بازرگانی و فن‌آوری تخصص دارند تماس می‌گیرد و آنها را به همکاری ترغیب می‌کند. آنها که این پیشنهاد را رد کنند توسط برنامه‌های پروپاگاندای جمهوری اسلامی هدف قرار می‌گیرند، بازداشت می‌شوند و ناعادلانه محاکمه و زندانی می‌شوند. پرونده امید کوکبی[۵۱] و احمدرضا جلالی[۵۲] دو نمونه شاخص این رویکرد هستند.

۲-۲. عاملان

۲-۲-۱. سازمان صدا و سیما

همانطور که پیشتر اشاره شد، دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی شامل شبکه‌ای از سازمان‌های نظامی، شبه‌نظامی، اطلاعاتی، فرهنگی و رسانه‌ای است. با این حال، این گزارش تنها بر بازوی رسانه‌ای این دستگاه یعنی صدا و سیما، و نقش اساسی آن در ضبط، تولید و پخش برنامه‌های پروپاگاندا متمرکز است.

صدا و سیما که پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران «رادیو و تلویزیون ملی ایران» نام داشت سازمانی متعلق به حکومت ایران است که مسئولیت تمام خدمات رادیو و تلویزیونی کشور را بر عهده دارد. اهمیت نقش صدا و سیما در دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی در مالکیت انحصاری آن بر پخش تمام محصولات رادیویی و تلویزیونی در کشور است. این حق انحصاری در کنار ممنوعیت

---

۴۸. خوب است اشاره شود که جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۹۷۷ قانون مدنی ایران دو تابعیتی را نمی‌پذیرد هر چند ایرانیان می‌توانند شهروندی کشور دیگری را داشته باشند اما حکومت ایران آنها را همچنان ایرانی می‌داند:
https://www.jpost.com/Middle-East/Iran-on-British-prisoner-Iran-does-not-recognize-dual-nationality-593513

۴۹. سخنرانی فرمانده کل سپاه را اینجا ببینید: https://bit.ly/2TLLoWp

۵۰. برای جزییات بیشتر این گزارش آنلاین یونیورسیتیز را درباره ۱۰ کشور با بیشترین فرار مغزها ببینید:
https://www.onlineuniversities.com/blog/2011/07/10-countries-facing-the-biggest-brain-drain/

۵۱. امید کوکبی دانشجوی دکترای فیزیک اتمی با گرایش لیزر در دانشگاه تگزاس است که پس از بازگشت به ایران از ایالات متحده برای دیدار با خانواده‌اش در ژانویه ۲۰۱۱ بازداشت شد.

۵۲. احمدرضا جلالی پژوهشگر ایرانی سوئدی است که به جرم جاسوسی به اعدام محکوم شده است. او پزشک و مدرس در موسسه کارولینسکا استکهلم است. او همچنین استاد دانشگاه آزاد بلژیک در بروکسل است. پرونده احمدرضا جلالی را در بخش افترا ببینید.

استفاده از گیرنده‌های ماهواره برای تماشای کانال‌های خارجی از سال ۱۳۷۳[۵۳] این سازمان را به منبع اصلی و یا در برخی مناطق ایران به تنها منبع اطلاعات برای شهروندان ایران تبدیل کرده است. صدا و سیما با بیش از ۴۶۰۰۰ نفر کارمند[۵۴] و شعبه‌های متعدد در بیش از ۲۰ کشور، پنج شبکه بین‌المللی خبر و بیش از ۲۱ کانال سراسری[۵۵] و ۳۵ کانال محلی[۵۶] در میان بزرگترین سازمان‌های رسانه‌ای در منطقه آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. در سال ۹۷ صدا و سیما بودجه‌ای معادل ۸۸.۱۹ تریلیون ریال (معادل ۱ میلیارد دلار) دریافت کرد که معادل ۸۶٪ بودجه اختصاص یافته از بودجه عمومی کشور به کل رسانه‌ها و ارتباطات جمعی در این سال است.[۵۷]

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، برنامه‌های رادیو و تلویزیون جزو بخش دولتی محسوب می شوند. اصل ۱۷۵ این قانون قدرت نصب و عزل رئیس این سازمان را در اختیار رهبر کشور قرار داده است. شورای نگهبان، که تنها مرجع تفسیر قانون اساسی است در بیانیه‌ای در مهر ۷۹ تصریح کرده که «سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد (خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است) از اختیارات اختصاصی مقام رهبری است. رادیو و تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران دولتی است و تأسیس و راه اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل (۱۷۵) می‌باشد.»[۵۸]

بر اساس اصل ۱۷۵ قانون اساسی رئیس صدا و سیما باید به شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی گزارش بدهد. با وجود این در عمل صدا و سیما تنها به رهبر پاسخگوست.

«قانون خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» که در سال ۶۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده ماهیت این سازمان را به عنوان بازوی رسانه‌ای دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی بهتر روشن می‌کند:

> "امروز، قدرتهای خودکامه با بهره‌گیری از کلیه امکانات، کابوس سیاه خود را بر پهنه جهان گسترده و به خاطر تداوم سلطه اهریمنی خویش به‌استعمار فرهنگی و استثمار فکری و اقتصادی مستضعفین پرداخته و در راه مسخ ارزشها و خالی نمودن انسان از هویت خدایی و بیگانگی او از خویشتن، جدیدترین وسائل تبلیغاتی را به خدمت خویش درآورده‌اند. جامعه ما سالیان دراز زیر سلطه ابرقدرتها و مزدوران وابسته آنان قرار داشت و درطی این مدت، ارزشهای شرک‌آلود در تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، هنری، اجتماعی و اقتصادی آن به مردم ما تحمیل گردید. به گونه‌ای که زدودن تمامی این مظاهر شرک و آثار تبعی آن از بطن جامعه و افکار و اذهان عمومی به تلاش و کوشش گسترده نیازمند است. بازشناسی آثار و عواقب این‌ارزشهای شرک‌آلود در همه زمینه‌ها و نمایش و مطرح کردن آنها موجب خواهد شد تا قید و بندهایی که مانع آزادی و کرامت انسانی در راه رشد و تکامل‌است از هم بگسلد و راه برای جایگزینی ارزشهای اصیل و نوین اسلامی بازگردد.»[۵۹]

این قانون در عین حال مسئولیت‌های اصلی صدا و سیما را اینگونه برمی‌شمرد:

الف) حاکمیت اسلام بر کلیه برنامه‌ها و پرهیز از پخش برنامه‌هایی که مخالف معیارهای اسلامی باشد.

ب) حاکمیت روح انقلاب و قانون اساسی بر کلیه برنامه‌ها

پ) تحقق بخشیدن به بینش مقام رهبری به عنوان ولی فقیه در تمامی ابعاد آن در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در جهت اجرای اصول یاد شده.

---

۵۳. قانون ممنوعیت به کارگیری دستگاه‌های ماهواره‌ای را اینجا ببینید:
https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92510

۵۴. Torfeh, Massoumeh, The Role of Iran's Regional Media in its Soft War Policy, Al Jazeera, 16 February 2017, available at:
http://studies.aljazeera.net/en/reports/2017/02/role-irans-regional-media-soft-war-policy-170216114010915.html

۵۵. همان.

۵۶. فهرست شبکه‌های صدا و سیما را اینجا ببینید:
https://www.irib.ir/

۵۷. ایسنا، سهم حوزه رسانه و ارتباطات جمعی از بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور:
https://bit.ly/2WHWkcv

۵۸. پیوست شماره ۲ را ببیند

۵۹. پیوست شماره ۱ و ۳ را ببینید

ح) زمینه‌سازی برای رسیدن به خودکفایی و تحقق کامل سیاست مستقل نه شرقی، نه غربی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی‌آن در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی.

خ) صدا و سیما باید به مثابه یک دانشگاه عمومی به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه‌های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،اقتصادی و نظامی کمک نماید.

این قانون در عین‌حال خطوط قرمز صدا و سیما را در خصوص آنچه نباید در برنامه‌ها مطرح شود مشخص می‌کند و از جمله این موارد را غیر قابل پخش می‌داند:

الف) محتوایی که جزو اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی کشور محسوب شود و یا بر اثر انتشار مورد سوء استفاده دشمن قرار گیرد.

ب) تهمت به نهادها و ارگانهای رسمی کشور و گروهها و جمعیت‌ها و احزابی که طبق قانون احزاب فعالیت آنها قانونی است.

پ) محتوایی که برای گروههای منحرف و ضد انقلاب جنبه تبلیغی داشته باشد.

ویژگی بارز این خطوط قرمز ابهام و ناواضح بودن آنها در تعریف ماهیت برنامه‌ای است که «مورد سوءاستفاده دشمن قرار بگیرد» و یا «برای گروه‌های منحرف جنبه تبلیغی داشته باشد». این ابهام، سانسور هر محتوایی را که به نوعی از سیاست‌های حکومت انتقاد کند برای صدا و سیما ممکن می‌کند و به این سازمان این امکان را می‌دهد که قربانیان برنامه‌های پروپاگاندا را از حق پاسخگویی به این برنامه‌ها محروم کند.

با وجود این مهم ترین موضوع درباره این خطوط قرمز این است که علیرغم متن قوانین داخلی درباره تهمت و افترا،[۶۰] در قانون خط مشی کلی صدا و سیما گستره پاسخگویی در برابر اتهامات و افتراها به موسسات رسمی یا گروه‌ها و احزاب مجاز به فعالیت در جمهوری اسلامی محدود است. این قانون تا آنجا پیش می‌رود که صدا و سیما را مامور می‌کند تا رویکرد پروپاگاندای تهاجمی را درخصوص افراد و گروه‌هایی که از سوی حکومت برچسب «ضد انقلابی» خورده‌اند، در پیش بگیرد. ماده ۵۵ که وظایف صدا و سیما در قبال گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی را برشمرده است مسئولیت صدا و سیما را اینگونه توضیح داده است:

> «افشای فعالیتها، توطئه‌ها و شیوه عملکرد گروههای ضد انقلاب و ستون پنجم دشمن و آشنا ساختن مردم با ماهیت فکری و عملی آنان.»

این قانون در عین‌حال این رویکرد پروپاگاندا را به سوی کشورهای خارجی گسترش می‌دهد. ماده ۵۶ این قانون از صدا و سیما می‌خواهد «دولتهای متخاصم» را افشا کند، به «دولت‌های چند چهره« هشدار دهد و «دولت‌های بی‌تفاوت» را جذب کند. در نمونه‌ای دیگر این قانون موضع صدا و سیما را در قبال سایر کشورها چنین توضیح می‌دهد:

> «سازمان [صدا و سیما] به منظور نشر دعوت رهایی بخش اسلام و زمینه‌سازی برای آزادی همه مستضعفان جهان از سلطه مستکبران باید با معرفی اسلام به مثابه تنهامکتب اصیل انقلابی و رهایی بخش در جهت ایجاد وحدت فرهنگی و صدور انقلاب اسلامی به دیگر ملل مسلمان و سایر مردم جهان بکوشد.»

این وظایف به روشنی ماهیت و نقش صدا و سیما را به عنوان بازوی رسانه‌ای دستگاه پروپاگاندای صدا و سیما در سطوح داخلی و جهانی روشن می‌کند. همینطور نشان می‌دهد که ضبط، تولید و پخش برنامه‌های پروپاگاندا علیه افراد ایرانی و خارجی و نهادها توسط صدا و سیما، نه تنها نتیجه تصمیم‌های شخصی و خودسرانه نیست بلکه وظایف مشخصی است که طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی بر عهده صدا و سیما گذاشته شده است.

در اسفند ۱۳۹۰ اتحادیه اروپا عزت‌الله ضرغامی، رئیس وقت صدا و سیمای ایران را به دلیل نقش کلیدی‌اش در پخش اعترافات اجباری در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.[۶۱] در تیرماه ۹۲ وزارت دارایی آمریکا نیز صدا و سیما و ضرغامی را به دلیل نقض حقوق بشر از طریق تولید گزارش‌های غلط علیه مخالفان و انتشار اعترافات اجباری، طبق قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر

---

۶۰. نگاه کنید به ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی

۶۱. اتحادیه اروپا ۱۷ ایرانی را به دلایل حقوق بشری تحریم کرد، جورج پاولاک، رویترز ۲۴ مارس ۲۰۱۲
https://www.reuters.com/article/us-iran-eu-sanctions/eu-names-17-iranians-sanctioned-over-human-rights-idUSBRE82N0EH20120324

در سوریه تحریم کرد.[۶۲] در ماه اسفند ۹۱ اتحادیه اروپا محمد سرافراز، رئیس وقت صدا و سیما و حمیدرضا عمادی سردبیر پرس تی‌وی را به دلیل نقش آنها در تولید و پخش اعترافات اجباری در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.[۶۳] ولی در اسفند ۹۲ دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری وقت آمریکا تحریم‌های کشورش علیه صدا و سیما را که به دنبال فیلتر کردن امواج ماهواره‌ای و پخش مرتب اعترافات اجباری بازداشتیان اعمال شده بود موقتا تعلیق کرد.[۶۴] این تعلیق بر اساس « تعهد ایران به اطمینان از این بود که پارازیت‌های مضر ماهواره‌ای در قلمرو این کشور ایجاد نشود. با وجود این پارازیت‌های مضر ماهواره‌ای و پخش اعترافات اجباری ادامه پیدا کرد و در اردیبهشت ۹۷ وزارت دارایی آمریکا عبدالعلی علی عسگری، رئیس فعلی صدا و سیما را به دلیل نقشش در سانسور و جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات به فهرست تحریم‌های خود افزود.[۶۵]

۲-۲-۲. پرس تی‌وی

پرس تی‌وی تلویزیون ۲۴ ساعته انگلیسی و فرانسوی زبان با برنامه‌های خبری و مستند، بازوی پروپاگاندای بین‌المللی صدا و سیما است. مدیر این شبکه توسط رئیس صدا و سیما تعیین می‌شود. مقر پرس تی‌وی در تهران است و شعبه‌ها و دفاتر متعددی در استراتژیک‌ترین شهرهای جهان دارد. در میان آنها دفتر لندن این شبکه تحت عنوان پرس تی وی با مسئولیت محدود (ثبت شده تحت شماره ۱۰۹۵۷۸۶۱) فعالیت می‌کند.

پرس تی‌وی به جز پخش مرتب و سیستماتیک اتهامات و انتقادات ضد غربی و ضد یهودی، تولید کننده و پخش کننده بیشترین تعداد اعترافات اجباری و برنامه‌های افتراآمیز علیه فعالان ایرانی و جامعه مدنی است.[۶۶] در چند سال گذشته سازمان عدالت برای ایران پخش اعترافات اجباری دست کم ۷۰ بازداشتی ایرانی را توسط پرس تی‌وی ثبت کرده است. تقریبا در تمام موارد اعترافات پیش از محاکمه بازداشتیان پخش شده که نقض فاحش حق برخورداری از محاکمه عادلانه، اصل برائت، حق سکوت و عدم اعتراف علیه خود و نیز مصونیت از اعترافات اجباریست.

در خرداد ۸۹ کانال چهار بریتانیا برنامه‌ای را پخش کرد که در آن مازیار بهاری، مستندساز و فیلمساز و یادداشت نویس نشریه نیوزویک شرکت داشت. آقای بهاری در طول اعتراضات به انتخابات ۸۸ در ایران دستگیر و به مدت ۱۱۸ روز زندانی شد. او در این برنامه گفت که مصاحبه ده ثانیه ای و «اعترافات» او که در ۱۰ تیر ۸۸ از سوی پرس تی‌وی پخش شده بود در پی شکنجه و تهدید به اعدام اخذ شده است. بهاری که حالا مقیم بریتانیاست از طریق موسسه آفکام، موسسه ناظر بر صنایع ارتباطی در بریتانیا از پرس تی‌وی شکایت کرد.[۶۷]

در اردیبهشت ۹۰ آفکام پرس تی‌وی را به دلیل پخش مصاحبه مازیار بهاری، در نقض مقررات پخش برنامه‌های بریتانیا مسئول شناخت و تایید کرد که این مصاحبه تحت فشار، و زمانی اخذ شده که او در تهران زندانی بوده است. پرس تی‌وی یافته‌های آفکام را رد کرد و بهاری را متهم کرد که «رابط ام آی سیکس» است. نهایتا در آبان ۹۰ پرس تی‌وی ۱۰۰ هزار پوند جریمه شد. در ۳۰ دی ۱۳۹۰ مجوز پخش برنامه‌های پرس تی‌وی با مسئولیت محدود در بریتانیا توسط آفکام لغو شد. با وجود این در ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ پرس تی‌وی با مسئولیت محدود فعالیت خود را در لندن[۶۸] با استفاده از یک خلاء حقوقی که اجازه پخش اینترنتی

---

۶۲. بیانیه خبری وزارت خزانه‌داری را اینجا ببینید:
https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg1847.aspx

۶۳. فهرست افراد، گروه‌ها و نهادهای موضوع تحریم‌های اقتصادی اتحادیه اروپا در اینجا:
https://data.europa.eu/euodp/en/data/dataset/consolidated-list-of-persons-groups-and-entities-subject-to-eu-financial-sanctions

۶۴. گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر ایران را با عنوان تلویزیون حکومتی ایران یک ناقض اصلی حقوق بشر را ببینید:
: https://www.iranhumanrights.org/wp-content/uploads/IRIB_Briefing-FINAL.pdf

۶۵. بیانیه خبری وزارت خزانه‌داری را اینجا ببینید:
https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0397

۶۶. چه کسی ما را از شبکه‌های نفرت‌پراکنی مثل پرس تی‌وی نجات می‌دهد؟ نیک کوهن، گاردین، چهارم دسامبر ۲۰۱۱
https://www.theguardian.com/commentisfree/2011/dec/04/nick-cohen-press-tv-hatred

۶۷. حکم آفکام را اینجا ببینید:
https://www.ofcom.org.uk/__data/assets/pdf_file/0032/52997/press-tv.pdf

۶۸. See the PressTV re-established company registration details at:
https://beta.companieshouse.gov.uk/company/10957861

این شبکه را می‌داد از سر گرفت.[۶۹]

اقدامات مشابه دیگری نیز علیه پرس تی‌وی در اروپا پیش گرفته شده است. در ۱۵ فروردین ۹۱، بی.ال.ام، دفتر نظارت رسانه‌ای باواریا اعلام کرد که پخش برنامه‌های پرس تی‌وی را از س.ای.س آسترا ممنوع می‌کند.[۷۰] در اسفند ۹۱ کمیسیون اروپایی به دلیل نقش این تلویزیون در تولید و پخش محاکمه‌های نمایشی و اعترافات اجباری تحریم‌هایی را علیه دو مقام پرس‌تی‌وی وضع کرد.[۷۱] پرس تی‌وی این تصمیم را با شکایت به دیوان عدالت اتحادیه اروپا به چالش کشید. اما این دادگاه نیز با ارجاع به گزارش تحقیقاتی «کات، پخش پرس تی‌وی را متوقف کنید»[۷۲] که توسط سازمان عدالت برای ایران در اسفند ۹۳ منتشر شده بود تحریم‌ها را تایید کرد. این دادگاه حکم داد که صدا و سیما و پرس تی وی تحت مدیریت این دو مقام مرتبا و از نزدیک با دستگاه امنیتی و دادستان‌های دادگاه انقلاب همکاری کرده اند تا زندانیان عقیدتی سیاسی را به اعتراف اجباری وادارند و پس از آن این اعترافات را به عنوان مصاحبه‌ای که با رضایت زندانی انجام شده پخش کرده‌اند.[۷۳]

۳-۲-۲. تلویزیون افق

تلویزیون افق یک کانال تلویزیونی صدا و سیما است که پخش جهانی دارد. این کانال یکی از جدیدترین کانال‌های تلویزیونی صدا و سیماست که برنامه‌های سراسری داخلی خود را در سه دی ۹۳ آغاز کرد و در هشت اسفند ۹۷ رسما اعلام موجودیت کرد. این کانال در حال حاضر ۲۴ ساعته است و شامل محتواهای هنری، فرهنگی و اجتماعی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی می‌شود.

تلویزیون افق ابتدا زیرمجموعه سازمان هنری و رسانه‌ای اوج وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.[۷۴] این تلویزیون حالا تحت مدیریت صدا و سیما قرار دارد.[۷۵] تلویزیون افق یکی از حامیان و پخش کنندگان اصلی فصل اول برنامه جنجالی « خارج از دید»[۷۶] بود که تعدادی از فعالان و مخالفان سیاسی را با تخریب اعتبار آنها از طریق اتهامات ساختگی و نقض حریم خصوصی آنها با استفاده یا تحریف فیلم‌ها، تصاویر، مکاتبات و اسناد شخصی آنها هدف قرار داده بود. این برنامه شامل ساعت‌ها فیلم از اعترافات اجباری اخذ شده توسط نیروهای امنیتی بود.

گفته می‌شود تلویزیون افق نسخه احیاء شده گروه تلویزیونی سپاه پاسداران است است که در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ فعالیت می‌کرد.[۷۷] تلویزیون افق از طریق مدیران خود رابطه مستقیمی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارد. در ۲۶ شهریور ۱۳۹۶ مرتضی میرباقری معاون مدیر صدا و سیما پنج نفر را به عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری تلویزیون افق منصوب کرد.[۷۸] در

---

۶۹. See The Sun's report on PressTV broadcasting in the UK despite Ofcom verdict, available at: https://www.thesun.co.uk/news/7554741/corbyn-allies-help-iranian-regime-pump-out-propaganda-in-uk-using-loophole-in-tv-laws/

۷۰. بیانیه عدالت برای ایران در این رابطه را اینجا ببینید: https://justice4iran.org/publication/call-for-action/rights-body-slams-iran-press-tv/

۷۱. بیانیه عدالت برای ایران را اینجا ببینید: https://bit.ly/2Qssvl7

۷۲. بیانیه عدالت برای ایران را اینجا ببینید: https://justice4iran.org/j4iran-activities/cut-take-press-tv-off-the-air/

۷۳. بیانیه عدالت برای ایران را اینجا ببینید: https://justice4iran.org/j4iran-activities/european-court-upholds-sanctions-against-press-tv-for-broad-casting-forced-confessions/

۷۴. اظهارات مدیر تلویزیون افق درباره حمایتهای مالی سپاه را اینجا ببینید https://www.yjc.ir/fa/print/6441014

۷۵. برای اطلاعات بیشتر درباره مدیر جدید تلویزیون افق اینجا را ببینید: https://bit.ly/2PfdKGf

۷۶. پخش شده در دی ماه ۱۳۹۶

۷۷. گزارش فارسی دویچه وله را اینجا ببینید: https://bit.ly/2IrFoze

۷۸. بیانیه معرفی اعضای شورای سیاستگذاری افق را از سوی رئیس صدا و سیما اینجا ببینید: https://bit.ly/2vblPCE

میان این عده، نادر طالب‌زاده در فهرست تحریم‌های وزارت دارایی آمریکاست.[۷۹] در ۲۴ بهمن ۹۷ دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت دارایی آمریکا سازمان افق نو و چهار فرد مرتبط با آن را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. این سازمان یک نهاد ایرانی است که کنفرانس‌هایی را برای حمایت از تلاش‌های نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جهت جذب نیرو و یا کسب اطلاعات از شرکت کنندگان خارجی این کنفرانس‌ها برگزار می‌کند. نادر طالب‌زاده، مدیر سازمان افق نو نیز به همراه چند شهروند آمریکایی و افراد مرتبط با آنها در این فهرست قرار گرفت.[۸۰]

۴-۲-۲. تلویزیون اینترنتی مردم خبر

"مردم خبر" یک تلویزیون پخش اینترنتی است که توسط صدا و سیما راه‌اندازی شده است. مخاطبان این تلویزیون ایرانیان جوانی هستند که بیشتر وقت خود را آن‌لاین می‌گذرانند و به ندرت کانال‌های تلویزیونی صدا و سیما را تماشا می‌کنند. «مردم خبر» اغلب مخالفان حکومت ایران و فعالان را با برنامه‌های افتراآمیز هدف قرار می‌دهد.

یک نمونه برنامه «فلش» است که در۲۸ مهر ۹۷ پخش شد. این برنامه به طور خاص درباره مسیح علینژاد، روزنامه‌نگار تبعیدی و حامی حقوق زنان بود[۸۱]. این برنامه شامل مصاحبه‌ای با آرمین راد بود که ادعا می‌کرد هکری است که وب‌سایت‌های « ضد ایرانی و دشمنان ایران» را هدف قرار می‌دهد. آرمین راد در این مصاحبه به طور خاص درباره علینژاد صحبت کرد و ادعا کرد که حساب‌های شخصی او را هک کرده است.[۸۲]

پس از آن راد با ارجاع به گزارش خبری ساختگی پخش شده توسط شبکه خبر صدا و سیما در ۱۰ خرداد ۹۳ ادعا کرد که مسیح علینژاد «برهنه و تحت تاثیر مواد مخدر سنگین در خیابان‌های لندن» پیدا شده و « سه مرد در برابر پسرش به او تجاوز کرده‌اند». او به این ترتیب به صراحت بی‌حجابی و تجاوز جنسی را به یکدیگر مرتبط کرد.[۸۳]

راد در عین حال تصاویری از یک رسید پرداختی را نشان داد که به ادعای او توسط بی.بی.جی هیات کارفرمایان پخش (آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده آمریکا) به نمایندگی از سی.آی.ای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به او پرداخته شده است. آقای راد ادعا کرد که بی.بی.جی ظرف سه سال ۴۳۱ هزار دلار به خانم علینژاد پرداخت کرده است.[۸۴]

---

۷۹. بیانیه خبری وزارت خزانه‌داری را اینجا ببینید: https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm611

۸۰. نادر طالب‌زاده که رابط میان تلویزیون افق و سازمان افق نو و سپاه پاسداران است همچنین یکی از چهره‌های موثر در استخدام مونیکا ویت، یک مامور ضدجاسوسی آمریکاست که ۲۸ اوت ۲۰۱۳ به واسطه کنفرانس هالیوود و افق‌های نو به ایران رفت. مونیکا وت در این کنفرانس ماموران سپاه را ملاقات کرد و به تدریج استخدام شد.

۸۱. مسیح علینژاد متولد ۱۳۵۴ روزنامه نگار مقیم آمریکا و فعال حقوق زنان است. او بیشتر به خاطر راه اندازی کارزار «آزادی های یواشکی» شناخته شده است که در سال ۲۰۱۴ به راه انداخت و از زنان ایرانی خواست تا تصویر بدون حجاب خود را منتشر کنند. این کارزار به سرعت مورد توجه گسترده داخلی و خارجی قرار گرفت و موج جدیدی از اعتراضات به حجاب اجباری را به راه انداخت.

۸۲. ویدیوی کامل مصاحبه را اینجا ببینید:
http://www.mardomkhabar.ir/video-news/789

۸۳. همان

۸۴. متن پیاده شده مصاحبه را در پیوست شش ببینید.

۳. تبدیل رسانه به سلاح: انواع محتوا

براساس یافته های بدست آمده از بررسی برنامه های پروپاگاندا و تحلیل مصاحبه ها با کسانی که هدف این برنامه قرار گرفتند، این فصل بر سه نوع محتوای اصلی که در تولید این برنامه ها به کار رفته تمرکز می کند: اطلاعات خصوصی مسروقه، اعترافات اجباری و/یا دروغین، و افترا. استفاده از هر یک از این سه نوع محتوا به طرز موثری برخی از حقوق بنیادین بشر را نقض می کنند؛ این نکته در فصل ششم و ذیل بخش های جداگانه ای برای هریک از این محتواها به تفصیل بررسی خواهد شد.

۳-۱. اطلاعات خصوصی مسروقه

ضبط و تصرف غیرقانونی اطلاعات خصوصی بازداشت شدگان و در نهایت استفاده از این اطلاعات علیه آنها در زندانهای ایران بسیار معمول است. بر اساس شهادت هایی که سازمان عدالت برای ایران به دست آورده، به محض بازداشت، از بازداشت شدگان میخواهند تا امکان دسترسی به محتویات تلفن همراهشان را در اختیار ماموران قرار دهند. بعد، پیش از شروع رسمی بازجویی، از آنها می‌خواهند که پسورد تمام ای‌میل‌ها و حساب‌های خود را در شبکه های اجتماعی در اختیار ماموران بگذارند. هیچ گاه رضایت بازداشت شده در این زمینه مد نظر نیست و او عملا قادر نیست قانونی نبودن این روند را به چالش بکشد.

برنامه تلویزیونی «خارج از دید ۲»[۸۵] که توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده تصاویری از بازداشت نزار ذکا، شهروند لبنانی آمریکایی نشان می‌دهد که در آن توقیف و تفتیش تلفن همراه او مشخص است.[۸۶] این اقدام به وضوح نقض قانون آیین دادرسی کیفری ایران است که روندی مشخص را برای دسترسی یا بازرسی محتوای مکالمات و ارتباطات افراد تعیین کرده است.[۸۷]

یکی از نمونه های کاربرد گسترده‌ی اطلاعات خصوصی که به صورت غیرقانونی بدست آمده و تحریف شده را می‌توان در بخش دیگری از برنامه «خارج از دید ۲» درباره نازنین زاغری، شهروند ایرانی بریتانیایی مشاهده کرد.[۸۸] در این برنامه از اطلاعات شخصی و خصوصی متعددی استفاده شده بود که به خانم زاغری و همسرش ریچارد راتکلیف تعلق داشت. از جمله:

– نامه پذیرش از دانشگاه متروپولیتن لندن در دوره فوق لیسانس در سال ۲۰۰۸ که شامل آدرس کامل خانم زاغری، رشته درسی او، شهریه، زمان آغاز و پایان تحصیل و محل تحصیلش می‌شد.

- یک ایمیل مربوط به فوریه ۲۰۱۶ از طرف بنیاد هریتیج و اسکرین شاتی که شامل آدرس کامل ایمیل خانم زاغری می‌شد.
- سند ازدواج رسمی خانم زاغری به فارسی همراه با عکس او و همسرش
- عکس‌های شخصی و خانوادگی این زوج
- یک رسید پرداخت از بی‌بی‌سی شامل میزان حقوق و مالیات، مربوط به زمانی که خانم زاغری در بخش مدیا اکشن

---

۸۵. پخش شده در سوم ژانویه ۲۰۱۹

۸۶. برنامه را در اینجا ببینید
https://www.youtube.com/watch?v=wVX1Ez5BKms

۸۷. ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری سابق که در زمان اکثر پرونده‌های مورد اشاره در این گزارش لازم‌الاجرا بوده است مقرر می داشت: «در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشدقاضی به مراجع ذی‌ربط اطلاع می‌دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را درصورت مجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می‌نماید. استنکاف متهم از امضا در صورت مجلس قید می‌شود و چنانچه اشیاءمزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می‌شود. تبصره - کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص دادهشود، ممنوع است.» مفاد این ماده در قانون دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۵۲ منعکس شده است.

۸۸. برای جزئیات بیشتر پرونده نازنین زاغری را در بخش افترا ببینید.

بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی کار می‌کرد.

- فیلمی از همکاران خانم زاغری در پروژه ترینینگ استیشن

در این مورد نه تنها اطلاعات شخصی کاملا غیرقانونی ضبط و پخش شد، بلکه عامدانه تقطیع و تحریف شده تا در خدمت سناریوهای از پیش تعیین شده آنها برای تصویر کردن خانم زاغری به عنوان جاسوس یک دولت خارجی قرار بگیرد.[۸۹]

در مواردی که فرد در محل کار یا سکونت دستگیرمی‌شود، نیروهای امنیتی وارد خانه یا دفتر کار بازداشتی می‌شوند، او را بازداشت می‌کنند و اغلب بدون نشان دادن حکم دادگاه، شروع به بازرسی محل و ضبط و توقیف می‌کنند. به عنوان مثال سپهر ابراهیمی که در سال ۸۹ همراه با ۶ بلاگر دیگر به اتهام توهین به اسلام و پیامبر بازداشت شد[۹۰] شهادت داده که ماموران صبح زود در خانه را زده‌اند و به محض اینکه پدرش در را باز کرده به داخل آپارتمان یورش برده‌اند، او را بازداشت کرده‌اند و شروع به ضبط و توقیف تمام دستگاه‌های کامپیوتری و الکترونیک، سی دی و گیرنده ماهواره کرده‌اند.

در بسیاری موارد، ماموران حتی دارایی‌های شخصی بستگان فرد، یا هر کس که به غیر از او در زمان بازداشت حاضر باشد را نیز ضبط می‌کنند، بدون این که هیچ دلیل موجهی برای سوءظن نشان بدهند. بیشتر اوقات، ماموران از وضعیت شوکی که در محل دستگیری ایجاد کرده‌اند استفاده می‌کنند و دارایی‌های شخصی افراد را توقیف می‌کنند. در مواردی که قربانی پس از دستگیری به این ضبط و توقیف‌ها اعتراض کند، ماموران عدم اعتراض فرد بازداشتی یا سایر حاضران در زمان بازداشت را نشانه رضایت آنها عنوان می‌کنند.

در مواردی دیگر، ماموران حکم بازداشت را نشان می‌دهند و از آن به عنوان دستور حکم بازرسی و ضبط استفاده می‌کند. این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده که بازرسی و ضبط باید حتما با دستور خاص مرجع قضایی باشد.[۹۱] مصاحبه‌هایی که سازمان عدالت برای ایران با افرادی که سابقه بازداشت داشته‌اند انجام داده در کنار تحلیل مشاهدات قربانیان و بستگانی که در زمان بازداشت حاضر بوده‌اند نشان می‌دهد که این مقررات مرتبا و به صورت نظام‌مند توسط ماموران نقض می‌شوند. این ضبط بدون دستور دادگاه و مقام‌های قضایی حکم سرقت اطلاعات شخصی را دارد.

وحید احمد فخرالدین، وکیل حقوق بشر[۹۲] که در اسفند سال ۸۹ دستگیر شد، در مصاحبه‌ای با سازمان عدالت برای ایران گفت هم بازجوهایش و هم صدا و سیمای جمهوری اسلامی از تمام عکس‌های خانوادگی و خصوصی‌اش به عنوان شاهدی بر ولنگاری و فساد اخلاقی او استفاده کرده‌اند: ‹در میان وسایل شخصی‌ام (که توقیف کردند) چند عکس شخصی از من در یک مهمانی خانوادگی بود که عده‌ای هم می‌رقصیدند یا مثلا من آبجو می‌خوردم. چیزهایی از این قبیل. این عکس‌ها را توقیف کردند و به عنوان مدرک در تلویزیون پخش کردند.›[۹۳]

سرقت اطلاعات خصوصی چنان رواج دارد که همانطور که پیشتر گفته شد تلویزیون اینترنتی «مردم خبر» که به صدا و سیمای جمهوری اسلامی تعلق دارد مصاحبه‌ای را با یک هکر طرفدار حکومت پخش کرد که مدعی است حساب‌های ای‌میل مسیح علی‌نژاد، فعال حقوق زنان را هک کرده است. این فرد مدارکی را نشان داد و ادعا کرد آنها را از همین طریق به دست آورده است. مصاحبه کننده تلویزیون از این هکر به عنوان یک قهرمان انقلابی تقدیر کرد.

روژین محمدی یک فعال حقوق بشر که روز ۲۳ آبان ۹۰ در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی دستگیر شد، به ایران رفته بود تا

---

۸۹. اظهارات ریچارد راتکلیف را در بخش شش ببینید.

۹۰. گزارش گزارشگران بدون مرز را اینجا ببینید
https://rsf.org/en/news/plight-seven-detained-netizens-still-worrying-one-year-after-their-arrest

۹۱. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مقرر می داشت: «ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل ، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.» مفاد این ماده در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۶ منعکس شده است.

۹۲. برای جزییات درباره فخرالدین پیوست شماره ۴ را ببینید.

۹۳. پیوست شماره ۶ را ببینید.

خانواده‌اش را در کرمانشاه ببیند. پرونده خانم محمدی حاکی از شیوه پیچیده‌تری از سرقت اطلاعات خصوصی است. خانم محمدی خارج از ایران با حسین رونقی، فعال آزادی اینترنت در ارتباط بود. آقای رونقی در سال ۸۸ دستگیر شده بود. زمانی که رونقی در زندان بود بازجوهایش سعی کرده بودند از طریق حساب‌های او در شبکه‌های اجتماعی با دوستانش ارتباط برقرار کنند.

روژین محمدی در مصاحبه‌ای با عدالت برای ایران گفت:

> «من در واقع داشتم با بازجوی حسین چت می‌کردم که نقش حسین را بازی می‌کرد. از او پرسیدم که اگر واقعا خود حسین است باید بگوید من چه کسی هستم. جواب داد تو روژینی. منظورم این است که من مرتب از او سئوال می‌کردم و بالاخره او هم جواب داد. وقتی که دستگیر شدم متوجه شدم که واقعا اینترنت را خوب بلدند. چرا که هیچ احتیاجی به پسورد من نداشتند. همه را از قبل داشتند. حتی پسورد ای‌میل‌هایی که فقط یک بار استفاده کرده بودم. تنها از من پسوردم را پرسیدند تا بفهمند که دروغ می‌گویم یا نه. تمام ای‌میل‌هایم را پرینت کرده بودند. حتی آنهایی که پاک کرده بودم.»

پرونده خانم محمدی نشان می‌دهد که اطلاعات شخصی نه تنها از طریق مجبور کردن زندانی به دست می‌آید بلکه حتی با استفاده از شیوه‌های غیرقانونی مثل هک کردن، و بدون حکم دادگاه علیه کسانی انجام می‌شود که ممکن است در اساس موضوع تحقیقات رسمی هم نباشند.

مسئله حقوقی دیگر در رابطه با بازرسی و ضبط وسایل شخصی و توقیف اطلاعات شخصی، مسئله مرتبط بودن با موضوع تحقیق است. تقریبا در تمام مواردی که برای این گزارش بازبینی و بررسی شده، ماموران تمام دستگاه‌های الکترونیک، اسناد و مدارک، اطلاعات، آلبوم‌های خانوادگی، سی‌دی‌های موسیقی و فیلم، کتاب و غیره را که به فرد بازداشتی تعلق داشته یا دیگرانی که در خانه زندگی می‌کردند یا در زمان بازداشت حاضر بودند را توقیف کرده‌اند.

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری « از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود.»[۹۴]

این قانون همچنین تصریح می کند که ضابطان قضایی اجازه ندارند مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم را ملاحظه، تفتیش یا بازرسی کنند مگر اینکه به دستور قاضی باشد. با وجود این، این قانون هیچ‌گاه مراعات نمی شود و ضابطان قضایی شخصا تصمیم می‌گیرند چه چیزی را توقیف کنند و چگونه آن را تفتیش کنند و یا در پرونده به کار بگیرند. در واقع ماموران تمام متعلقات الکترونیکی، عکس‌ها و آلبوم‌های خانوادگی، سی‌دی‌های موسیقی، فیلم، کتاب و حتی پوسترها و تزیینات مربوط به متهم، اعضای خانواده‌اش و حتی افراد حاضر دیگر در زمان بازداشت متهم را به شکل فله‌ای توقیف می‌کنند.

هدف قانون فوق این است که مرتبط بودن دارایی‌های شخصی ابتدا توسط یک مقام قضایی بررسی شود تا میان حق رعایت حریم خصوصی فرد و منافع عمومی توازن برقرار شود. اهمیت چنین توازنی صریحا در متن این قانون آمده است: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.»[۹۵]

عدم رعایت بندهای مذکور در روند بازرسی و توقیف منجر به نقض فاحش حریم خصوصی و فرض بی‌گناهی بازداشت‌شدگان است. توقیف غیرقانونی اطلاعات شخصی افراد در عین حال نقش مهمی در توجیه بازداشت غیرقانونی افراد ایفا می‌کند. در بسیاری موارد افراد بدون حکم قضایی بازداشت می‌شوند. در پی بازداشت، همان اقلامی که زمان بازداشت به صورت غیرقانونی توقیف شده‌اند برای توجیه بازداشت به کار می‌روند.[۹۶] در اغلب موارد بازداشت شدگان از دلیل بازداشت و تفتیش وسایلشان باخبر نمی‌شوند. درعوض بعدا بر اساس سناریوی ساختگی و پشتیبانی اطلاعات خصوصی که در زمان بازداشت جمع‌آوری شده‌اند رسما متهم می‌شوند.

در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده که «علت جلب» باید در حکم جلب مشخص باشد و بازداشتی باید از این علت مطلع

---

۹۴. ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مصوب ۱۳۷۸ که در تغییرات قانون جدید در سال ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۶ منعکس شده است.

۹۵. ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق که در قانون جدید به ماده ۱۳۹ تبدیل شده است.

۹۶. سپهر ابراهیمی و فرزانه جلالی در مصاحبه با عدالت برای ایران تصریح کردند در زمان بازداشتشان هیچ حکم تفتیشی ارائه نشد اما تفتیش منزل در هر دو مورد صورت گرفت.

شود.[۹۷] اصل نهم بند دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تصریح کرده هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر بر هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت کند.

در نیمه بهمن سال ۸۸ ده‌ها روزنامه‌نگار، فعال حقوق بشر و فعال سیاسی ایرانی از جمله ماه فرید منصوریان فعال حامی محیط زیست دستگیر شدند. همسر خانم منصوریان می‌گوید بازداشت او در نیمه شب انجام شده و ماموران حکم بازداشتی بدون نام را به آنها نشان داده‌اند. پس از آن ماموران وارد محل شده‌اند و بازرسی و ضبط اموال را آغاز کرده‌اند.[۹۸]

مهم‌تر آن که اطلاعات خصوصی که غیرقانونی جمع‌آوری شده معمولا به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر فرد بازداشتی و مجبور کردن او به همکاری با سناریویی از پیش تعیین شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در برخی موارد عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی که هیچ ارتباطی با اتهامات ندارند به ابزار تهدید بازداشتی تبدیل می‌شوند که اگر با بازپرس خود همکاری نکنند فعالیت‌های خصوصی آنها برای عموم افشا خواهد شد.

فرزانه جلالی، یک فعال حقوق زنان و قربانی اعترافات اجباری، به سازمان عدالت برای ایران گفت که بازجوهایش مرتبا از عکس‌های خصوصی او و دوست پسرش استفاده می‌کردند تا بر او فشار بیاورند. در موردی دیگر سپیده قلیان، فعال حقوق کارگری در یک ویدیو توضیح داده که بازجوها از اطلاعات خصوصی که روی دستگاه‌های الکترونیک او پیدا کرده‌اند برای فشار بر او استفاده کرده‌اند و تهدید کرده‌اند که این اطلاعات را در اختیار خانواده‌اش خواهند گذاشت:

«مرتب اتهامات جنسی دروغ خودشان را تکرار می‌کردند... ماموری که خودش را صادقی معرفی می‌کرد تهدیدم کرد و گفت: اگر چیزی که ازت می‌خوام نگی، برادرت رو میارم اینجا. می‌دونم که خانواده سنتی داری. برادرت سرت رو می‌بره.»[۹۹]

در نهایت، در حالی که قوانین ایران موادی دارد که صراحتا توقیف و ضبط فراقضایی و سوءاستفاده از اطلاعات خصوصی را ممنوع می‌کند،[۱۰۰] بازداشت شدگان هیچ شانسی برای شکایت حقوقی از این روند غیرقانونی ندارند. به عنوان مثال سپیده قلیان بلافاصله بعد از انتشار این ویدیو حاوی جزئیات اقدامات غیرقانونی، بازداشت و به بازداشتگاهی نامعلوم منتقل شد.[۱۰۱]

۲-۳. اعترافات اجباری و/یا دروغین

اوایل بعد از ظهر ۲۰ آذر ۹۷، میثم آل‌مهدی، فعال حقوق کارگری در راه برگشت از یک راهپیمایی با همکارانش در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز خود را در محاصره ۸ مرد لباس شخصی دید که از خودروهای شخصی بیرون می‌آمدند. این ۸ نفر به او دستبند زدند، سرش را (با کیسه) پوشاندند و بدون اینکه حکم بازداشت یا حتی کارت شناسایی خود را نشان بدهند به زور او را سوار خودرویی کردند.[۱۰۲] کسی به او نگفت چه گروه یا سازمانی او را دستگیر کرده و این کار براساس چه اتهامی صورت گرفته با این همه او معتقد است براساس آنچه که (در طول بازداشت) به گوش خود شنیده آنها که او را بازداشت کردند از قرارگاه امنیتی امام علی در نزدیکی فلکه چهارشیر اهواز آمده بودند. آقای آل‌مهدی در مصاحبه‌ای با سازمان عدالت برای ایران گفت: «گفتند می‌دانیم همسرت بیمار است. می‌دانیم بیماری‌اش کشنده است. می‌توانیم جلوی دسترسی‌اش به دارو را بگیریم. می‌توانیم اسمش

---

۹۷. ماده ۱۱۳ و ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق که مفاد آن در قانون جدید در ماده ۱۸۱ منعکس شده است.

۹۸. گزارش دویچه وله فارسی را اینجا ببینید:
http://tiny.cc/twlgbz

۹۹. پیام ویدیویی سپیده قلیان را اینجا ببینید: https://www.youtube.com/watch?v=4ytmysYOYmE

۱۰۰. ماده ۱۳ و ۱۴ قانون آزادی‌ها و حقوق مدنی را اینجا ببینید:
https://bit.ly/2IEzF6O

۱۰۱. گزارش دیدبان حقوق بشر را اینجا ببینید:
https://www.hrw.org/news/2019/01/24/iran-prominent-labor-activist-rearrested

۱۰۲. قرارگاه امام علی پس از سال ۸۸ و اعتراض‌های آن سال با ترکیبی از نیروهای ویژه امنیتی و نظامی برای برخورد با اعتراض‌های مدنی و تظاهرات‌ها تشکیل شد. اینجا را ببینید:
https://www.radiofarda.com/a/f2_iran_imam_ali_forces_revolutionary_guards_protests_baseejis_police/24357494.html

را از فهرست سهمیه دارو حذف کنیم.»[۱۰۳] هدف چنین تهدیدهایی این بود که آقای آل‌مهدی را مجبور کنند به عضویت در حزب حرکت النضال، گروهی جدایی‌طلب در خوزستان، اعتراف کند.[۱۰۴]

به گفته آل‌مهدی از همان ابتدای بازجویی، او را تحت فشار شدید جسمی و روحی گذاشتند تا به فهرستی از اتهامات که بازجوها پیشاپیش آماده کرده بودند اعتراف کند. ارتباط با احزاب مخالف حکومت خارج از کشور و ارتباط با سازمان‌های جدایی‌طلب عرب در میان این اتهامات بودند. بدرفتاری‌ها و شیوه‌هایی که برای بازجویی و اعتراف‌گیری از آقای آل مهدی در برابر دوربین به کار رفته، شبیه به شیوه‌های رفتار با قربانیان دیگری است که با عدالت برای ایران صحبت کرده‌اند. این شباهت‌ها از الگوهای رفتاری مشخصی حکایت دارند که نشان می‌دهد این سوء رفتارها نه تنها استثنا نیست بلکه روشی نظام‌مند و در بازجویی در زندان‌های ایران معمول است.

شکنجه و بدرفتاری از روش‌های اصلی اعتراف‌گیری از بازداشتی‌ها در برابر دوربین است. با وجود این، عامل اجبار در شکل‌های مختلفی علیه زندانیان و برای اعمال فشار جهت اعتراف‌گیری به کار می‌رود. نمونه های ذیل شیوه‌های معمول اعتراف‌گیری را براساس الگوهای مشترکی شرح می‌دهد که از طریق مصاحبه با قربانیان اعتراف اجباری به دست آمده است.

شکنجه جسمی

آقای آل‌مهدی شهادت می دهد که در طول بازجویی مرتبا تهدید شده، ، سیلی خورده، به شکمش مشت زده‌اند و به گردن و شانه‌هایش با اشیاء سنگین ضربه زده‌اند. او گفته بازجویانش به او دستگاهی را نشان داده‌اند و گفته اند که دستگاه شوک الکتریکی است. به گفته او بازجویش گفته: «من می‌توانم با این بهت برق وصل کنم و کارت را بسازم. به زن و بچه‌ات فکر کن.»

در مرداد ۸۸ لقمان مرادی همراه با پسرعمویش زانیار مرادی دستگیر شد. این دو به کشتن سه نفر از جمله پسر امام جمعه شهر مریوان متهم شدند اگرچه شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد دو متهم هنگام وقوع قتل نزدیک محل ارتکاب جرم نبودند. با وجود این لقمان و زانیار را مجبور کردند به عضویت در گروه کمونیستی کومله و ارتکاب قتل به دستور این گروه اعتراف کنند. این دو نفر را مجبور کردند با امام جمعه شهر شخصا دیدار کنند و از او در برابر دوربین طلب بخشش کنند.

بر اساس شهادت شاهد الف، که رابطه نزدیکی با دو زندانی داشته و نیز بر اساس گفتگوی اختصاصی لقمان با عدالت برای ایران، ماموران اداره امنیت سنندج، زانیار و لقمان مرادی را به شدت شکنجه کرده‌اند.[۱۰۵] لقمان به عدالت برای ایران گفت: « برای اینکه ملاقات با امام جمعه را قبول کنم دو تا سه روز مرا حد[۱۰۶] می‌زدند. خانواده‌ام را تهدید کردند و گفتند خواهرهایت را می‌گیریم، خانواده‌ات را می‌گیریم، همه‌تان را نابود می‌کنیم، بهت تجاوز می‌کنیم» [۱۰۷]

زانیار و لقمان مرادی در نامه‌ای به گزارشگر ویژه حقوق بشر موارد شکنجه شدید جسمی و روحی را که تحمل کرده‌اند توصیف کرده‌اند. «بطری آوردند و گفتند یا باید (اعتراف) را قبول کنی یا اگر نکنی باید روی این بطری بنشینی. آنها مرا به تجاوز تهدید کردند و گفتند یا انتخاب می‌کنی یا دیگر این آخرین انتخاب تو خواهد بود. مجبور شدم قبول کنم چون توان تحمل چنین شکنجه‌ای را نداشتم. روی آلت تناسلیم خونریزی و سوختگی شدید داشتم و بیشتر از این تحمل این شکنجه‌های وحشیانه را نداشتم.»[۱۰۸]

روز ۲۲ آبان ۹۱ پرس تی‌وی اعترافات لقمان و زانیار و دیدارشان با امام جمعه را به عنوان بخشی ویژه از برنامه «ایران امروز» پخش کرد. لقمان و زانیار مرادی روز ۱۷ شهریور ۹۷ اعدام شدند.

---

۱۰۳. احتمالا اشاره دارد به فهرست داروهای صلیب سرخ برای بیماری‌های خاص یا مرکز بیماری‌های خاص. همسر آل‌مهدی از بیماری پیشرفته ام اس رنج می‌برد. از مصاحبه آل‌مهدی با عدالت برای ایران.

۱۰۴. جمهوری اسلامی ایران حرکت النضال را یک گروه تروریستی می داند و ارتباط با این گروه می تواند منتهی به اتهامات جدی و مجازات اعدام شود.

۱۰۵. مصاحبه صورت گرفته از سوی عدالت برای ایران زمانی که زانیار در زندان رجایی‌شهر بود از طریق تلفنی که به درون زندان قاچاق شده بود.

۱۰۶. منظور شلاق زدن است.

۱۰۷. به گزیده‌ای از مصاحبه مرادی اینجا گوش کنید:
https://twitter.com/Justice4Iran/status/1053307411161890818

۱۰۸. گزارش بی‌بی‌سی فارسی شامل شهادت مرادی درباره شکنجه را اینجا ببینید:
http://www.bbc.com/persian/iran-45490264

روز ۲۴ اسفند ۹۰ پرس تی‌وی برنامه‌ای با عنوان «گروه‌های تروریستی الاحوازی در خوزستان» پخش کرد که در آن با احمد دبات، «مصاحبه» شده بود که در ناآرامی های اربعین در شهر شوش دستگیر شده بود. در این برنامه او به منفجر کردن لوله‌های نفتی و تیراندازی به سوی خانه‌های مردم و مقام‌های نیروی انتظامی اعتراف کرد. در همین برنامه سجاد بیت عبدالله (کعبی) در «مصاحبه«ای دیگر به حمله مسلحانه اعتراف کرد. سازمان عدالت برای ایران تصاویر اعترافات کعبی و دبات را با عکس‌های پیش از دستگیری آنها مقایسه و بررسی کرد. عکس‌ها توسط سعید دبات، از بستگان احمد در اختیار عدالت برای ایران گذاشته شد. براساس این بررسی کاملا مشخص است که دندان‌های هر دو زندانی شکسته است.

سعید ملک‌پور، شهروند ایرانی مقیم کانادا و متخصص کامپیوتر که در سال ۱۳۸۷ بازداشت و به مرگ محکوم شد. او همچنین به اعتراف به مجموعه‌ای از اتهامات بی‌اساس مجبور شد. روز ۳۰ اسفند ۱۳۸۷ اعترافات او در کنار اعترافات چندین زندانی دیگر توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد.[۱۰۹]

ملک‌پور بعدها در نامه‌ای سرگشاده که پنهانی از زندان به بیرون فرستاد شیوه‌های شکنجه شدیدی را که با هدف اعتراف‌گیری در بند دوی الف زندان اوین تهران و مکانی دیگر موسوم به دفتر فنی علیه او به کار رفته بود توضیح داد:» اکثر اوقات شکنجه‌ها به صورت گروهی انجام می‌گرفت و در حالی که چشم بند و دست‌بند داشتم چند نفر با کابل، چماق، مشت و لگد و گاهی شلاق ضرباتی به سر و گردن و سایر اعضای بدنم می‌زدند. این کارها به منظور وادار ساختن من به نوشتن آنچه توسط بازجویان دیکته می‌شد و اجبار به بازی کردن نقش در مقابل دوربین طبق سناریوی دلخواه و نوشته شده توسط آنان بود. گاهی شکنجه‌ها توام با شوک الکتریکی بود که بسیار دردناک بوده و تا مدتی پس از آن امکان حرکت نداشتم.»

شکنجه جسمی و رفتار خشن از شیوه‌های معمول بازجویی است اما شکل و شدت آن به جایگاه اجتماعی فرد بازداشت‌شده و احتمال حساسیت عمومی و جامعه جهانی به شرایط او بستگی دارد. مثلا بازداشت‌شدگان شناخته شده مثل فعالان یا هنرمندانی که در جهان شناخته شده اند، یا سیاستمدارانی که با بخش‌هایی از حکومت ارتباط دارند به ندرت با شیوه‌هایی چنین خشن مثل شلاق، شوک الکتریکی یا آویزان شدن از دست شکنجه می‌شوند. در حالی که این شیوه‌ها عموما علیه بازداشت شدگان گمنام یا کسانی مانند جدایی‌طبان یا اقلیت‌های اتنیکی و مذهبی به کار می‌رود که به ندرت شرایطشان در زندان به خشم عمومی منجر می شود.

بیداری اجباری و دارو خوراندن

چندین نفر از کسانی که با سازمان عدالت برای ایران مصاحبه کرده‌اند از اتفاقاتی گزارش کرده‌اند که به باور آنها حاکی از خوراندن دارو پیش از بازجویی است با این هدف که روند بازجویی تحت تاثیر قرار بگیرد. میثم آل‌مهدی چند دقیقه پیش از آغاز بازجویی یک لیوان آب تقاضا کرده و بعد از نوشیدن آب احساس خستگی و خواب‌آلودگی شدید کرده است. او معتقد است که این حس خستگی غیرعادی بوده و ممکن است به او دارو خورانده باشند. بعد از این اتفاق آقای آل‌مهدی ساعت‌ها بازجویی شده و مجبور شده در شرایطی که چشم هایش را به زور باز نگه داشته بوده به صورت مکتوب به پرسش‌های بازجوها پاسخ دهد.[۱۱۰]

نمونه دیگری که به ظن دارو خوراندن به منظور اعتراف‌گیری مربوط می‌شود محاکمه‌های نمایشی اصلاح‌طلبان بعد از انتخابات سال ۸۸ است . در ۱۰ مرداد ۸۸، صد و ده متهم از جمله سیاستمداران اصلاح‌طلب، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی محاکمه شدند.[۱۱۱] جریان این محاکمات در کنار کنفرانس خبری توسط برخی از متهمان از جمله محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر رئیس جمهوری دولت اصلاحات، محمد خاتمی، توسط صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در این کنفرانس خبری متهمان مواضع قبلی خود مبنی بر تقلب در انتخابات را پس گرفتند و اعتراف کردند که اصلاح‌طلبان به بهانه تقلب در انتخابات برای براندازی جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی کرده بودند. در ۱۳ مرداد ۸۸ فهیمه موسوی‌نژاد همسر محمدعلی ابطحی به خبرگزاری اسوشتیدپرس گفت که دو روز پیش از آغاز محاکمات همسرش را در زندان ملاقات کرده و "شکی ندارد" که به او دارو خورانده اند چرا که آقای ابطحی حال عادی نداشته است.

در موردی دیگر هانیه فرشی، وبلاگ‌نویس و فعال سیاسی ساعت شش صبح در تیرماه ۸۹ بازداشت و به اداره اطلاعات تبریز

---

۱۰۹. متن کامل نامه ملک‌پور را اینجا ببینید:
https://peoplewithoutnation.wordpress.com/saeed-malekpour-open-letter-to-the-iri-judiciary/

۱۱۰. در مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

۱۱۱. گزارش عفو بین‌الملل درباره دادگاه ناعادلانه ۱۰۰ نفر را اینجا ببینید:
https://www.amnesty.org/en/latest/news/2009/08/over-100-iranians-face-grossly-unfair-trials-20090804/

منتقل شد.[۱۱۲] او را در اتاق بازجویی با چشم‌بند نشسته بر روی صندلی رو به دیوار نگه‌داشتند و به او گفتند باید بیدار بماند. خانم فرشی ساعت‌ها در این وضع برای شروع بازجویی اولیه منتظر مانده بود.[۱۱۳] فرزانه جلالی هم در گفتگو با عدالت برای ایران جلسات بازجویی خود را «به شدت خسته کننده و طولانی» توصیف کرده که غالبا حدود ده ساعت طول می‌کشیده است. به گفته او در طول یکی از جلسات بازجویی او را در اتاقی با چشم‌بند روی صندلی از ساعت یک بعد از ظهر تا نه شب، بدون اجازه استراحت در انتظار بازجو نگه داشتند. به گفته خانم جلالی او تلاش کرده از کمردرد شدید دراز بکشد اما بازجوها به اتاق آمده‌اند و گفته‌اند باید روی صندلی بنشیند.[۱۱۴]

براساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان به نظر می‌رسد که خسته کردن روحی و جسمی زندانی و ایجاد خواب‌آلودگی اجباری چه مستقیما از طریق خوراندن دارو و یا غیر مستقیم از راه انتظار طولانی چند ساعته از روش‌های معمول بازجویی برای شکست روحیه زندانی و درهم شکستن اراده آنها برای مقاومت در برابر شیوه‌های پیچیده بازجویی است.

تهدید خانواده بازداشتی

بازجوها مرتبا خانواده میثم آل‌مهدی را تهدید می‌کردند.[۱۱۵] او به یاد می‌آورد که بازجوها می‌گفتند «ما می‌توانیم برای برادرت مشکلات جدی درست کنیم.» به گفته او این تهدیدها از سوءرفتارهای جسمی که با او می‌کردند در پذیرش اعترافات اجباری موثرتر بود: «گفتند همانطور که تو را آوردیم می‌توانیم برادرت و همسرت را هم بیاوریم. جلوی همه لختش می‌کنیم. در این وضع آدم هرچه که بگویند قبول می‌کند.»

لقمان مرادی از تهدیدهای مشابهی صحبت کرده است: «شلاقم زدند اما قبول نکردم. بعد جلوی من به خانواده‌ام تلفن کردند و گفتند که حق خروج از خانه ندارند. گفتند اگر چیزی را که می‌خواهند به امام جمعه نگویم همه خانواده‌ام را به زندان می‌آورند. مجبور شدم قبول کنم.» اعترافات لقمان در کنار زانیار مرادی روز ۲۱ آبان ۸۹ در برنامه پروپاگاندای هفتگی «ایران امروز» با عنوان «گروه تروریستی کومله» پخش شد.[۱۱۶]

روژین محمدی، مصاحبه شونده دیگری که فعال حقوق بشر است در گفتگو با عدالت برای ایران گفت برادر او را به سلول کناری او آوردند و شکنجه کردند تا او صدای فریادهایش را بشنود: «غیرقابل تحمل است که برادرم را که سیاسی هم نبود درست به سلول کناری آوردند، در را باز گذاشتند و شکنجه‌اش کردند تا من هم بشنوم. از کتف آویزانش کردند تا شانه‌هایش در رفت. حالا نه می‌تواند بخوابد و نه می‌تواند به تنهایی لباس بپوشد.»[۱۱۷]

روژین محمدی در عین‌حال توضیح می‌دهد که ماموران امنیتی چطور پدرش را تهدید کردند: «پدرم بعدا گفت که از او پرسیده بودند می‌خواهی دخترت زنده برگردد یا مرده. از او پرسیدند دخترت را سالم می‌خواهی یا اینکه ما ...ش کنیم. پدرم کلمه‌ای را که گفته بودند به کار نبرد.» [۱۱۸]

احمدرضا جلالی پژوهشگر ایرانی سوئدی در ایران به اتهام جاسوسی بازداشت شد و درنامه‌ای از زندان شرح داد که بازجوها او را تهدید کرده‌اند که اگر حاضر به اعتراف در برابر دوربین نشود دو فرزند کوچکش را دستگیر می‌کنند و آزار می‌دهند. [۱۱۹]

---

۱۱۲. Independent, As Ahmadinejad is anointed, his victims pay the price of dissent, 4 August 2009, https:// www.independent.co.uk/ news/world/middle-east/as-ahmadinejad-is-anointed-his-victims-pay-the-price-of-dissent-1766953.html.

۱۱۳. در مصاحبه با عدالت برای ایران؛ ۱۳۹۸ ر.ک پیوست شماره ۴

۱۱۴. همان

۱۱۵. همان

۱۱۶. گزارش عدالت برای ایران را با عنوان کات پخش پرس تی‌وی باید متوقف شود اینجا ببینید:
https://justice4iran.org/wp-content/uploads/2013/03/CutTakePressTVoffTheAir-English.pdf

۱۱۷. مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸.

۱۱۸. در مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۱، ر.ک پیوست شماره ۴

۱۱۹. گزارش مرکز حقوق بشر ایران را اینجا ببینید:
https://www.iranhumanrights.org/2017/12/irans-state-tv-aired-forced-confession-of-ahmadreza-djalali-because-he-refused-to-spy-for-iran/
همین طور بخش افترا در این گزارش و پرونده احمدرضا جلالی

سعید ملک‌پور در نامه‌ای از زندان از تهدیدهای مشابهی توسط بازجوهایش صحبت کرده است: « زندان‌های طویل المدت انفرادی (بیش از یک سال) بدون حق تماس تلفنی و امکان ملاقات عزیزانم، تهدیدات مکرر به دستگیری و شکنجه همسر و خانواده‌ام در صورت عدم همکاری، تهدید به قتل و دادن اخبار دروغ از جمله دستگیر کردن همسرم و این قبیل تهدیدها باعث آشفتگی روحی و بحرانی شدن سلامت روان من شده بود.»

تازه‌ترین نمونه تهدید علیه خانواده زندانیان در پرونده فعالان حقوق زنان در زمینه مبارزه با سیاست حجاب اجباری جمهوری اسلامی ایران روی داده است. [۱۲۰] سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سال ۹۷ خود دست کم به شش حامی حقوق زنان اشاره می‌کند که هنوز در زندان‌های ایران تحت فشار شدید و انواع بدرفتاری قرار گرفته‌اند تا به اعتراف در برابر دوربین مجبور شوند. صبا کردافشاری از زمان بازداشت در ۱۱ خرداد ۹۸ هدف انواع سوء رفتارها در زندان بوده که در مواردی شامل شکنجه نیز شده است. بازجوهای او آزادی‌اش را مشروط به تن دادن به اعتراف اجباری کرده‌اند و او را تهدید کرده‌اند که در صورت عدم همکاری مادرش را دستگیر خواهند کرد.[۱۲۱] با مقاومت صبا، نهایتا در ۱۹ تیر ۹۸ به تهدید خود عمل کردند و مادر او، راحله احمدی را دستگیر کردند.[۱۲۲]

در موردی دیگر یاسمن آریانی، فعال ۲۴ ساله حامی حقوق زنان روز ۲۱ فروردین ۹۸ در خانه‌اش در تهران بازداشت شد.[۱۲۳] منیره عربشاهی مادر او روز بعد وقتی که به دنبال محل نگهداری دخترش به بازداشتگاه وزرا در تهران مراجعه کرده بود بازداشت شد. به گفته سازمان عفو بین‌الملل بازجوها یاسمن آریانی را مرتبا تحت فشار گذاشته‌اند و تهدید کرده‌اند (که در صورت عدم همکاری) باقی اعضای خانواده، از جمله خواهر و برادرهای کوچک‌تر و پدرش را هم دستگیر خواهند کرد.[۱۲۴]

این موارد و شهادت‌هایی که پیشتر ذکر شد حاکی از آن است که تهدید اعضای خانواده افراد بازداشت شده درواقع یکی از ابزار رایج ماموران امنیتی جمهوری اسلامی برای اعمال فشار نظام‌مند بر بازداشتی‌هاست. این موارد در عین حال نشان می‌دهد که این شیوه از جمله موثرترین راه‌های اعتراف‌گیری اجباری از بازداشتیان است. بازجوها از نقطه ضعف زندانیان استفاده می‌کنند و آنها را مجبور می‌کنند که نزدیکانشان را در حالی تصور کنند که در شرایط رنج‌آور مشابهی قرار گرفته‌اند. بازجوها در عین‌حال مرتبا تاکید می‌کنند که اگر این تهدیدها عملی شود تقصیر فرد بازداشتی است که با آنها همکاری نکرده است. با این کار فشار مشقت‌آوری را بر فرد بازداشت‌شده می‌آورند که در قبال هر دردی که نزدیکانشان را گرفتار کند احساس مسئولیت کنند.

شایان توجه است که در بسیاری موارد بستگان زندانیان نیز به مصاحبه (اغلب با صداو سیمای جمهوری اسلامی) وادار می‌شوند تا بیانیه‌هایی را که از پیش توسط نیروهای امنیتی دیکته شده روخوانی کنند. یکی از نمونه‌های بارز این شیوه در پرونده سارو قهرمانی روی داد. سارو قهرمانی یک شهروند کرد ایرانی بود که بعد از شرکت در اعتراضات علیه حکومت ایران در سنندج ناپدید شد.[۱۲۵] به گفته خانواده اش، روز ۲۲ دی ۹۶ یازده روز بعد از بازداشت سارو توسط اداره اطلاعات سنندج، مرگ او را به آنها خبر دادند.

روز ۲۳ دی ۹۶ بعد از اینکه جسد سارو را به خانواده‌اش تحویل دادند ماموران امنیتی پدر او را همراه خود بردند و چند ساعت بعد ویدیویی توسط شبکه خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی منتشر شد[۱۲۶] که پدر سارو قهرمانی در آن می‌گوید پسرش مسلح و عضو کومله بوده، توسط این گروه برای عملیات تروریستی داخل خاک ایران آموزش دیده و در جریان تیراندازی با نیروهای امنیتی کشته

---

۱۲۰. برای فهرست قوانین درباره حجاب اجباری گزارش عدالت برای ایران را با عنوان ۳۵ سال حجاب اجباری منتشر شده در مارس ۲۰۱۴ اینجا ببینید:
https://justice4iran.org/wp-content/uploads/2014/03/Hejab-Report-JFI-English.pdf

۱۲۱. گزارش عفو بین‌الملل را اینجا ببینید:
https://www.amnesty.org/en/latest/news/2019/07/iran-cruel-campaign-to-extract-propaganda-confessions-from-pr

۱۲۲. همان

۱۲۳. همان

۱۲۴. همان

۱۲۵. See Iran Observer's report on death of Sarou Ghahramani at:
http://www.iranobserver.org/iran-kills-more-protesters-under-torture-across-the-country/

۱۲۶. ویدیوی اعترافات اجباری پدر سارو قهرمانی را اینجا ببینید
https://bit.ly/2XNilHq

شده است.[۱۲۷] مورد خانواده سارو قهرمانی به هیچ وجه استثنا نیست. اظهارات اجباری مشابهی از خانواده کاووس سیدامامی[۱۲۸] و در تازه‌ترین مورد بستگان مسیح علینژاد، فعال حامی حقوق زنان گرفته شده است.[۱۲۹]

به گفته سازمان عفو بین‌الملل در اسفند ۹۷ وزارت اطلاعات زرین بادپا، مادر سالمند مسیح علینژاد (فعال ایرانی مقیم آمریکا و بنیان گذار کارزار چهارشنبه سفید) را احضار کرده است. او برای دو ساعت درباره دخترش بازجویی شده در حالی که در تمام مدت از او فیلمبرداری شده است. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پیشتر مصاحبه با خواهر این فعال حقوق زنان را پخش کرده که در آن خواهرش و کارزار او را محکوم می‌کند.[۱۳۰]

اتهام‌های جنسی

رژیمی مذهبی که ادعای تقدس و پرهیزگاری دارد یکی از رایج‌ترین راه‌های بی‌اعتبار کردن منتقدان خود را در اتهام لاابالی‌گری جنسی می‌بیند. با مجبور کردن بازداشت‌شدگان به اعتراف به بی اخلاقی و روابط جنسی با همقطاران خود، جمهوری اسلامی تلاش می‌کند مخالفان خود را فاسد، کثیف و هرزه تصویر کند. شایان ذکر است که در ایران رابطه جنسی خارج از ازدواج و رابطه با هم‌جنس تابوی اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود و طبق قوانین جمهوری اسلامی رفتاری مجرمانه با مجازات شلاق، سنگسار یا اعدام شمرده می‌شود.

بازجوهای میثم آل‌مهدی او را به رابطه جنسی با هم‌قطاران زنش عسل و سپیده متهم کردند: «گفتند با عسل[۱۳۱] و سپیده رابطه داری.[۱۳۲] گفتم آنها رفقای من هستند. شما هم به رفیق‌هایتان اینطور نگاه می‌کنید؟ گفتند نه اینها روسپی‌اند و شروع کردند به فحاشی کردن.»[۱۳۳]

سپهر ابراهیمی، وبلاگ نویس، نیز بخشی از بازجویی درباره روابط جنسی با اعضای دیگر گروه خود را اینگونه توضیح می‌دهد: «آدم را تحقیر می‌کنند. تلاش می‌کنند آدم را به اعتراف سکس با دیگران وادار کنند تا بتوانند با اعترافات تو آنها را شکنجه کنند».[۱۳۴]

---

۱۲۷. گزارش مرکز حقوق بشر را اینجا ببینید:
iranhumanrights.org/2018/01/intelligence-ministry-forces-father-of-slain-protester-to-repeat-authorities-version-of-events-on-state-tv/

۱۲۸. پرونده کاووس سیدامامی را در ادامه در بخش افترا ببینید

۱۲۹. New York Times (editorial), My Sister Disowned Me on State TV, 31 July 2018, https://www.nytimes.com/2018/07/31/opinion/iran-hijab-feminist.html.

۱۳۰. برای اطلاعات بیشتر فصل پنجم درباره «اهداف و تاثیرات» را ببینید

۱۳۱. عسل محمدی یک فعال کارگری و همکار نشریه چپ گام است. او ۱۳ آذر ۹۷ در خانه‌اش در اهواز به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد و به شعبه دادستانی اوین منتقل شد.

۱۳۲. سپیده قلیان یک فعال حقوق مدنی، روزنامه‌نگار و زندانی وجدان از شهر اهواز است. او با نشریات مختلف به عنوان یک شهروند خبرنگار و گزارشگر درباره اعتراضات کارگری که از سوی اتحادیه کارگران هفت‌تپه برگزار شده همکاری کرده است. او ۲۷ آبان ۹۷ بازداشت شد. پس از آزادی‌اش به قید وثیقه او ویدئویی منتشر کرد و درباره سوء رفتار و شکنجه‌اش در دوران زندان صحبت کرد. او دوباره بازداشت شد. در تاریخ 5 دی 1398، قلیان که به قید وثیقه آزاد شده بود اعلام کرد که از صدا و سیما به خاطر پخش اعترافات اجباری اش که زیر شکنجه اخذ شده بود شکایت کرده است. او همچنین علیه چند گزارشگر صدا و سیما که به شکلی غیرقانونی متن اعترافاتش را از پیش تنظیم کرده بودند شکایت کرد. چند ساعت پس از این اعلام حساب توییتر قلیان از دسترس خارج شد. گزارش رادیو فردا در این مورد را اینجا ببینید:
https://en.radiofarda.com/a/labor-activist-s-twitter-deactivated-after-suing-state-tv-reporter-for-forced-confessions/30345730.html

۱۳۳. مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸.

۱۳۴. مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸.

بررسی موردی: قتل‌های زنجیره‌ای در ایران

اگرچه این گزارش موارد بعد از سال ۸۸ را بررسی کرده، نمونه قتل‌های زنجیره‌ای در ایران و فیلمی که روند اعتراف‌گیری یکی از متهمان را نشان می دهد، جزئیات و شواهدی را از یک الگوی نظام مند بازجویی توام با بدرفتاری در ایران به دست می‌دهد. این ویدیو به گفته‌های شاهدانی که با عدالت برای ایران درباره شیوه‌های اعتراف‌گیری اجباری حکومت گفتگو کرده اند حقانیت و اعتبار می‌بخشد و روایت آنان را تایید میکند.

قتل‌های زنجیره‌ای ایران رشته قتل‌های مخالفان و روشنفکرانی است که بین سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷ روی داده است. این قتل‌ها اواخر سال ۱۳۷۷ زمانی فاش شد که داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری فروهر و سه نویسنده مخالف دولت در یک دوره دو ماهه به قتل رسیدند. در اواسط سال ۱۳۷۸ خشم عمومی و چند تحقیق رسانه‌ای مقامات قضایی ایران را وادار کرد اعلام کنند عامل این قتل‌ها را پیدا کرده‌اند. آنها سعید امامی، یکی از مدیران ارشد وزارت اطلاعات را متهم کردند که با رهبری گروهی خودسر این قتل‌ها را مرتکب شده است. براساس گزارش‌ها سعید امامی بعدها برای فرار از محاکمه در زندان خودکشی کرد.

در بهمن سال ۱۳۷۸ مقام‌های حکومتی فیلمی از شش مظنون در این پرونده را به اعضای مجلس ایران نشان دادند. در این فیلم متهمان اعتراف می‌کنند که با اف‌بی‌آی، موساد و سی‌آی‌ای همکاری داشته‌آند. در جریان این جلسه، محمد نیازی، رئیس وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح تاکید کرد که «هیچ فشاری برای گرفتن اعتراف از متهمان وجود نداشته است. اعترافات واقعا قلبی و منطبق بر واقعیت است و کاملا می‌تواند سندی برای حکم باشد.»[۱۳۵]

با این همه یک سال و نیم بعد در تیرماه ۸۰، فیلمی فاش شد که روند بازجویی و اعتراف گیری از متهمان را نشان می‌دهد. این فیلم که ظاهرا در بازداشتگاه مرکزی وزارت اطلاعات گرفته شده بازجویی از مصطفی کاظمی، پورمحمدی، مرتضی پورفلاح، اکبریان و طاهری، ماموران سابق وزارت اطلاعات و نیز بازجویی از فهیمه دری، همسر سعید امامی را نشان می‌دهد.

ترتیب و شیوه‌های بازجویی شباهت آشکاری با شیوه‌هایی دارد که مصاحبه‌شوندگان به عدالت برای ایران و سایر سازمان‌های غیردولتی گفته‌اند؛ از جمله استفاده از شیوه‌هایی چون اتهامات جنسی (برای مثال زنا)، توهین به مقدسات و خیانت به کشور. در این فیلم بازجوهای متعددی به سه متهم اول می‌گویند که رابطه نامشروع با همسران یکدیگر داشته‌اند. در ادامه یکی از بازجوها زندانی را به فساد اخلاقی متهم می‌کند که زندانی در مقابل اتهام را رد می‌کند. بعدتر صدای کتک خوردن و التماس زندانی برای کمک شنیده می‌شود. در دور بعدی بازجویی، مردی به نام مرتضی (پورفلاح) همزمان با حرف زدن بازجویش کتک می‌خورد.

در بخشی از ویدیو فهیمه دری به محل بازجویی بازگردانده می‌شود. او در نهایت اعتراف می‌کند که گزارشی امنیتی را به کانادا برده تا آن را به سی.آی.ای تحویل دهد. بعد از آن بازجو به او می‌گوید که باید دیدارش از اسرائیل را توصیف کند. خانم دری می‌گوید که هیچ‌گاه در اسرائیل نبوده و این جمله را چند بار تکرار می‌کند. بازجو از او می‌پرسد: «اگر ما کاری کنیم که رفته باشی چی؟»

در این لحظه است که مسیر بازجویی به اتهامات جنسی و اعتراف‌گیری در ارتباط با فساد اخلاقی تغییر پیدا می‌کند. چنین تغییری نشان می‌دهد که اتهامات جنسی شکلی از شکنجه روانی است تا خانم دری متقاعد شود که اعتراف به جاسوسی و خیانت به کشور احتمالا کم‌هزینه تر از اعتراف به فساد اخلاقی خواهد بود.

---

۱۳۵. نگاه کنید به گزارش روزنامه همشهری:
https://images.hamshahrionline.ir/hamnews/1378/781105/siasi.htm#siasi3

کمی بعدتر از خانم دری درباره روابط نزدیک با همسرش بازجویی می‌شود. بازجوها اتهام روابط نامشروع با مردان دیگر را علیه او تکرار می‌کنند، از جمله اینکه در نتیجه رابطه با یکی از ماموران سابق امنیتی باردار شده است. بازجوها مرتبا به او می‌گویند که «جگرش را می‌سوزانند»، که او یک «فاحشه کثیف و حشری» است . بازجوها بارها به او گفتند اعتراف کند که همسرش مردانی را برای لذت او به خانه می‌آورده. وقتی که نهایتا خانم دری به مجموعه‌ای اتهامات از جمله رابطه جنسی با مردان دیگر اعتراف می‌کند بازجوها او را به رابطه با زنان دیگر متهم می‌کنند.

این فیلم معتبرترین مدرک استفاده از شکنجه و بدرفتاری با زندانیان از جمله استفاده از آنها علیه ماموران خود وزارت اطلاعات در ایران است. این فیلم در عین‌حال تنها مدرک تصویری از روند بازجویی است که کاملا با اظهارات سایر بازداشتیان درباره شکنجه و اجباری که متحمل شده‌اند منطبق است. این فیلم به وضوح نشان می‌دهد که پیش از آنکه بازداشت‌شدگان با لباس تمیز و در یک اتاق پاک و مرتب برای برنامه‌ای تلویزیونی مصاحبه شوند، پشت دوربین‌های صدا و سیما چه اتفاقی می‌افتد.

این فیلم در عین‌حال مدرکی حیاتی است، چرا که نشان می‌دهد در حالی که این اعترافات با چنین شیوه‌های وحشیانه‌ای گرفته شده، محمد نیازی با صراحت به اعضای مجلس درباره شیوه اخذ این اعترافات دروغ می‌گوید و تاکید می‌کند که اعترافات می‌تواند «کاملا سندی برای حکم باشد.» فیلم همچنین نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی تا چه حد در نظام قضایی نفوذ دارند: در بخشی از این فیلم بازجو به متهم می‌گوید: «ما در این پرونده قاضی و هیات منصفه و دادگاه هستیم.»

تهدید به اعدام

یکی از رایج ترین ابزار فشار بر بازداشتی‌ها برای اعتراف گیری تهدید آنها به اعدام است. در موارد بسیاری، اول بازداشتی را بدون هیچ مدرک و شاهدی به جرایمی مثل خیانت، توهین به پیامبر یا افساد فی الارض متهم می‌کنند که در قانون مجازات اسلامی با مجازات اعدام همراه است. بازجوها اغلب تلاش می‌کنند بازداشتی را قانع کنند که در خطر اعدام قریب الوقوع قرار دارد و گاهی تا آنجا پیش می‌روند که شکل و شیوه دار زدنش را هم توصیف می‌کنند تا به فشار روانی بر متهم اضافه کنند.

هانیه فرشی در شهادت خود[۱۳۶] به سازمان عدالت برای ایران حرف‌های بازجویش را درباره اعدام احتمالی اش اینطور توضیح داده است: «بهم گفت هانیه! خودم شخصا یه طناب دار خوب برات انتخاب می‌کنم. تو قدت بلنده و تماشا کردنت وقتی از طناب آویزونی خیلی کیف می‌ده. مثل اینکه یه شتر رو دار زده باشی.»

سپهر ابراهیمی[۱۳۷] که در طول بازجویی اعتصاب غذا کرده بود اینطور گزارش کرده : «بازجوی من گفت یه چیزی بخور که وقتی دارت می‌زنیم زود تموم شه.»

هر دوی این مصاحبه شوندگان ابتدا به اتهام توهین به پیامبر متهم شده بودند که طبق قانون مجازات اسلامی مجازات اعدام دارد. ابراهیمی می‌گوید تا لحظه آخر حاضر به اعتراف در برابر دوربین نشده: «بعد بازجو گفت اگر قبول نکنی به جرم کفر و سب نبی می‌فرستیمت دادگاه و اعدام می‌شی.»

تنها بعد از این بود که ابراهیمی اعتراف در برابر دوربین را پذیرفت. بعد از آن در محاکمه اتهامات اولیه را از فهرست اتهامات او حذف کردند. اغلب مصاحبه شوندگان تصریح می‌کنند که وقتی بازجوها به مجازات اعدام تهدیدشان کردند باور داشتند که مقام های زندان کاملا توانایی عملی کردن این تهدید را دارند. هانیه فرشی به سازمان عدالت برای ایران گفت اعترافاتش در همان اتاقی ضبط شده که اعترافات مجید جمالی فشی را ضبط کرده بودند. جمالی فشی به ترور یک دانشمند هسته‌ای ایرانی متهم شده بود و در اردیبهشت ۹۱ اعدام شد. فرشی می‌گوید: « مرا به همان اتاق بردند که اعترافات فشی را ضبط کرده بودند و من یک روز قبل توی تلویزیون دیده بودم. گفتند حکم اعدام گرفته و اعدام می‌شه.»[۱۳۸]

این شیوه فشار وحشتناکی بر افراد بازداشت شده می‌آورد و آنها را متقاعد می‌کند که سرنوشت مشابهی در انتظار آنهاست.

استفاده از شرایط خشن زندان به عنوان ابزار فشار

به جز شیوه های فشار مستقیم بر بازداشتیان، مثل شکنجه جسمی، روحی و بدرفتاری، استفاده از شرایط دشوار زندان نیز شیوه ای موثر در مجبور کردن زندانی به اعتراف در برابر دوربین است. این شرایط می‌تواند مثلا شامل انتقال بازداشتی به بخشی از زندان باشد که زندانی‌های خطرناک نگهداری می‌شوند. انتقال زندانی به بندهای زیاد از حد شلوغ و پرجمعیت یا سلول انفرادی، محروم کردن زندانی از دسترسی به خدمات درمانی همه از شیوه‌های مجازات کسانی است که حاضر به اعترافات تلویزیونی نمی‌شوند.

هانیه فرشی به بخش عمومی زندان اوین منتقل شده بود، جایی که به گفته او «زندانی‌ها هر کس را که به نظرشان با بقیه فرق داشت کتک می‌زدند.»[۱۳۹] سپهر ابراهیمی[۱۴۰] نیز به زندان بدنام قزل حصار در کرج منتقل شده بود. جایی که خطرناک‌ترین زندانیان نگهداری می‌شوند. او شرایطش را اینگونه توضیح می‌دهد: «۶۵۰ نفر زندانی در فضایی کمتر از ۵۰۰ متر مربع نگهداری می‌شوند. شب‌ها مجبور بودیم کنار هم درست پشت در توالت جلوی در بند بخوابیم. صبح که می‌شد برای اینکه پا دراز کنیم هم جا نبود.»

به جز شرایط فیزیکی غیرقابل تحمل زندان، ترس از حمله یا تجاوز توسط زندانیان دیگر یا ترس از ابتلا به بیماری‌های مسری کشنده فشار روانی زیادی بر بازداشتی ها وارد می‌کند. ابراهیمی می‌گوید:» شرایط بهداشتی وحشتناک بود. نور نبود، تهویه نبود و هر شب می‌خواستند همدیگر را بکشند. همیشه احتمال چاقو خوردن یا کشته شدن وجود داشت.»

اغلب گزارش‌ها درباره استفاده از سلول انفرادی برای مجبور کردن زندانی به اعتراف تلویزیونی به روشنی نشان می‌دهد که این

---

۱۳۶. پیوست شماره ۴ را ببینید.

۱۳۷. همان

۱۳۸. مصاحبه با عدالت برای ایران ۱۳۹۸

۱۳۹. مصاحبه با عدالت برای ایران؛ ر.ک پیوست ۴

۱۴۰. مصاحبه با عدالت برای ایران؛ ر.ک پیوست ۴

شیوه متناوبا و به شکل نظام‌مند برای اعتراف‌گیری اجباری به کار می‌رود. به گفته سازمان عفو بین‌الملل صبا کردافشاری و یاسمن آریانی، و چهار حامی دیگر حقوق زنان دوره‌های طولانی سلول انفرادی را تحمل کرده‌اند، صرفا به این منظور که آنها را به اعتراف تلویزیونی مجبور کنند.[۱۴۱] زندانی کردن عامدانه و طولانی مدت بازداشتیان در سلول انفرادی یا در شرایطی که بازداشتی تمام مدت در هراس از مرگ، تجاوز، یا ابتلا به بیماری اچ آی وی یا هپاتیت است به روشنی شکنجه و رفتار غیرانسانی و بدرفتاری‌های تحقیرآمیز محسوب می‌شود. چنین شرایط وحشتناکی به راحتی می‌تواند زندانی را از نظر جسمی و روحی در هم بشکند تا جایی که نهایتا به انجام هر چه که او را از این شرایط خارج کند تن بدهد.

فشار روانی و رفتار تحقیرآمیز

در واقع تمام شیوه هایی که پیش از این اشاره شد مصداق شکنجه محسوب می‌شوند. تهدید به اعدام، قرار دادن زندانی در شرایط غیرقابل تحمل بهداشتی در زندان یا بازجویی از او درباره روابط خصوصی و جنسی‌اش، همگی حس هراس دائم، اضطراب و ناامنی را در او ایجاد می‌کند. با وجود این شیوه‌هایی نیز وجود دارد که به طور خاص توسط نیروهای امنیتی ایران به کار می‌رود که نه تنها با هدف همکاری زندانی با اعتراف اجباری است که اساسا برای رساندن او به آستانه فروپاشی روانی، خلع هویت زندانی و در هم شکستن اراده‌اش استفاده می شود تا او را به حالت تسلیم مطلق در بیاورد. به عبارت دیگر برای تبدیل یک انسان به ابژه‌ای مطیع و رام سه مرحله وجود دارد.[۱۴۲]مرحله اول درهم شکستن زندانی از طریق منزوی کردن، شکنجه و بدرفتاری‌های شدید است. در مرحله دوم، در حالی که زندانی به شکل نظام‌مند هدف رفتار تحقیرآمیز است او را وادار می‌کنند که درباره هویت، اعتقادات، آرمان‌ها و اصول خود تردید کند. مسائلی که مرتبا از سوی بازجوها زیر سئوال می‌رود، مسخره و رد می‌شود. نهایتا زندانی را با هویت‌ها و ایده‌های جایگزین بمباران می کنند و به او می‌گویند که با پذیرفتن آنها امتیاز خواهد گرفت.

درسا سبحانی، فعال حقوق بشر و شهروند بهایی ایران، در مصاحبه با سازمان عدالت برای ایران گفت که مرتبا به دلیل اعتقاد به آیین بهایی تحقیر شده است: « مرتب می‌گفتند ما همین حالا دانشجو، استاد و متخصص موفق مسلمان داریم. به شما توی دانشگاه نیازی نیست. باید اینجا توی همین زندان‌ها بپوسید و بمیرید.»[۱۴۳]

مرحله سوم مرحله بازسازی است، جایی که زندانی به دلیل پذیرش هویت و ایده تازه، و یا به دلیل همکاری امتیاز می‌گیرد. در این مرحله یکبار دیگر به زندانی اجازه تخیل و امید رسیدن به شرایط بهتر و یا حتی آینده را می‌دهند. با وجود این با کمترین نشانه‌ای از مقاومت تمام این امیدها و امتیازات را دوباره از او می‌گیرند.

درسا سبحانی می‌گوید وقتی که به دوره انفرادی او پایان دادند و دو زندانی دیگر را به سلولش آوردند خیلی خوشحال شد. با وجود این یک روز بعد هم‌سلولی‌هایش را به سلولی دیگر منتقل کردند و او دوباره تنها ماند. درسا می‌گوید: « به جلسه بازجویی رفتم و بازجو گفت که آن دو زندانی مسلمان بودند و چون تو بهایی هستی و برای مسلمان‌ها نجس و کثیفی، تقاضا کردند که به جای دیگری منتقل شوند.»

این رفتارهای تحقیرآمیز و خوارکننده در شرایط خشن و پراسترس زندان‌های ایران می‌تواند تاثیری جدی بر سلامت روانی و روحی زندانی بگذارد و باعث مشکلات جدی دراز مدت برای اعتماد به دیگران و حتی تروما برای تمام عمر شود.

فریب و تزویر

یکی دیگر از شیوه‌ها برای اجبار بازداشتیان به اعترافات تلویزیونی فریب و تزویر است. تقریبا در تمام مواردی که برای این گزارش بررسی شده به بازداشتی گفته‌اند که اعترافات ضبط شده او پخش نخواهد شد.

بازجوها به میثم آل‌مهدی گفتند که اعترافات او را ضبط می‌کنند تا مقام‌های عالیرتبه را متقاعد کنند که «اعضای اتحادیه‌ها سیاسی نیستند».

---

۱۴۱. Amnesty International, Iran: Cruel campaign to extract propaganda 'confessions' from protesters against compulsory veiling, 15 July 2019.

۱۴۲. For more on this subject see: Luci, Monica, Torture, Psychoanalysis and Human Rights, London: Routledge, 2017

۱۴۳. آیین بهایی توسط جمهوری اسلامی به عنوان دین منحرف و غیرقانونی تلقی می شود و پیروان آن در ایران از حقوق اساسی مدنی و انسانی خود از جمله حق تحصیل محروم هستند.

به فرزانه جلالی گفته بودند که ضبط اعترافات او فقط تشریفاتی و یک رویه معمول برای استفاده داخلی است. در عین حال به او گفته‌بودند که ضبط اعترافات پیش شرط آزاد کردن او به قید وثیقه است.

بازجوهای سپهر ابراهیمی که به سب النبی و انتشار مطالب خلاف اسلام متهم شده بود به او گفتند که اعترافاتش پخش نخواهد شد و تنها برای آرشیو وزارت اطلاعات و نشان دادن به مراجع در قم است.

روژین محمدی شیوه دیگری از فریب را برای وادار کردنش به اعتراف در برابر دوربین عنوان می‌کند: «بازجویی تمام شده بود و به من گفتند که با وثیقه آزاد می‌شوم... یک روز بعد آمدند و لباس‌های خودم را برایم آوردند. خیلی ترسیده بودم چون فکر کردم اگر قرار باشد آزادم کنند باید تا الان می‌گفتند. اولین چیزی که به ذهنم رسید اعتراف تلویزیونی بود. به من گفته بودند که آن روز قرار نیست بازجویی بشوم. اما بعد چهار نفری دوره‌ام کردند و شروع به داد و فریاد کردند. گفتند تمام این مدت به ما دروغ گفتی... شروع کردند به نقش بازی کردن. وحید (بازجوی اصلی) گفت من استعفا می‌دهم، این دختر تمام این مدت من را بازی گرفته و من باور کردم. شوکه شده بودم. واقعا آنقدر شوکه شده بودم که نمی‌توانستم بگویم نه، نمی‌خواهم این کار را انجام بدهم.»[۱۴۴]

در مورد مشابه دیگری که از همه جدیدتر است، در ۲۹ فروردین ۹۸، یاسمن آریانی و منیره عربشاهی، که هردو به دلیل شرکت در کارزار علیه حجاب اجباری دستگیر شده بودند بدون هیچ توضیحی از یک بازداشتگاه به منطقه‌ای نامعلوم در تهران منتقل شدند.

به گفته سازمان عفو بین‌الملل به محض اینکه این دو نفر را از ماشین بیرون آوردند دوربین‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی جلوی آنها ظاهر شدند و بدون رضایتشان از آنها فیلمبرداری کردند. بعد آنها را به اتاقی بردند تا صدا و سیما با آنها «مصاحبه» کند. وقتی اعتراض کردند به آنها گفتند هیچ چاره‌ای جز جواب دادن به سئوال‌ها ندارند.[۱۴۵]

شایان ذکر است که نه تنها با اجبار زندانیان به اعتراف در برابر دوربین و پخش برنامه‌هایی مملو از افترا حریم شخصی زندانیان به طور سیستماتیک نقض می‌شود بلکه حق آنها برای پیدا کردن راه حل قانونی و یا دادخواهی علیه این موارد کاملا نادیده گرفته می‌شود و یا حتی با مجازات بیشتر همراه می‌گردد.

۳-۳. مصاحبه‌های از پیش نوشته شده

اغلب شهادت‌هایی که برای این گزارش بررسی شده روند ضبط اعترافات اجباری را کاملا از پیش تعیین شده و در کنترل مطلق بازجویان یا نیروهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی توصیف کرده‌اند. شهادت این عده تاکید دارد که محل و تک تک عناصر صوتی و تصویری در این تولیدات با دقت انتخاب شده‌اند تا با سناریویی که بازجوها یا کارکنان صدا و سیما پیشاپیش نوشته‌اند همخوانی داشته باشد. موارد زیر عناصر این مصاحبه‌های نمایشی و از پیش نوشته شده را توضیح می‌دهد.

سوال و جواب

یک ویژگی مهم در ضبط اعترافات اجباری این است که هم سئوال و هم جواب توسط مصاحبه کنندگان تعیین شده‌اند. هانیه فرشی، فرزانه جلالی و میثم آل‌مهدی نحوه ضبط اعترافات خود را به شیوه‌ای مشابه توصیف کرده‌اند. هر سه گفته‌اند که یک وایت برد پشت دوربین، جلوی آن‌ها بوده که بازجوها پیشاپیش پاسخ تمام سئوال‌ها را روی آن نوشته بودند.

اغلب مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که مجبور بوده‌اند یک یک پاسخ‌ها را حفظ کنند و آنقدر تمرین کنند که بتوانند آنها را به شکلی طبیعی و با کلمات خودشان بازگو کنند. جریان ضبط اعترافات چندین بار قطع شده و آنقدر این کار تکرار می‌شده که بازجوها و یا گزارشگران صدا و سیما از «پاسخ دادن طبیعی» بازداشتی‌ها به سئوالات راضی باشند.

---

۱۴۴. مصاحبه اختصاصی با عدالت برای ایران، ۱۳۹۱

۱۴۵. Amnesty International, Iran: Cruel campaign to extract propaganda 'confessions' from protesters against compulsory veiling, 15 July 2019.

تمام مصاحبه‌شوندگان تایید کرده‌اند که بازجوها از آنها خواسته‌اند به جرایمی که هیچ‌گاه مرتکب نشده‌اند اعتراف کنند و غیرممکن بودن ارتکاب این جرایم توسط آنها برای بازجوهایشان روشن بوده است. هانیه فرشی می‌گوید: بازجویم از من خواست جلوی دوربین بگویم که به اسرائیل رفته‌ام و آنجا برای براندازی جمهوری اسلامی آموزش دیده‌ام. مشخص بود که چنین چیزی حقیقت ندارد چون من هیچ وقت در عمرم از کشور خارج نشده‌ام و خودشان این موضوع را می‌دانستند.

یک بار دیگر از من خواستند که بگویم با بهرام مشیری، مجری تلویزیونی که در آمریکا زندگی می‌کند، رابطه نزدیک داشتم. از آنها پرسیدم وقتی من ایرانم و او در آمریکاست، چطور چنین چیزی ممکن است؟

این شهادت‌ها نشان می‌دهد که اعترافات تلویزیونی کاملا براساس سناریوهای ساختگی هستند و ارتباطی با مدارک موجود و یا فعالیت‌های واقعی بازداشت‌شدگان ندارند.

بررسی موردی: ترور دانشمندان هسته‌ای

یکی از تازه‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین موارد اعتراف‌گیری برحسب سناریوهای ساختگی مربوط به ۱۸ نفری می‌شود که به ترور دانشمندان هسته‌ای متهم شده بودند. اهمیت منحصر به فرد این مورد در این است که مقام‌های ایرانی در نهایت مجبور شدند اذعان کنند که کل این مورد یک سناریوی ساختگی بود که برای کاهش فشار سیاسی بر سرویس‌های امنیتی ایران تهیه شده بود.

در اسفند ۹۱ دادستان کل ایران گفت ۱۸ نفر که دانشمندان هسته‌ای ایران را ترور کرده‌اند به همکاری با ماموران آمریکا و اسرائیل متهم شده‌اند.[۱۴۶] در میان آنها مجید جمالی فشی جوان ۲۴ ساله‌ای بود که نهایتا در دادگاه مجرم شناخته شد و به مرگ محکوم شد. آقای فشی در ۲۶ اردیبهشت ۹۱ به دار آویخته شد.[۱۴۷]

در ۱۵ مرداد ۹۱ کانال یک صدا و سیمای ایران برنامه‌ای به نام کلوپ ترور را پخش کرد که در آن ۱۳ زندانی، ۸ مرد و ۵ زن به نقش خود در ترور دانشمندان هسته‌ای بین سال‌های ۸۹ تا ۹۱ اعتراف کردند. این زندانیان در عین حال اعتراف کردند که توسط سی.آی.ای و موساد استخدام شده‌اند و بیشتر آنها اعتراف کردند که توسط نیروهای اسرائیلی برای انجام این ترورها «آموزش ویژه» دیده‌اند.

در ۱۲ مرداد ۹۸ ، بی بی سی فارسی در گزارشی تکان‌دهنده از جزئیات این پرونده و شکنجه شدید زندانیان و اجبار آنها به اعتراف گزارش داد.[۱۴۸] یکی از این قربانیان به نام مازیار ابراهیمی به بی‌بی‌سی فارسی گفت ماموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران او و ۱۱ نفر دیگر را شکنجه داده‌اند تا در برابر دوربین‌های تلویزیون اعتراف کنند که با همکاری با آمریکا و اسرائیل یک دانشمند هسته‌ای را ترور کرده‌اند.

---

۱۴۶. بیانیه دادستانی ایران را در اینجا ببینید: https://www.radiofarda.com/a/f10-tehran-prosecutor-says-18-people-arrested-over-nuclear-scientists-assassination/24931173.html

۱۴۷. ایران «جاسوس موساد» مجید جمالی فشی را به جرم قتل دانشمندان هسته‌ای اعدام کرد، دونالد مک‌اینتایر، ایندیپندنت، ۱۶ ماه مه ۲۰۱۲: https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iran-hangs-mossad-spy-majid-jamali-fashi-for-killing-scientist-7754332.html

۱۴۸. آزادی متهمان قتل دانشمندان هسته‌ای:معجزه یا بی‌گناهی؟، ژیار گل، بی‌بی‌سی فارسی، ۵ اوت ۲۰۱۹: http://www.bbc.com/persian/iran-49221220

ابراهیمی شیوه‌های شکنجه شدید توسط ماموران اطلاعات را برای اعتراف‌گیری توضیح داد. این اعترافات بعد از حدود یک ماه تا ۴۰ روز شکنجه گرفته‌شدند. «پس از تنها ده ضربه کابل به کف پایم، پایم شکست. در این مدت حدود بیش از ۶۰۰ ضربه کابل رو پای شکسته تحمل کردم. ۷ ماه با دستبند در سلول انفرادی بودم. مهره‌های پشتم خم شده‌اند. برای رهایی از شکنجه حاضر بودم هر اتهامی آقایان می‌گفتند قبول کنم.»[۱۴۹]

ابراهیمی که حالا در آلمان زندگی می‌کند می‌گوید بعد از دوسال و پس از اینکه یک نهاد اطلاعاتی دیگر، یعنی سازمان اطلاعات سپاه، در جریان تحقیقاتی متوجه شد که پرونده آنها توسط وزارت اطلاعات ساخته و پرداخته شده، او و زندانیان دیگر آزاد شدند.

حتی پس از اعتراف به ترور دانشمندان هسته‌ای، ابراهیمی هنوز شکنجه می‌شد و تحت فشار بود که مسئولیت یک پرونده حل نشده دیگر مربوط به انفجار در موشک‌سازی ملارد را هم بر عهده بگیرد. او در عین حال تحت فشار بود که اعتراف کند همراه با پسران دو مقام عالی رتبه، هاشمی رفسنجانی و امامی کاشانی به اسرائیل سفر کرده است.

در طول تحقیقات سازمان اطلاعات سپاه درباره انفجار در ملارد، بازجویان سپاه پاسداران متوجه تناقض‌های جدی در اظهارات مازیار ابراهیمی و حقایق پرونده شدند. ابراهیمی می‌گوید: «مامور سپاه از من درباره انفجار ملارد پرسید و من هم همانطور که بهم گفته بودند اعتراف کردم که من بمب را از طریق یک دستگاه کنترل از راه دور منفجر کرده‌ام. مامور پرسید که موقع انفجار بمب کجا بودم و من گفتم پشت نرده. از جا پرید و شروع کرد به داد زدن. گفت تا ۲۵ کیلومتری محل انفجار یک پنجره سالم نمانده و تو پشت نرده بودی و حتی پرده گوشت هم آسیب ندیده؟ اینجا چه خبر است؟ اینجا بود که من تمام شجاعتم را جمع کردم و گفتم شکنجه شده‌ام.»[۱۵۰]

پس از این اتفاق شکنجه ابراهیمی متوقف شد. او را به بخش عمومی منتقل کردند و بعضی مقام‌های عالیرتبه برای ملاقات او به زندان آمدند. حتی پس از آنکه بیگناهی او ثابت شده بود، او ۲۶ ماه دیگر را هم در زندان ماند. ابراهیمی می‌گوید وقتی که پرسید چرا آزادش نمی‌کنند جواب مقامات این بود که» به خاطر حفظ اعتبار نظام نمی‌توانیم آزادت کنیم. دست کم هنوز نه.»

وقتی که ابراهیمی سرانجام در سال ۹۴ آزاد شد علیه وزارت اطلاعات، صدا و سیما، روزنامه کیهان و جام جم شکایت کرد. او جواب محمد شهریاری، مقام قضایی مسئول پرونده را اینگونه بازگو می‌کند.» وقتی شکایت کردم گفت چی داری می‌گی؟ برو خدا را شکر کن که هنوز زنده‌ای. من مرتب تحت فشارم که چند نفرتان را دار بزنم تا خانواده شهدا راضی شوند.» ابراهیمیدر مصاحبه‌اش با بی بی سی اشاره می کند که پس از پخش اعترافاتش از تلویزیون مادرش دو بار سکته کرده است.

علی ربیعی، سخنگوی دولت در واکنش به گزارش بی‌بی‌سی فارسی در۱۹ مرداد ۹۸ حرف‌های مازیار ابراهیمی درباره پرونده‌سازی علیه او، شکنجه و وادار کردنش به اعتراف به ترور دانشمندان هسته‌ای را تایید کرد. اگرچه وزیر اطلاعات پیشتر وعده داده بود که این پرونده را توضیح خواهد داد هنوز هیچ توضیحی در این خصوص ارائه نشده است.

---

۱۴۹. ، مصاحبه با مازیار ابراهیمی
https://www.youtube.com/watch?v=2Oa_u6pIlcE&feature=youtu.be

۱۵۰. همان

واقعیت دیگری که وجود سناریوی از پیش تعیین‌شده پشت این اعترافات اجباری را تایید می‌کند این است که بازجوها یا کارکنان صدا و سیما تلاش می‌کنند تمام جنبه‌های سمعی و بصری اعترافات ضبط شده، از جمله مکان و ظاهر بازداشت شدگان را کنترل کنند.

سپهر ابراهیمی می‌گوید از او خواسته‌اند پیش از ضبط اعترافات موهایش را کوتاه کند و ریشش را بتراشد. در فرهنگ اسلامی ریش نشانه ایمان است. به همین دلیل هم سپهر ابراهیمی که قرار بود به فعالیت‌های ضداسلامی اعتراف کند بهتر بود کمترین شباهت را به یک مسلمان با ایمان داشته باشد.[۱۵۱]

هانیه فرشی درباره کنترل ظواهر او در برابر دوربین توسط مقام‌ها می‌گوید: « وقتی که مرا برای ضبط اعترافات بردند، چادر سرم بود، بازجو گفت که چادر را بردارم و به جایش روسری سر کنم. در عین حال گفت که بخشی از موهایم را هم بیرون بگذارم.»[۱۵۲]

در اینجا هم قصد بازجوها این بوده که ظاهر بازداشتی را کنترل کنند تا مطمئن شوند هیچ شباهتی میان او و زنان با ایمان مسلمان وجود ندارد. در بسیاری موارد از بازداشتیان مرتبا خواسته می‌شود که در طول اعترافات لبخند بزنند و ظاهری آرام و خوشحال را به نمایش بگذارند. اگر فرد اعتراف کننده اخم کند و یا صورتی خسته داشته باشد ضبط اعترافات را تکرار می‌کنند و بازداشتی را برای به نمایش گذاشتن چهره‌ای پرانرژی یا آرام تحت فشار می‌گذارند.

تمام مثال‌های بالا نشان می‌دهد که بازجوها و یا کارکنان صدا وسیما تلاش می‌کنند تمام عناصر را در ضبط اعترافات کنترل کنند تا مطمئن شوند همه چیز مطابق با سناریوی از پیش تعیین شده جلو می‌رود. در این سناریوها، بازداشتی اعتراف‌کننده صرفا هنرپیشه‌ایست که آنها کارگردانی می‌کنند. چنین تاکیدی بر کنترل تک تک عناصر و عوامل در ضبط اعترافات نشان می‌دهد که درست برخلاف ادعای بازجوها، اعترافات اساسا برای نمایش عمومی ضبط می‌شوند و تمام جزییات آن برای پشتیبانی از روایتی آماده شده که بازجوها و کارکنان صدا و سیما به دنبال تثبیت کردن آن هستند.

۳-۴. افترا

هدف نهایی دستگاه رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران افترا زدن و بی‌اعتبار کردن مخالفانش است. در واقع سایر محتواهای به دست آمده (اطلاعات خصوصی و اعترافات اجباری) همه اغلب در خدمت همین هدف نهایی هستند.

تحلیل بیش از ۱۴۸ برنامه افتراآمیزی که بین سال‌های ۸۸ تا ۹۸ پخش شده چندین الگو را هویدا می‌کند که در تمام این برنامه‌ها مشترک هستند. از طریق این الگوهاست که این برنامه‌ها به یکدیگر مرتبط می‌شوند و به عنوان قطعات یک پازل یک کلان‌روایت را در جنگ خیر و شر می‌سازند: یک کشور خیراندیش و مستقل که در جنگی دائمی با ابرقدرت‌های بدنهاد و نوکران فاسد، خود فروخته و شیطانی بی‌شمارشان قرار دارد.

هدف این کلان‌روایت گسترش وحشت اجتماعی است که جهان را در حال نقشه کشیدن علیه امنیت، تمامیت ارضی و ارزش‌های جامعه ایرانی به تصویر می‌کشد. مفهوم دشمن خارجی ای که به دنبال اعمال نفوذ در ایران و به بند کشیدن ایرانیان است ریشه در انقلاب ۱۳۵۷ ایران و برخی رویدادهای تاریخی قرن بیستم دارد.

یکی از خواسته‌های اصلی در انقلاب ۵۷ «استقلال» بود. اگرچه ایران هیچگاه مستعمره نبوده، یکی از قوی‌ترین مباحث در مرکز انقلاب ۵۷ مبارزه با امپریالیسم بود که شاه را نوکر آمریکا و ابرقدرت‌های غرب تصویر می‌کرد. رویدادهایی چون اشغال ایران توسط بریتانیا و شوروی در سال ۱۹۴۱ و بحبوحه جنگ جهانی دوم در کنار کودتای سال ۱۹۵۳ علیه دولت مصدق به رهبری آمریکا خواست ایران مستقل و خودمختار را تقویت کرد. جمهوری اسلامی با استفاده از این رویدادها فعالانه بستر گفتمانی را ایجاد کرده که جمهوری اسلامی را به عنوان نظامی مستقل به تصویر می‌کشد که دائما در حال مقاومت در برابر خصومت‌های دشمنان خارجی و ماموران داخلی آنهاست و هرگونه انتقاد بین‌المللی یا کنش‌گری داخلی بلافاصله به عنوان تلاشی برای تضعیف استقلال و عزت ایران برچسب می‌خورد.

---

۱۵۱. مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

۱۵۲. مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

در میانه این گفتمان اصلی «کشور مستقل و دشمنانش» مفاهیم دیگری مثل «نفوذ»، «فتنه»، «تهاجم فرهنگی»، «جنگ نرم» و «جنگ‌های نیابتی» نیز به وجود آمدند. عبارت «تهاجم فرهنگی» در اواخر دهه شصت توسط رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه‌ای استفاده شد و بلافاصله به اسم رمزی برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب بی‌رحمانه نویسندگان، هنرمندان، روشنفکران، و در عین‌حال اعمال محدودیت شدید بر انتخاب‌های فرهنگی و ظواهر نسل جوان‌تر تبدیل شد.

این اصطلاح بعد از سال ۸۸ با کلمه «نفوذ» جایگزین شد، عبارت تازه‌ای که دوباره راه را برای موج جدیدی از محدودیت‌های تازه، سرکوب و تعقیب هموار کرد. جمهوری اسلامی به منظور مستقر کردن و جا انداختن چنین گفتمانی، دوگانه‌ی «کشور مستقل با حمایت عمومی» و «مزدوران وابسته و فاسد با حمایت مالی و رهبری خارجی« را ساخته است.

این دوگانه در کانون تمام برنامه‌های افترا زننده ای است که صدا و سیمای جمهوری اسلامی علیه مخالفانش پخش می‌کند. سناریوهایی که اساس اعتراف‌ها و اقرارهای اجباری بازداشتیان هستند با همین دوگانه منطبقند. مفهوم «کشوری که در وضعیت دائمی جنگ با نیروهای خارجی و نفوذی‌های آنهاست» به ادامه وضعیت اضطراری در کشور کمک می‌کند. در همین وضعیت است که اکثر ضمانت‌های قانونی و حقوق بشری یا نادیده گرفته می‌شوند و یا به حالت تعلیق درمی‌آیند.

جمهوری اسلامی ایران با این استراتژی قادر است بستری که در آن پیام مخالفان به مردم می‌رسد را کنترل کند. به معنای دیگر بی‌اعتبار کردن گفتمان مخالفان با افترا زدن به آنها، از سد کردن راه ارتباط آنها با جامعه آسانتر خواهد بود.

تعداد قابل توجهی از روزنامه‌نگاران مطرح و کنشگران ایرانی در پی اعتراضات بعد از انتخابات ۸۸ و پس از سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات اواخر سال ۹۶ مجبور به ترک ایران و زندگی در خارج از کشور شدند . آنها در حال حاضر از طریق تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی از مبارزه ایرانیان برای آزادی و پیشرفت، به مبارزه خود ادامه می‌دهند. جمهوری اسلامی نمی‌تواند مستقیما صدای این عده را در خارج از کشور خاموش کند، اگرچه فهرست بلند طرح‌های موفق و ناموفق حکومت برای ترور این مخالفان نشان می‌دهد که قطعا تلاش زیادی برای این کار می‌کند. [۱۵۳]

با این حال کارزارهای تخریب جمهوری اسلامی نشان داده که می‌تواند ابزار رایج‌تری برای منزوی و بی‌اعتبار کردن مخالفان در داخل و خارج از ایران باشد. حکومت با این کارزارهای تخریبی، و برچسب زدن و طبقه بندی کردن مخالفان، به دنبال کنترل و بی‌اثرکردن گفتمان آنهاست. این برچسب‌ها غالبا در برنامه‌های مملو از افترای تلویزیون آنقدر منعکس می‌شوند که درنهایت مخاطبان، مخالفان را با این برچسب‌ها مرتبط می‌بینند. این برچسب‌های افتراآمیز در عین‌حال مخالفان را به واکنش و دفاع از خود در برابر این اتهامات وادار می‌کند. کاری که زمان و انرژی قابل توجهی را که می‌توانست به کنشگری صرف شود از مخالفان می‌گیرد.

جمهوری اسلامی با تصویر کردن کردها و یا ترک‌ها به عنوان تجزیه‌طلب، جا انداختن اعراب به عنوان اسلام‌گرایان افراطی و معرفی کردن حامیان حقوق بشر به عنوان مزدوران کشورهای خارجی و دوتابعیتی‌ها به عنوان جاسوس پیش از هرچیز تلاش می‌کند میان کنشگران و جامعه مدنی اختلاف ایجاد کند و هزینه سیاسی همکاری آنها با یکدیگر را بسیار بالا ببرد. در درجه دوم جمهوری اسلامی تلاش می‌کند فضای خصمانه‌ای را فراهم کند که در آن پیام مخالفان، قدرت پیشی گرفتن از این برچسب‌های افتراآمیز را نداشته باشد.

حکومت برای جا انداختن این برچسب‌های تفرقه‌برانگیز از مذهب، فرهنگ، قومیت، نژاد، و به ویژه حساسیت‌های ملی استفاده می‌کند تا بتواند احساسات و پیش‌داوری‌های مردم را علیه مخالفان خود دستکاری کند.

فصل مشترک اغلب این برچسب‌های افتراآمیز تکیه بر وحشت ملی‌گرایانه از نقشه‌ای است که به دنبال متلاشی کردن کشور به رهبری و عاملیت نیروهای خارجی و عوامل نفوذی داخلی و مزدوران آنهاست. این مفهوم کانونی آنجا که به اهداف مورد نظر حکومت مرتبط است در شکل‌های مختلفی متبلور می‌شود: جدایی‌طلبان تروریست با حمایت مالی کشورهای غربی، تروریست‌های سنی که از کشورهای عرب پول می‌گیرند، جاسوس‌هایی که برای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی کار می‌کنند، نفوذی‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی و غیره...

---

۱۵۳. تازه ترین تلاش برای ترور فعالان ایرانی توسط جمهوری اسلامی در آلمان ، هلند و دانمارک رخ داد که منجر به قرار گرفتن بخش هایی از وزارت خارجه و وزارت اطلاعات ایران در لیست مجازات های اتحادیه اروپا شده است. برای گزارش مفصلی از سوابق جمهوری اسلامی در مورد تروریسم دولتی ببینید:
https://www.aasoo.org/fa/articles/1807

روز ۱۱ دی ۹۷ تلویزیون رسمی جمهوری اسلامی برنامه‌ای را درباره فعالان حقوق زن و به اصطلاح «نفوذ» از طریق جنبش زنان پخش کرد.[۱۵۴] این برنامه شادی صدر، فعال حقوق بشر و بنیان‌گذار سازمان عدالت برای ایران را به جاسوسی، سازماندهی راهپیمایی‌های غیرقانونی، گسترش افکار ضد اسلامی و ضد نظام در میان زنان و کار برای سرویس‌های امنیتی خارجی به واسطه سازمان‌ها و شرکت‌های صوری متهم کرد. این برنامه مدعی شد که شادی صدر از سازمان هیفوس برای «کارزار آزادی هم‌جنس‌گرایی» ۱۸۰ هزار پوند دریافت کرده است.[۱۵۵]

شادی صدر در این برنامه در عین حال متهم شد که با «جدایی‌طلبی، تجزیه کشور و تروریسم مشکلی ندارد و زنان را به پیوستن به گروهی تروریستی دعوت کرده است.» این برنامه بدون اجازه از تصاویر جلسه خصوصی‌ای استفاده کرد که شادی صدر در آن صحبت می‌کرد. احتمال دارد این تصاویر از متعلقات توقیف شده فعالانی به دست آمده باشد که در آن جلسه شرکت داشته‌اند و بعدها دستگیر شدند.

شایان ذکر است که پرس تی‌وی پیش از این هم شادی صدر را با اتهامات سنگین و افتراآمیزی هدف گرفته است. در ۸ اسفند ۹۲، پرس تی‌وی مقاله‌ای با عنوان «شادی صدر، خائنی در لباس یک فعال حقوق‌بشر» روی وب‌سایت خود منتشر کرد. پرس تی‌وی با تحریف متن فیسبوکی کوتاه خانم صدر که به زندگی سخت و نارضایتی مردم خوزستان و سوءاستفاده از آنها توسط دولت مرکزی اشاره داشت، مدعی شد شادی صدر خواستار «جدا کردن استان غنی و حاصلخیز خوزستان از کشور شده است.»[۱۵۶]

در این مقاله از قول یک کارشناس بدون‌نام، شادی صدر و فعالیت‌هایش بخشی از یک کارزار تازه برای ایجاد تنش قومی در ایران برچسب خورده است. این مقاله در عین‌حال بدون ارائه هیچ‌گونه مدرکی برای اثبات ادعای خود شادی صدر را «آدم‌کش سرویس‌امنیتی بریتانیا در ایران» می‌خواند.[۱۵۷]

این مقاله، اتهامات و برچسب‌های توهین‌آمیز دیگری را هم از سوی حمیدرضا عمادی، یکی از مدیران پرس تی‌وی در پی داشت که در یک برنامه تلویزیونی شادی صدر را خائن، جاسوس و «نماینده سرویس جاسوسی بریتانیا برای تحریم رسانه‌های ایران» خواند. در نتیجه این کارزار تخریب، تهدیدها، توهین‌ها و مقالات افتراآمیز دیگری در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت علیه صدر منتشر شد.

به جز استراتژی که در بالا اشاره شد، برنامه‌های افتراآمیز کاربردهای دیگری هم دارند. این برنامه ها در آماده‌کردن افکار عمومی برای موج‌های تازه سرکوب نقش مهمی دارند و ابزاری برای توجیه برخی اقدامات قضایی یا فراقضایی سئوال برانگیز هستند.[۱۵۸] یکی از نمونه‌های بارز استفاده از کارزار تخریب برای توجیه اقدامات غیرقانونی حکومت مربوط به کاووس سیدامامی، فعال محیط زیست است. کاووس سید امامی یک آکادمیسین ایرانی کانادایی، فعال برجسته محیط زیست و بنیان‌گذار بنیاد میراث حیات وحش پارسیان بود که در ۴ بهمن ۹۶ به ظن جاسوسی دستگیر شد.

در ۱۹ بهمن ۹۶ عباس جعفری دولت‌آبادی خبر مرگ آقای سید امامی را در زندان اعلام کرد و به رسانه‌ها گفت: « او یکی از متهمان در پرونده جاسوسی بوده و با توجه به این‌که می‌دانسته است اعترافات زیادی هم علیه وی شده و هم خود اعترافاتی داشته، متاسفانه در زندان دست به خودکشی زده است.»[۱۵۹]

---

۱۵۴. برنامه را در اینجا ببینید :
http://www.doctv.ir/programs/10402-%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D-B%8C%D8%AF-4

۱۵۵. همان

۱۵۶. پیوست شماره ۵ را ببینید.

۱۵۷. همان

۱۵۸. ترور اخیر احمد نیسی در هلند و حکم بازداشت اینترپل برای دستگیری یکی دیگر از فعالان عرب و اهوازی در لهستان نمونه بارز اقدامات فراقضایی جمهوری اسلامی است. به نام این دو فعال در چندین برنامه پخش شده توسط کانال انگلیسی صدا و سیمای ایران یعنی پرس تی‌وی اشاره شده و و در این برنامه ها این دو فعال متهم به سازماندهی ترور در داخل ایران شده‌اند. برای اطلاعات بیشتر ببینید:
https://www.theguardian.com/world/2019/jan/08/iran-behind-two-assassinations-in-netherlands-minister

۱۵۹. Reuters, Iran says Canadian-Iranian committed suicide in jail; more arrests expected, 11 February 2018, https://af.reuters.com/article/worldNews/idAFKBN1FV0Q1

چند روز بعد در روز ۲۴ بهمن ۹۶، برنامه خبری بیست و سی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران گزارش ویژه‌ای پخش کرد[۱۶۰] که در آن ادعا شده بود آقای سید امامی جاسوس، و در ارتباط مستقیم با سی.آی.ای بوده و در پی آن نتیجه گرفت که خودکشی کردن او برای محفوظ نگاه‌داشتن اطلاعات حساس مربوط به این شبکه جاسوسی در ایران بوده است.

در این برنامه عکس‌های خانوادگی و خصوصی آقای سید امامی و خانواده‌اش در کنار فیلم‌های ویدیویی از میهمانی‌های خانوادگی آنها پخش شد. اسناد و مکاتباتی که از حساب‌های آقای سید امامی بدون اجازه او استخراج شده بود به نمایش گذاشته شد. برای» اثبات» ارتباط آقای سید امامی با سرویس‌های امنیتی خارجی یک ای‌میل بین آقای سید امامی و دوست او به نام دیوید در این برنامه به نمایش درآمد.

این برنامه در عین حال اظهارات برادر آقای سید امامی را نشان داد که او در آن می‌گوید جسد برادرش را دیده و معتقد است که برادرش خودکشی کرده است. از آن زمان خانواده آقای سید امامی شکایتی را علیه صدا و سیمای ایران به دادگاه برده‌اند که در آن گفته‌شده مقام‌های ایران چند روز پیشتر زمانی که به خانه برادر آقای سید امامی یورش برده‌اند او را تحت فشار گذاشته‌اند تا این ویدیو را ضبط کند. تا زمان انتشار این گزارش دادگاه هنوز به این شکایت رسیدگی نکرده، هیچ گزارش علنی از تحقیق درباره مرگ آقای سید امامی در زندان یا اتهاماتی که از سوی صدا و سیمای ایران علیه او مطرح شده منتشر نشده است. مورد آقای سید امامی یک نمونه از استفاده از برنامه‌های افتراآمیز به عنوان توجیه یا سرپوش گذاشتن بر تخلفات حکومت است. این مورد در عین حال یکی از بارزترین مثال‌های نقض حق اصل برائت است.

شایان ذکر است که این برنامه‌های افتراآمیز و عملیات اطلاعاتی مرتبط با آنها ذاتا چندکارکردی هستند. کارزارهای تخریب علیه روزنامه‌نگاران، کنشگران و نمایندگان جامعه مدنی تقریبا همیشه هم ارزش سیاسی و هم پروپاگاندایی داشته‌اند. از یک سو این برنامه‌ها، همانطور که پیشتر اشاره شد، بخشی از کارزار پروپاگاندای حکومتند و از سوی دیگر گاهی ابزار رقابت داخلی میان جناح‌های مختلف در ساختار قدرت جمهوری اسلامی.

بهترین و متقدم‌ترین نمونه این چند کارکردی بودن برنامه‌های افتراآمیز کنفرانس سه روزه «ایران بعد از انتخابات» است که در اردیبهشت ۷۹ توسط بنیاد هاینریش بل درباره اصلاحات در ایران برگزار شد. این کنفرانس که به کنفرانس برلین مشهور است، بعد از پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان در انتخابات پارلمانی ایران، در برلین آلمان برگزار شد و سخنرانان و شرکت کنندگان روشنفکران برجسته اصلاح‌طلب و حامیان دولت اصلاح‌طلب بودند. این کنفرانس با مخالفت گسترده کنشگران تبعیدی ایران در خارج از کشور روبرو شد که وارد محل برگزاری کنفرانس شدند و علیه شرکت‌کنندگان و جمهوری اسلامی اعتراض کردند. در این کنفرانس یک مرد که به نشانه اعتراض برهنه شده بود نشانه‌های شکنجه روی بدن خود را نشان داد و برخی از معترضان دیگر شروع به رقص در محل کردند.

ده روز بعد صدا و سیمای ایران برنامه‌ای درباره این کنفرانس پخش کرد که تصاویر ادیت شده آن از جمله رقص زنان و برهنه شدن یک مرد را در کنار بخش‌هایی از سخنرانی‌ها و شعارهای ضد جمهوری اسلامی به تصویر می‌کشید.[۱۶۱] روز بعد رهبر جمهوری اسلامی ایران این کنفرانس را توطئه‌ی سازمان‌یافته آلمان علیه ایران خواند. خیلی زود تظاهراتی گسترده در شهر مذهبی قم و سایر شهرهای کشور سازمان‌دهی شد که این کنفرانس را به بحرانی سیاسی برای دولت اصلاح طلب تبدیل کرد. در پی این اعتراضات، تمام شرکت‌کنندگان در کنفرانس به توطئه علیه امنیت ملی متهم شدند. با وجود این در میان شرکت کنندگان تنها سیاستمداران برجسته اصلاح‌طلب که با دولت رابطه مستقیم داشتند به زندان‌های طولانی مدت محکوم شدند. این پروژه نه تنها طیف گسترده‌ای از روشنفکران و مخالفان را خاموش کرد بلکه تاثیری ویران‌گر بر دولت اصلاح‌طلب داشت.

دو تابعیتی‌ها

در دو دهه اخیر و با متمرکز شدن جامعه بین المللی بر ایران، این برنامه‌های افتراآمیز هدف تازه‌ای پیدا کرده‌اند: دوتابعیتی‌هایی که برچسب جاسوسی می‌خورند. هدف گرفتن دو تابعیتی‌ها نه تنها کارکردهای پیشتر مطرح شده را دارد بلکه به عنوان یک ابزار فشار دیپلماتیک و چانه‌زنی نقش مهمی در روابط خارجی حکومت ایفا می‌کند. پرونده‌سازی برای این افراد به حکومت کمک می‌کند که روایتی را برای مخاطبان بین‌المللی خود جا بیندازد که در آن جمهوری اسلامی قربانی توطئه‌ای جهانی و هدف شبکه‌های

---

۱۶۰. بیست و سی یک بولتن خبری سیاسی است که از شبکه داخلی صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود. این برنامه فعال ترین بخش صدا و سیما در پخش برنامه‌های اعتراف‌های اجباری و برنامه‌های افتراآمیز بوده است.

۱۶۱. درباره این برنامه و شرکت‌کنندگان اینجا بیشتر بخوانید:
http://kadivar.maktuob.net/archives/2007/04/26/829.php

جاسوسی بین‌المللی است.

مورد جیسون رضاییان، خبرنگار خبرگزاری رویترز،[۱۶۲]ژیو وانگ آکادمیسین آمریکایی،[۱۶۳]متی والوش، تاجر اسلواک[۱۶۴] و بسیاری دیگر از شهروندان خارجی یا دوتابعیتی که در ایران دستگیر شده‌اند می‌تواند از همین منظر بررسی شود. تا دی ماه ۹۷ دست کم ۳۰ دو تابعیتی از جمله نازنین زاغری– راتکلیف در ایران زندانی شده اند[۱۶۵] که اغلب با اتهامات مرتبط با امنیت ملی از جمله جاسوسی صورت گرفته است.[۱۶۶]

نه انگیزه یا طرح پشت پرده دستگیری این دوتابعیتی‌ها یکسان است و نه سازمان‌هایی که پشت این دستگیری‌ها قرار دارند. در حالی که بسیاری از این زندانیان در واقع قربانی دیپلماسی گروگان‌گیری هستند که حکومت ایران از زمان اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ به کارگرفته، بسیاری دیگر صرفا قربانی رقابت‌های سیاسی داخلی در جمهوری اسلامی هستند. با وجود این همه در نهایت به نوعی در دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی مصرف می‌شوند.

در شهریور سال ۹۷ فیلم پروپاگاندایی غیر عادی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد که از شکافی عمیق میان سازمان‌های اطلاعاتی موازی کشور پرده برمی‌داشت. این مستند این فرضیه را تقویت کرد که دوتابعیتی‌ها ممکن است قربانی جنگ قدرت داخلی باشند. این فیلم که به سبک مستندگونه‌ای توسط بازوی اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تولید شده است برای نمایندگان مجلس به نمایش گذاشته شد و پس از آن در اینترنت پخش شد. این فیلم بر دستگیری عبدالرسول دری اصفهانی، شهروند ایرانی– کانادایی و عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران متمرکز است که به جرم جاسوسی زندانی شده بود.[۱۶۷]

این فیلم در حالی در شهریور ۹۷ توسط یکی از نمایندگان مجلس علنی شد که در مهر ۱۳۹۶ وزیر اطلاعات ایران در بیانیه‌ای تصریح کرده بود که آقای دری جاسوس نیست. اگرچه پیش از این هم گزارش‌هایی از درگیری میان دو سازمان اطلاعاتی موازی گزارش شده بود این اولین بار بود که دو سازمان علنا ادعاهای یکدیگر را به چالش می‌کشیدند. حتی حسام‌الدین آشنا، مشاور ارشد رسانه‌ای حسن روحانی هشدار داد که این «اقدام بسیار خطرناک» توجه عمومی را به «رقابت‌های میان سازمانی»، بین دو سازمان اطلاعاتی موازی جلب کرده است.[۱۶۸]

این فیلم از نظر ترکیب همه انواع محتواهای بررسی شده در این گزارش، یعنی اطلاعات خصوصی، اعترافات اجباری و اتهامات دروغ و افترا منحصر به فرد است. فیلم حاوی عکس‌های خصوصی آقای دری، رسیدهای مالی او و اعترافاتش است که در آنها می‌گوید با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا ارتباط دارد و بابت کارهایش از آنها مزد می‌گیرد. این فیلم در عین‌حال نشان می‌دهد که پروپاگاندای افترازننده‌ای که علیه دوتابعیتی‌ها وجود دارد ممکن است از رقابت‌های سیاسی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی برخاسته باشد.[۱۶۹]ریچارد راتکلیف، همسر نازنین زاغری که پرونده‌اش در میان دوتابعیت‌های دستگیر شده در ایران بیشترین پوشش

---

۱۶۲. ۵۴۴ روز زندان جیسون رضاییان: آنها به من دست نزدند اما شکنجه شدم، جولین بورگر، گاردین، ۱۸ فوریه ۲۰۱۹
https://www.theguardian.com/media/2019/feb/18/reporter-jason-rezaian-on-544-days-in-iranian-jail-they-never-touched-me-but-i-was-tortured

۱۶۳. پروفایل وانگ در سایت دانشمندان در مخاطره:
https://www.scholarsatrisk.org/actions/xiyue-wang-iran/#Case%20Information

۱۶۴. درباره شهروند اسلواک بازداشتی اینجا را ببینید:
https://spectator.sme.sk/c/20045811/slovak-detained-in-iran-accused-of-spying-for-cia.html

۱۶۵. برای دیدن پروفایل ۱۷ زندانی دو تابعیتی و شهروند خارجی اینجا را ببینید:
https://iranhumanrights.org/2018/05/who-are-the-dual-nationals-imprisoned-in-iran/

۱۶۶. پیش از نهایی شدن متن این گزارش در آذر ۱۳۹۸ ژیو وانگ با ایرانی زندانی در آمریکا مسعود سلیمانی مبادله شد.

۱۶۷. برای اطلاعات بیشتر ببینید: یک مذاکره کننده هسته‌ای به جرم جاسوسی بازداشت شد، دیپلماسی ایرانی، ۲۷ اوت ۲۰۱۶
http://www.irdiplomacy.ir/en/news/1962621/nuclear-negotiator-arrested-over-espionage-fact-or-fiction-

۱۶۸. نظر آشنا را در مطلب سعید کمالی دهقان با عنوان بازداشت دوتابعیتی‌ها قربانیان ماموران امنیتی ایرانی ببنید: https://www.theguardian.com/world/2018/sep/09/jailed-dual-nationals-may-be-victims-of-iranian-agents-rivalry-row-suggests

۱۶۹. همان منبع

بین‌المللی را داشته نیز این موضوع را تاکید می‌کند.[۱۷۰]

مطالعه موردی: نازنین زاغری راتکلیف

نازنین زاغری راتکلیف شهروند ایرانی بریتانیایی در سال ۱۹۷۸ در تهران به دنیا آمد و مدیر پروژه در بنیاد تامسون رویترز بود. او پیش از پیوستن به بنیاد رویترز[۱۷۱] ۱۸ ماه برای صندوق خیریه مدیا اکشن بی‌بی‌سی کار می‌کرد که یک خیریه توسعه محور بدون فعالیت در ایران است.

در ۲۷ اسفند ۹۴ نازنین زاغری همراه با دختر ۲۲ ماهه‌اش گابریلا به ایران سفر کرد تا خانواده‌اش را برای عید نوروز ببیند. در ۱۵ فروردین ۹۵ او توسط اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فرودگاه امام‌خمینی زمانی دستگیر شد که همراه با دخترش در حال سوار شدن به هواپیما برای ترک ایران به سوی بریتانیا بود.

در چهارم آذر ۱۳۹۶ تلویزیون دولتی ایران برنامه‌ای درباره خانم زاغری منتشر کرد. این برنامه زاغری را متهم کرد که سعی داشته با «نفوذ» در جمهوری اسلامی و از طریق آموزش جاسوس در پوشش برنامه‌های آموزشی برای روزنامه‌نگاران توسط بی‌بی سی فارسی و مرکز آموزش رسانه‌ای، جمهوری اسلامی را ساقط کند. این برنامه به طور مشخص اتهامات دروغ زیر را علیه او مطرح کرد:

- نازنین و همسرش ریچارد جاسوسان بریتانیا هستند.
- نازنین با دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی (سواس) و مرکز مطالعات ایران آن ارتباط دارد.
- نازنین در کانون پروژه ایران بی‌بی‌سی قرار دارد که یک پروژه پنهان اطلاعاتی با اهداف مختلف است.
- پروژه ای که نازنین برای مدیا اکشن بی‌بی سی انجام می‌داد برای آموزش و استخدام نیرو برای بی‌بی‌سی فارسی و شکل‌دهی هسته‌های سایبری داخل ایران بوده است. زیگزاگ[۱۷۲] کسانی را که در این دوره آموزش می‌دیدند استخدام می‌کرد و عده‌ای از آنها نیز برای راه‌اندازی سازمان‌های جاسوسی مثل اسمال مدیا در بریتانیا و بخش دیگر نیز برای تشکیل تیم‌های سایبری در داخل ایران به کار گرفته می شدند. خانم زاغری با به کارگیری این عده وبلاگ‌نویس‌ها و گزارشگران مخالف دولت را رصد می‌کرده، با آنها تماس می‌گرفته و برای آموزش حضوری به خارج از کشور دعوت می‌کرده است.
- نازنین در انتخابات ۸۸ ایران، از فعالان مخالف دولت ایران در لندن بوده است.

در حالی که هیچ مدرک مستدلی برای هیچ‌یک از این اتهامات ارائه نشده، به نظر می‌رسد این اتهامات صرفا برای جا گرفتن در چارچوب یک سناریوی از پیش تعیین شده طراحی شده که می‌خواهد نازنین زاغری را دشمن نظام و جاسوس معرفی کند. به گفته ریچارد راتکلیف، [۱۷۳]همسر خانم زاغری، برخی از این اتهامات بر خانواده‌های دیگری که در شرایط مشابهی قرار دارند و شاهد این ماجرا هستند تاثیر دارد:

> «سطحی برای مزخرفات غیرقابل قبولی که درباره نازنین می‌گویند وجود دارد که در طول زمان افزایش داشته، اغلب به این دلیل که به دولت بریتانیا این پیام را بدهد که تا وقتی که این پرونده را حل نکنند نازنین در این رنج خواهد

---

۱۷۰. ریچارد راتکلیف در مصاحبه با عدالت برای ایران گفته است: «من فکر می کنم نیمی از آنچه سپاه انجام می‌دهد توجیه وجود و عملکرد آنها است. در پرونده‌های دوتابعیتی‌ها، تعدادی از آنها توسط سپاه پاسداران گرفته شده و مواردی نیز توسط وزارت اطلاعات گرفته شده است. و به نظر می‌رسد با دستگیری‌های رقابتی نوعی رقابت برای بودجه وجود دارد - هر کدام ادعا می کنند که مشغول انجام کار بسیار مهمی هستند برای همین است که به دنبال بودجه و منابع بیشتر هستند. می‌گویند «نفوذ» وجود دارد و در مورد مردم داستان‌هایی می‌سازند که منابع مالی‌شان را توجیه کنند. این نوعی بازاریابی عملکردشان است. اما شیوه‌ای برای ترساندن مردمی که برنامه را می بینند و توجیه کنترل سیاسی هم هست.»

۱۷۱. بنیاد توماس رویترز بازوی خیریه سازمان خبری کانادایی رویترز است. این سازمان برای ترویج توسعه اجتماعی اقتصادی و حاکمیت قانون از طریق برنامه‌های آموزشی کار می‌کند و در ایران فعالیتی ندارد.

۱۷۲. زیگزاگ پروژه‌ای بود که به وسیله تراست سرویس جهانی بی‌بی‌سی ایجاد شد و بر اساس گزارش وزارت امور خارجه بریتانیا که سال ۲۰۰۹ منتشر شده به جوانان ایرانی برای بهبود مهارت‌های روزنامه‌نگاری‌شان کمک می‌کرد. این پروژه به جوانان ایرانی امکان می‌داد که برای پلت‌فرم‌های مختلف از جمله بی‌بی‌سی فارسی محتوا تولید کنند.

۱۷۳. در مصاحبه با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

ماند. با وجود این بر تمام خانواده‌های دوتابعیتی دیگر نیز تاثیر دارد، کسانی که تلویزیون‌هایشان را تماشا می‌کنند و می‌گویند «اوه، نمی‌خواهم برای من چنین اتفاقی بیفتد» و آن را نوعی مجازات برای اطلاع رسانی کردن می‌بینند. در نهایت خانواده‌های دیگری هستند که مدت‌هاست در نزدیک شدن به ما احتیاط می‌کنند چرا که وضعیت وحشتناکی است و می‌ترسند دامن‌گیر آنها نیز بشود. در طول زمان، این احتیاط کمتر می‌شود اما یک مبارزه تاکتیکی در جریان است تا کسانی که شناخته‌شده‌ترند رنج عریان‌تری ببرند»[۱۷۴]

در ۲۵ آبان ۱۳۹۶ خبرگزاری رویترز گزارش کرد که بازداشت نازنین زاغری ممکن است به بدهی ۴۰۰ میلیون پوندی بریتانیا به ایران در پی معامله اسلحه‌ای در دهه هفتاد میان دو کشور مرتبط باشد. [۱۷۵]در پنج خرداد ۹۸ روزنامه تایمز نیز تایید کرد که «دولت ایران خواستار آن شده که وزارت دارایی پرداخت از یک شرکت دفاعی را به بانک مرکزی ایران تایید کند.» [۱۷۶] در پنج اردیبهشت ۹۸ وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که اجازه پیدا کرده برای تبادل زندانیان مذاکره کند [۱۷۷]اما دفتر وزارت خارجه بریتانیا این اقدام ایران را «دیپلماسی گروگان‌گیری» خواند.[۱۷۸]

به گفته ریچارد راتکلیف، مقام‌های ایرانی خانواده او را ترغیب کرده‌اند تا دولت بریتانیا را برای انجام این معامله تحت فشار بگذارند و علنا کارزاری به این منظور راه بیندازند. با این حال، وقتی مذاکرات شکست خورد، این نازنین زاغری بود که باید با عواقبش روبرو می شد، ظاهرا به خاطر باور به شکست خوردن خانواده اش در تاثیرگذاری بر دولت بریتانیا.

استفاده از برنامه‌های افتراآمیز به عنوان ابزاری برای توجیه در پرونده یکی دیگر از دوتابعیتی‌ها، احمدرضا جلالی، پژوهشگر ایرانی سوئدی نیز دیده می‌شود. آقای جلالی در مدیریت درمانی در پی سوانح غیرمترقبه تخصص دارد و در دانشگاه‌هایی در سوئد، ایتالیا و بلژیک تدریس کرده است. او در اردیبهشت سال ۹۴ در طول سفرش به ایران دستگیر شد و به ‹همکاری با دولت‌های متخاصم» و جاسوسی متهم شد. این اتهامات به ادعاهایی بازمی‌گشت که جلالی را عامل انتقال اطلاعات به مقام‌های اسرائیل معرفی می‌کردند. در مهر ۱۳۹۶ جلالی گناهکار شناخته شده و به جرم فساد فی‌الارض از طریق جاسوسی به مرگ محکوم شد.[۱۷۹]

در آذر ۱۳۹۶ فیلم ویرایش شده اعترافات جلالی توسط شبکه خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در این تصاویر جلالی سابقه دانشگاهی و پروژه هایی را که در ایران، پیش از ترک کشور انجام داده بود شرح داد. جلالی در عین حال درباره همکاری اش با شرکتی که در زمینه سیستم‌های امنیتی در اتحادیه اروپا فعال بود صحبت کرد. با وجود این، برنامه مزبور این شرکت را یک شرکت صوری برای موساد (سازمان اطلاعات اسرائیل) معرفی کرد. آقای جلالی در اعترافاتش هرگز به موساد یا سازمان اطلاعاتی دیگر و یا به هیچ نوع همکاری یا افشای اطلاعات حساس به چنین سازمان‌هایی اشاره نکرد.

با این حال این برنامه مرتبا فعالیت‌های او را نوعی همکاری با موساد از طریق افشای اطلاعات درباره دانشمندان هسته‌ای ایران عنوان می‌کرد. برنامه سازان تصاویری از کنفرانس‌های علمی آقای جلالی یا ملاقات‌های کاری او را ادیت کرده بودند تا این تصور را ایجاد کنند که ماموران اطلاعاتی ایران او را زیر نظر داشته‌اند. در این برنامه در عین حال پاسخ‌هایی دست نوشته ادعایی آقای جلالی را نشان می داد اما پرسش‌ها مشخص نبودند. یکی از این پاسخ‌ها یک فهرست اسامی بود که از میان انها تنها نام

---

۱۷۴. نقل قول از مصاحبه ریچارد راتکلیف با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

۱۷۵. رویترز: بریتانیا ارتباط بدهی ۴۰۰ میلیون پوندی به ایران و آزادی زندانی ایرانی بریتانیایی را رد کرد. ۱۶ نوامبر ۲۰۱۷
https://uk.reuters.com/article/uk-britain-iran-may-transfer/britain-denies-400-million-debt-to-iran-linked-to-bid-to-free-jailed-aid-worker-idUKKBN1DG1ER

۱۷۶. پرونده نازنین «ارتباط پرداخت ۴۰۰ میلیون دلاری به ایران» جان توماس، تایمز، ۲۶ ماه مه ۲۰۱۹
https://www.thetimes.co.uk/edition/news/nazanin-zaghari-ratcliffes-freedom-depends-on-400m-payment-to-tehran-05rj6flx7

۱۷۷. گزارش رادیو فردا را ببینید: ظریف می‌گوید ما آماده مبادله زندانی با آمریکا هستیم، ۲۵ آوریل ۲۰۱۹:
https://en.radiofarda.com/a/zarif-says-iran-ready-to-swap-prisoners-with-u-s-/29901661.html

۱۷۸. نماینده مجلس از «دیپلماسی گروگان‌گیری» انتقاد، سام ولپ، هم اند های، ۱۴ ماه مه ۲۰۱۹:
https://www.hamhigh.co.uk/news/crime-court/aras-amiri-and-nazanin-zaghari-ratcliffe-mps-slam-hostage-diplomacy-after-second-north-london-woman-jailed-in-iran-1-6048814

۱۷۹. پروفایل عفو بین‌الملل برای جلالی را اینجا ببینید:
https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/0359/2019/en/

دانشمندان هسته‌ای ایران که در سال ۸۹ ترور شده بودند قابل خواندن بود.[۱۸۰] این که این اسامی در پاسخ به چه سئوالی روی کاغذ آمده بودند نشان داده نشد اما راوی برنامه نتیجه گرفت که آقای جلالی اطلاعات دقیقی را از این دانشمندان به موساد داده است. این برنامه همینطور چندین عکس خصوصی و شخصی آقای جلالی، خانواده، دوستان و همکارانش را نشان داد.

به گفته ویدا مهران‌نیا، همسر آقای جلالی، این برنامه پس از آن پخش شد که آقای جلالی از زندان نامه‌ای نوشت که علنا منتشر شد. او در این نامه گفته است که به دلیل خودداری از پذیرش جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود.[۱۸۱] در پی پخش این برنامه آقای جلالی در یک فایل صوتی که پنهانی از زندان خارج شده بود، تمام اتهامات را رد کرد و گفت مصاحبه پخش شده با او ادیت و تحریف شده تا جایی که تنها پاسخ‌های او درباره نوع درخواست‌ها و پیشنهادات کارفرمایان خارجی در آن گنجانده شده و جواب رد او به هرگونه همکاری حذف شده تا روایت را تحریف کنند.[۱۸۲]همچنین در دو نامه سرگشاده از زندان می‌گوید [۱۸۳]که اعترافات از او تحت فشار شدید و در دورانی اخذ شده که او در سلول انفرادی بوده است. آقای جلالی از جمله می‌گوید که او را تهدید کرده‌اند که در صورت عدم همکاری دو فرزند کوچکش را دستگیر می‌کنند و آزار خواهند داد.[۱۸۴]

۱۸۰. برای اطلاعات بیشتر بخش ۲. ۲. ۴ را ببینید.

۱۸۱. نگاه کنید به گزارش کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران:
https://www.iranhumanrights.org/2017/10/swedish-resident-facing-death-penalty-i-was-imprisoned-for-refusing-to-spy-for-irans-intelligence-ministry/

۱۸۲. پیام صوتی را اینجا بشنوید:
http://www.bbc.com/persian/iran-42420204

۱۸۳. متن کامل نامه را اینجا بخوانید:
https://bit.ly/2WPMLs3

۱۸۴. متن کامل نامه را اینجا بخوانید:
https://www.tribunezamaneh.com/archives/148854

۴. پخش اعترافات: تاکتیک‌ها، الگوها و بستر مفهومی

روند پخش اعترافات اجباری، درست مثل روند استخراج این اعتراف‌ها از الگوهای خاص فرمی و ساختاری پیروی می‌کند. اعترافات همیشه یا به عنوان بخشی از یک برنامه مستندگونه پخش می‌شوند و یا به عنوان بخشی از گزارشی ویژه در بولتن‌های خبری به نمایش درمی‌آیند. در هر دو مورد پخش آنها همیشه با روایتی همراه است که بستری برای جا انداختن اعترافات به عنوان مدرک اثبات ادعاها باشد. به عبارت دیگر اعترافات همیشه با تحلیلی همراه است که در اساس به مخاطب دیکته می‌کند چگونه این اعترافات را تفسیر کند و به آنها واکنش نشان دهد.

برنامه‌های مستند گاهی اوقات به شکل سریالی همراه با عنوانی پخش می‌شوند که همین بستر را به تصویر می‌کشد و اغلب به یکی از مفاهیم اصلی مرتبط است که مقام‌های عالیرتبه به ویژه رهبر ایران مرتبا از آن استفاده می‌کنند.[۱۸۵] مثلا یک برنامه با عنوان «هویت» که دو هفته یک‌بار در دهه ۷۰ پخش می‌شد حاوی اعترافاتی توسط روشنفکران، استادان دانشگاه، هنرمندان و نویسندگان بود. برنامه با روایتی آغازمی‌شد که «تهاجم فرهنگی غرب» را بستر مفهومی برنامه قرار می‌داد. مفهومی که توسط علی خامنه‌ای جعل شده بود. در طول بخش‌های مختلف این برنامه، قربانیان به اعتراف درباره نقش خود در توطئه‌های خارجی برای غرب‌زده کردن کشور و تخریب هویت ملی و مذهبی ایرانیان مجبور شده بودند.[۱۸۶] قالب و ساختار برنامه بسیار شبیه موارد پیشتر از آن مانند دادگاه‌های نمایشی سربداران و گروه فرقان است. (به بخش ۱-۱ مراجعه شود).

مجموعه روزانه «خارج از دید» با قالب مشابه اما متن، تدوین و ویژگی‌های تکنیکی پیچیده‌تر، نمونه تازه‌تری است که در دو فصل ده قسمتی در سالهای ۹۷ و ۹۸ از تلویزیون پخش شد. فصل اول «خارج از دید» بر انتخابات سال ۸۸ و مفهوم «فتنه» متمرکز بود که توسط علی خامنه‌ای در ارجاع به اعتراضات پس از انتخابات سال ۸۸ به کار رفت.[۱۸۷] فصل دوم این مجموعه بر کلمه «نفوذ» که بازهم توسط رهبر ایران در ارجاع به مخاطرات بعد از برجام جعل شده بود می‌پرداخت.[۱۸۸]

الگوی این برنامه‌ها نشان می‌دهد که صدا و سیما در همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی و شبه‌نظامی مامور است تا برنامه‌هایی را تولید و پخش کند که ایده‌های رهبر ایران درباره تهدیدهای بالقوه داخلی و خارجی را عینیت ببخشند. به نظر می‌رسد صدا و سیما و سازمان‌های اطلاعاتی مختارند برای رسیدن به این هدف هرچه لازم است برای جعل مدرک و مستندات اثبات وجود این تهدیدها انجام دهند.

مهمترین جنبه سمعی و بصری این برنامه‌ها تلاش قابل توجه برای وانمود کردن اعترافات به عنوان گفتگویی داوطلبانه و دوستانه بین زندانی و بازجو است.

هدف مشخص این برنامه‌ها از نحوه کارگردانی فنی و سمعی و بصری این است که مخاطب باور کند اعتراف کننده تغییر موضع داده و داوطلبانه گذشته خود را محکوم می‌کند. این برنامه ها شبیه به مستند ساخته می‌شوند تا حس اعتبار و تحقیق را به مخاطب القاء کنند. در بیشتر این برنامه‌ها اعترافات در موازات مصاحبه با مقام‌ها پخش می‌شود که اغلب حرف اول و آخر را در این برنامه‌ها می‌زنند.

این برنامه‌ها همیشه در پربیننده‌ترین زمان پخش، (۸ تا ۱۰ شب) از پرطرفدارترین شبکه‌های تلویزیون یعنی شبکه یک، دو و سه، و نیز مهم‌ترین کانال بین‌المللی صدا و سیما یعنی پرس تی‌وی پخش می‌شوند. علاوه براین صدا و سیما کانال‌های تلویزیونی مشخصی را برای پخش بیشتر و گسترده‌تر این برنامه‌ها راه‌اندازی کرده است: کانال مستند و تلویزیون افق در حال حاضر به طور مشخص مسئول تولید و پخش این نوع برنامه‌ها هستند.

---

۱۸۵. گزیده ای از سخنان خامنه ای در مورد تهاجم فرهنگی را اینجا مشاهده کنید
http://english.khamenei.ir/news/5798/Cultural-invasion-on-Islam-a-reality-or-a-conspiracy-theory

۱۸۶. برنامه را اینجا ببینید
youtube.com/watch?v=xOoqK89EbJQ

۱۸۷. روایت آیت الله خامنه‌ای را درباره ادعاهای تقلب انتخاباتی اینجا ببینید:
http://english.khamenei.ir/news/6229/Ayatollah-Khamenei-s-narration-of-claims-of-2009-election-fraud

۱۸۸. فراخوان آیت‌الله خامنه‌ای برای مقابله با «نفوذ» دشمن، رویترز، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸
https://uk.reuters.com/article/uk-iran-khamenei/irans-khamenei-calls-for-fight-against-enemy-infiltration-idUKKCN1N20CL

۵. اهداف و تاثیرات

دستگاه رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران از جمله صدا وسیما و نهادهای فرهنگی متعددی که با آن مرتبطند در رابطه بسیار نزدیکی با سازمان‌های قضایی، نظامی، شبه نظامی و اطلاعاتی فعالیت می‌کنند. این شبکه سازمانی از یک طرف در راه‌اندازی، توزیع و تبلیغ ایده‌هایی مشخص و از طرف دیگر در سانسور، اعتبار زدایی، ایجاد خفقان، و سرکوب افکاری که نامطلوب محسوب می‌شوند فعالیت می‌کند. عملیات این شبکه گسترده سازمانها، مخاطبان را در داخل و خارج از کشور هدف قرار می‌دهد و هر سازمان دستور کار خاص خود را پیش می‌برد.

در سطح داخلی، دستگاه رسانه‌ای ایران به دنبال استقرار و تقویت ایده‌ها و دیدگاه‌های خود و همزمان ایجاد فضایی خصمانه و سرکوب‌گر برای ایده‌های مخالف با کارزار قدرتمند و گسترده تخریب است. این کارزار شامل انتشار محتوای دروغین، جعلی، و تحریف شده علیه اهداف و یا واداشتن آنها به اعتراف علیه خودشان است. این اقدامات دو ستون اصلی این دستگاه هستند: یکی استفاده از اعترافات اجباری به عنوان ابزار اصلی و دیگری محتوای افتراآمیز.

در سطح بین‌المللی مقام‌های ایران به دنبال گسترش ایدئولوژی ضدغربی هستند که از انقلاب ایران ریشه‌می‌گیرد. آنها می‌خواهند این ایدئولوژی و نفوذ آن را در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران گسترش دهند و تقویت کنند. جمهوری اسلامی ایران برنامه سیاسی خاصی را پیاده می‌کند که شامل استفاده از فرهنگ، رسانه و اسناد اطلاعاتی به عنوان ابزاری برای «تسخیر قلب و ذهن جوانان خاورمیانه و ورای آن» می‌شود.[۱۸۹]

با توجه به ماهیت چندکارکردی این دستگاه رسانه‌ای می‌توان اهداف و تاثیرات مشخص این برنامه‌های پروپاگاندا را برشمرد و تاکید کرد لزوما تک تک این برنامه‌ها همه این اهداف را دنبال نمی‌کنند و یا تمام این تاثیرها را به همراه ندارند.

۵-۱. تضعیف جامعه مدنی

یکی از اهداف اصلی دستگاه سرکوب‌گر رسانه‌ای جمهوری اسلامی این است که با نمایش تصویر در هم شکسته‌ی چهره‌های برجسته جامعه مدنی تحت بازجویی و آماده اعتراف یا بی‌اعتبار کردن آنها در یک کارزار تخریب روحیه جامعه مدنی را تضعیف کند.

این تاکتیک تصویر ترسناکی از سرویس‌های اطلاعاتی کشور ارائه می‌کند و این پیام آشکار را می‌فرستد که هر چقدر قوی یا قاطع باشید نهایتا یا تسلیم و خرد می‌شوید یا اعتبارتان را از دست خواهید داد.

این پیام دهشت‌بار مستقیما روحیه و امید را در مخاطب هدف می‌گیرد و تاثیر قابل توجهی بر جامعه مدنی می گذارد. ترس از علنا بدنام شدن در کانال‌های تلویزیون سراسری با استفاده از شواهد جعلی و یا اطلاعات خصوصی دستکاری شده، یا تماشای دیدن خانواده‌هایی که یکی از اعضای نزدیک خود را، که قربانی این برنامه‌هاست، علنا محکوم می‌کنند، بی شک تاثیر سرکوب‌گری بر جامعه خواهد داشت. نازنین زاغری در گفتگو با همسرش تاکید کرده که چگونه تماشای یک گزارش تلویزیونی درباره خودش «او را شوکه و خشمگین کرده و از این همه دروغ به گریه انداخته است.» او توضیح داده که «دیدن عکس‌های آلبوم خانوادگی‌اش از تعطیلات در تورکوی، بیک وِل و سوییس که امروز معنای کاملا متفاوتی پیدا کرده، به او احساس هتک حرمت داده است.»[۱۹۰]

۱۸۹. همپوشانی رسانه، فرهنگ و اطلاعات در ایران، فایراس الیاس،موسسه واشنگتن، ششم نوامبر ۲۰۱۸
https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view/the-overlap-of-media-culture-and-intelligence-in-iran

۱۹۰. بیانیه خبری کمپین آزادی نازنین زاغری نوامبر ۲۰۱۷

۵-۲. تحریف گفتمان

هدف و تاثیر اساسی دیگر استفاده از رسانه به عنوان ابزار سرکوب ظرفیت آن برای تحریف گفتمان از طریق بی‌اعتبار کردن و بدنام کردن اهداف با برچسب‌هایی است که خشم و حساسیت‌های عمومی را تحریک می‌کند. ایجاد درگیری‌های پایان ناپذیر میان گروه‌ها و جناح‌های مختلف جامعه انرژی‌ای را که می‌تواند در مواجهه با جمهوری اسلامی صرف شود، تخلیه می‌کند. در عین‌حال با این شیوه و با ایجاد پیش‌داوری‌های منفی درباره مخالفان و پیامشان، بخش‌هایی از مخاطبان را برای خاموش و سرکوب کردن بخش‌هایی دیگر به کارمی‌گیرند. نمونه خوب این تاثیرگذاری رامی‌توان در برچسب زدن به شادی صدر، از مدیران عدالت برای ایران، به عنوان یک تجزیه‌طلب دید که به چندین تهدید و آزار منجر شده است. (بخش ۳.۴)[۱۹۱]

تمام قربانیانی که برای این گزارش مصاحبه شده اند بر تاثیر این کارزارهای تخریب بر اعتبار خود تاکید کرده‌اند. آنها همگی احتمال اینکه افکار عمومی اتهامات مطرح در این برنامه‌ها را باور نکنند رد می‌کنند.

ریچارد راتکلیف همسر نازنین زاغری معتقد است که تاثیر این برنامه‌ها بر افکار عمومی باید جدی‌تر گرفته شود:

> «حس من این است که این کارها موثر است. البته که دروغ است اما برای همسایه‌ها در ایران، برای آنها که اینجا فارسی صحبت می‌کنند که موثر بوده است. بخشی از این پروپاگاندا توسط مخاطب بریتانیایی هم بازتولید شده است.» [۱۹۲]– ریچارد راتکلیف.

مسیح علینژاد نیز بر تاثیر مخرب کارزار تخریب، اتهامات دروغ و اخبار جعلی بر اعتبار قربانیان و افکار عمومی تاکید می‌کند:

> «مهم نیست که چه کسی هستی و چقدر مطلعی. وقتی که تلویزیون سراسری را نگاه می‌کنی و مجری می‌گوید سه مرد به این زن تجاوز کرده‌اند اولین واکنشتان چه خواهد بود؟ این است که شاید درست باشد چون در اخبار گفته شده ... من همیشه وقتی که مردم می‌گویند کسی این اتهامات را باور نمی‌کند عصبانی می‌شوم چون من خودم تجربه‌اش کرده‌ام. دیده‌آم که بسیاری باورشان می‌کنند. تنها پدر و مادر من نبودند. دوستان نزدیکم گفتند: پیش خودم فکر کردم شاید اتفاقی افتاده و اینها بزرگش کرده‌اند.»[۱۹۳]– مسیح علینژاد.

روژین محمدی تاکید می‌کند که از نگاه عمومی، خود اعتراف در برابر دوربین نوعی خیانت است که نشان می‌دهد چطور قربانیان اعترافات اجباری ممکن است هم توسط بازجوها و هم افکار عمومی توبیخ و مجازات شوند که آنها را خائن به آرمان خودشان می‌بینند:

> «موافقت با اعترافات تلویزیونی از نگاه جامعه نکوهیده است. من وقتی از ایران خارج شدم، دوستانم توصیه کردند که درباره این موضوع اصلا صحبت نکنم، گویی که اعتراف تلویزیونی معادل خبرچینی باشد.»[۱۹۴] – روژین محمدی

> «آنها این اعترافات را می‌خواهند که بگویند ببین! این آدمی که ادعای فعالیت برای حقوق بشر می‌کند در واقع یک آدم فاسد و هرزه است. می‌دانید که در ایران خیلی‌ها چنین نگاهی را می‌پذیرند. این در واقع روش تحقیر خانواده زندانی است و راهی برای این که مردم همه چیز او را زیر سوال ببرند.»– روژین محمدی

در حقیقت تاثیر برنامه‌ها بر اعتبار قربانیان از شکنجه جسمی مخرب‌تر است و از میان رفتن این تاثیر هم چندان محتمل نیست. نگرانی قربانی برای شهرت و اعتبارش تاثیر روانی و ترومای حاصل از این برنامه‌ها را تشدید می‌کند و مخل فرایند بهبود قربانی می‌شود. این برنامه‌های افترازننده حس محرومیت از تمام حقوق مدنی و هتک حرمت در محضر افکار عمومی را ایجاد می‌کند و این نکته که اتهامات دروغین هستند درد و اضطراب بیشتری را در قربانی به دنبال دارد.

---

۱۹۱. پیوست شماره شش

۱۹۲. نقل قول از مصاحبه ریچارد راتکلیف با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

۱۹۳. نقل قول از مصاحبه مسیح علی‌نژاد با عدالت برای ایران، ۱۳۹۸

۱۹۴. نقل قول از مصاحبه روژین محمدی با عدالت برای ایران، ۱۳۹۱

۵-۳. توجیه اقدامات سرکوب‌گرانه

توجیه سرکوب نیز در میان اهداف اصلی این برنامه‌هاست. از آنجا که جمهوری اسلامی در پی سرکوب گسترده مطبوعات و جامعه مدنی همواره برای نقض حقوق بشر مورد انتقاد داخلی و بین المللی است، دستگاه رسانه‌ای‌اش را به کمک می‌آورد تا اقدامات فراقضایی‌اش را برای نقض حقوق بشر از جمله آزادی مطبوعات، آزادی بیان و آزادی اجتماعات، حق برخورداری از محاکمه عادلانه و حق حفظ حریم زندگی شخصی و خانوادگی توجیه کند.

۵-۴. مبنای اثبات محکومیت

برنامه‌های پروپاگاندای جمهوری اسلامی همزمان به عنوان مبنایی برای اثبات محکومیت قربانیان این برنامه‌ها به کار گرفته می‌شوند. در موارد بسیاری مانند پرونده کنفرانس برلین (ر.ک بخش ۳.۴) پیگرد قانونی افراد بلافاصله بعد از پخش این برنامه‌های افترازننده آغاز شد و محتوا و ادعاهای مطرح شده در این برنامه‌ها به عنوان مدرک جرم مورد اتکای محاکمات بود و که در نهایت به محکوم شدن افراد منجر شد.

۵-۵. فشار عاطفی

در میان گستره‌ای از تاثیرات این برنامه‌ها بر قربانیان، خانواده آنها و جامعه، کسانی که با عدالت برای ایران گفتگو کرده‌اند بر رنج روحی و روانی که این برنامه‌ها بر قربانیان می‌گذارند، تاکید دارند. به عبارت دیگر این برنامه‌های پروپاگاندا، به ویژه از فیلم اعترافات اجباری یا دستگیری قربانی به عنوان ابزاری برای مجازات آنها استفاده می‌کند.

در حقیقت نه تنها بخش‌هایی از این برنامه‌ها از طریق شکنجه تهیه شده بلکه خود این برنامه ها نیز ابزاری برای شکنجه اند. تصاویر نازنین زاغری هنگام بازداشت که وحشت زده به نظر می‌رسد و یا نزار ذکا که با چشم بند در بازداشتگاه است رنج روحی و روانی شدیدی را بر خانواده و دوستان آنها وارد می کند. همینطور تصاویر خانواده مسیح علینژاد، فعال حامی حقوق زنان مقیم آمریکا، در حالی که او را در گفتگو با تلویزیون حکومتی محکوم می‌کنند، تحمیل درد و رنج روحی بر علینژاد را هدف گرفته اند.

به گفته ریچارد راتکلیف، نازنین زاغری تنها یکی از برنامه‌های صدا و سیما درباره خودش را تماشا کرده و قادر به تماشای باقی آنها نبوده: «با اینکه بقیه بند تماشا می‌کردند او روی تختش دراز کشیده و گوش‌هایش را گرفته. واقعا تروما زده و گیج شده بوده.» آقای راتکلیف اضافه می‌کند که ناراحت‌کننده‌ترین بخش برنامه برای او «شیوه‌ای بوده که حریم عکس‌های خانوادگی و شخصی‌اش را نقض کرده‌اند. حتی یک بار او را با روسری نشان ندادند تا او را زنی کثیف و بی‌اخلاق معرفی کنند.» او افزود نازنین در عین حال به شدت از اینکه خانواده‌اش این برنامه را تماشا کرده اند و چه فشار عاطفی و ترومای روانی را تحمل کرده‌اند نگران بوده و مرتبا می‌پرسیده که خانواده‌اش چقدر از این برنامه را تماشا کرده‌اند. خود آقای راتکلیف گفته است هرگز هیچ کدام از این برنامه‌ها را تماشا نکرده و این کار را یکی از راه‌های مقابله شخصی‌اش برای جلوگیری از آسیب روحی و رنج عاطفی معرفی کرده که این برنامه‌ها بر خانواده قربانی تحمیل می‌کنند.[۱۹۵]

در ۱۰ خرداد ۹۳ شبکه خبر تلویزیون ایران با پخش گزارشی مدعی شد که مسیح علینژاد فعال حقوق بشر «لخت و تحت تاثیر مواد مخدر قوی در خیابان‌های لندن» ظاهر شده و پس از آن «سه مرد به او در برابر پسرش تجاوز کرده اند» و از این راه همزمان میان تجاوز جنسی و بی‌حجابی رابطه‌ای مستقیم ایجاد کرده بود. این گزارش اگرچه دروغ بود خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی پربیننده شد.

«برادرم به من زنگ زد و حالم را پرسید. گفتم خوبم بعد او عصبانی شد و شروع کرد به فحش دادن به ماموران اطلاعات.

---

۱۹۵. نقل قول از مصاحبه با ریچارد راتکلیف عدالت برای ایران

چندین بار پرسیدم چه اتفاقی افتاده و تنها آنجا بود که متوجه شدم. با عجله به خانه برگشتم و خبر را با پسرم تماشا کردم. اولین چیزی که به ذهنم رسید این بود که مادرم هم این را دیده و باور کرده که به من تجاوز شده.»[۱۹۶]

این اولین بار نبود که مسیح علینژاد هدف کارزار تخریب قرار گرفته بود. در طول اعتراضات جنبش سبز در سال ۸۸ علینژاد مجموعه مصاحبه‌هایی با خانواده کشته‌شدگان در اعتراضات انجام داد. در این زمان بود که صدا و سیمای ایران با پخش برنامه‌ای علینژاد را به همکاری با سازمان مجاهدین خلق متهم کرد که با حملات تروریستی خود در دهه ۶۰ و همکاری با ارتش صدام در جنگ ایران و عراق شناخته می‌شوند. این برنامه مدعی شد که علینژاد «تعداد کشته‌شدگان در رویدادهای بعد از انتخابات را جعل و کشته سازی کرده است.» [۱۹۷]

«چیزی که پدرم آن روز به من گفت واقعا مرا خرد کرد. چون پدرم همیشه مرا دوست داشت و تحسین می‌کرد. حالا او بود که داشت برایم خط و نشان می‌کشید و می‌گفتن اگر به این مصاحبه‌ها ادامه بدهی دیگر دختر من نخواهی بود و عاق ات خواهم کرد. همانطور که در نهایت هم همین کار را کرد. بعد از آن پدرم دیگر با من صحبت نکرد.»[۱۹۸]– مسیح علینژاد

شهادت علی‌نژاد نشان می‌دهد که این برنامه‌ها ابزاری برای فشار روحی و روانی بر قربانی و خانواده او هستند و می‌خواهند با منزوی کردن او از خانواده‌اش صدها کیلومتر دورتر، او را سرکوب کنند و به اعتبار او در چشم خانواده‌اش آسیبی ابدی بزنند.

علاوه بر این، جمهوری اسلامی با پخش این برنامه‌ها، به ویژه درباره دو تابعیتی‌ها، فشار بر خانواده آنها و هموطنان آنها را چنان زیاد می‌کند تا آنها به نوبه خود به دولتهایشان جهت تسلیم شدن به خواسته‌های جمهوری اسلامی فشار بیاورند. در بسیاری موارد، به ویژه در خصوص دوتابعیتی‌ها، قربانیان دستگاه پروپاگاندای ایران مخالف، کنشگر، یا حتی سیاسی هم نیستند. تنها برای این هدف قرار گرفته‌اند که تابعیت دوگانه دارند و می‌توانند برای ارائه تصویری از ایران به عنوان کشوری که مورد حمله قدرت‌های خارجی و نفوذی‌هایش قرار گرفته به کار بیایند. این برنامه‌ها در این موارد برای تقویت موضع حکومت در دیپلماسی بین‌المللی‌اش مورد استفاده قرار می گیرند.

۱۹۶. نقل قول از مصاحبه مسیح علی‌نژاد با عدالت برای ایران

۱۹۷. مصاحبه با عدالت برای ایران ۱۳۹۸.

۱۹۸. همان

۶. اعتراف اجباری به مثابه نقض حقوق بشر- یک تحلیل حقوقی

کل فرآیند به دست آوردن اطلاعات خصوصی و گرفتن اعترافات اجباری و تولید برنامه‌های افتراآمیز شامل موارد متعدد نقض حقوق بشر داخلی و بین‌المللی می‌شود. علاوه بر این شواهدی که در این گزارش ارائه شده تایید می‌کند که پروپاگاندا به عنوان ابزار شکنجه توسط صدا و سیما به کار گرفته شده است. از آنجا که موارد نقض حقوق بشر براساس قوانین داخلی ایران در بخش‌های پیشین این گزارش تحلیل شده، این بخش بر نقض حقوق بشر بر اساس قوانین بین‌المللی متمرکز است.

۶-۱. حق برخورداری از دادرسی عادلانه

حق برخورداری از دادرسی عادلانه در بند ۱۴ و ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده، میثاقی الزام آور در زمینه حقوق بشر که جمهوری اسلامی آن را رسما پذیرفته است. یکی از اصول اساسی این میثاق حق برخورداری از محاکمه عادلانه و اصل برائت است که در اغلب برنامه‌های پروپاگاندای پخش شده توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی نقض می‌شوند.

در بند دو ماده ۱۴ آمده «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود.» در اغلب موارد، این برنامه‌ها پیش از آنکه افراد موضوع آنها آنها در دادگاه محکوم شده باشند پخش می‌شوند. همانطور که در فصل ۴ اشاره شد برنامه‌های پروپاگاندای صدا و سیما اساسا یا به عنوان مقدمه‌ای برای آزار قضایی استفاده می شوند و یا ابزاری برای توجیه آزارهای قضایی و فراقضایی پیشین هستند.

علاوه براین در میان حداقلی‌ترین ضمانت‌هایی که ماده ۱۴ برای متهمان به جرایم کیفری در نظر گرفته شده این است که «مجبور نشود علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.» ذات اعتراف گیری اجباری در تضاد آشکار با این ضمانت در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.

۶-۲. آزادی از شکنجه، و بدرفتایی‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز

ممنوعیت مطلق شکنجه بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۷) که جمهوری اسلامی هم آن را پذیرفته نشان می‌دهد که نقض این حق چقدر جدیست. استفاده از شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز به منظور اعتراف‌گیری اجباری در زندان‌های ایران واقعیتی غیرقابل انکار است. با این همه وجود عنصر شکنجه در پخش برنامه‌های پروپاگاندای صدا و سیما اغلب در سازوکارهای حقوق بشری نادیده گرفته شده است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در تعریف شکنجه می‌گوید: «نوعی داغ ننگ (استیگمای) ویژه با رفتار تحقیرآمیز و غیرانسانی عامدانه همراه است که رنجی ظالمانه و شدید را به دنبال دارد»[۱۹۹] قربانیانی که برای این گزارش با سازمان عدالت برای ایران گفتگو کرده اند تاثیر پخش این برنامه‌های افتراآمیز را بر خود « به شدت آسیب‌زا و تحقیرآمیز« توصیف کرده‌اند و تاکید کرده‌اند که این برنامه‌ها تاثیر بلند مدت روحی و روانی بر آنها گذاشته است. برخی از مصاحبه‌کنندگان تجربه تماشای این برنامه‌ها را دردناک‌ترین تجربه خود در دوران بازداشت توصیف کرده‌اند. بنابراین حاد بودن تاثیر این برنامه ها بر قربانی می تواند به عنوان یکی از عناصر شکنجه در نظر گرفته شود.

این موضوع که مقام‌های ایرانی تصمیم گرفتند محتوایی را که به زندگی شخصی افراد می‌پردازد و از جمله ادعاهایی مبنی بر تجاوز (مثل اخبار جعلی تجاوز به مسیح علینژاد در برابر پسرش) را در برنامه‌های خبری سراسری پخش کنند نشان می‌دهد که تا چه حد عامدانه به دنبال اعمال زجر و رنج روانی و عاطفی بر قربانیانی هستند که در جایگاه رضایت دادن درباره پخش این برنامه‌ها نیستند.

---

۱۹۹. راهنمای نحوه‌ی اعمال ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صفحه ۱۱
https://rm.coe.int/CoERMPublicCommonSearchServices/DisplayDCTMContent?documentId=090000168007ff4c

استفاده از این برنامه‌های افتراآمیز به عنوان ابزار ایجاد رنج شدید روانی یکی از عناصر اصلی هدف گرفتن افرادی است که خارج از کشور و دور از دسترس دستگاه سانسور جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند.

۶-۳. حق برخورداری از حریم شخصی

استفاده از عکس‌های شخصی و خانوادگی قربانی، فیلم‌های ویدیویی یا مکاتبات او که به شیوه غیرقانونی به دست آمده، روندی رایج در تولید برنامه‌های افتراآمیز است. در کنار سرقت اطلاعات شخصی، این اطلاعات در عین حال تحریف و سانسور می‌شوند و یا عامدانه به غلط ارائه می‌شوند تا قربانی بی اعتبار، تحقیر و یا به جرمی متهم شود. این کار می تواند نقض ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باشد که در آن آمده: «هیچ کس نباید در حیطه زندگی خصوصی و خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتباتش مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.» و اینکه «هرکسی حق دارد از محافظت قانون در برابر چنین مداخلات و حملاتی برخوردار باشد».

علاوه براین، همان‌طور که در بخش ۱.۳ این گزارش آمده این موارد نقض حق حریم شخصی در عین حال مصادیق نقض آیین دادرسی کیفری ایران نیز هست که روش اخذ اطلاعات شخصی و استفاده از آن‌ها را مشخص کرده است. مصونیت مطلق ناقضانی که در تولید این برنامه‌های افتراآمیز دست دارند و از اطلاعات شخصی افراد بدون اجازه آنها استفاده می‌کنند نقض حقوق این افراد را مضاعف می‌کند.

۷. توصیه‌ها

توصیه‌هایی که در پی می آید تدابیری را برمی شمرد که برای مقابله موثر با نقض نظام مند حقوق بشر در جمهوری اسلامی از جمله اخذ، تولید و پخش اعترافات اجباری وبرنامه‌های افتراآمیز ضروری است.

به جمهوری اسلامی ایران:

- به تعهدات خود تحت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عمل کرده و حق آزادی و امنیت فرد، حق زندگی خصوصی و خانوادگی، حق دادرسی عادلانه و حق آزادی از شکنجه و بدرفتاری را برای تمام افراد در حوزه صلاحیت قضایی خود تضمین کنید.
- در تمام طول فرآیند تحقیقات دادرسی، محاکمه و دادگاه تجدیدنظر، دسترسی بدون مانع به وکیل مستقل را فراهم کنید. بازداشت شدگان را نسبت به حق دسترسی به وکیل و حق مصونیت از اعتراف علیه خود آگاه ساخته و دسترسی متهمان و وکلای آن‌ها را به جزئیات پرونده و مدارک فراهم کرده، حق آن‌ها را برای بررسی شواهد موجود تضمین کنید.
- اطمینان حاصل کنید که رسانه‌ها در ایران حق حریم خصوصی افراد بازداشت شده و اصل برائت را طبق مواد ۱۴ و ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محترم بشمارند. تدابیری اتخاذ کنید که در صورت مداخله غیرقانونی در این حقوق راه‌های جبران خسارت وجود داشته باشد.
- به تعهدات خود تحت کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در روابط کنسولی عمل کرده و طبق ماده ۳۶ آن امکان ملاقات کنسولی بدون محدودیت را برای اتباع خارجی و دو تابعیتی‌ها فراهم کنید. به تعهدات خود تحت میثاق بین‌المللی علیه گروگان‌گیری کاملا عمل کرده و تمامی افراد دوملیتی و اتباع خارجی تحت بازداشت برای مقاصد سیاسی را آزاد، و اشخاص مسئول این گروگان‌گیری‌ها را تحت پیگرد قانونی قرار دهید.
- کنوانسیون بین‌المللی علیه شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز و پروتکل اختیاری آن را امضا و تصویب کنید تا بازرسی مرتب از بازداشت‌گاه‌ها توسط کمیته سازمان ملل علیه شکنجه و صلاحیت قضایی این نهاد اعمال شود.
- اولین پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی را که ساز و کار شکایت فردی را برقرار می‌کند، تصویب و اجرا کنید.

به جامعه بین‌المللی

- به فشار علیه جمهوری اسلامی برای عمل به تعهداتش تحت قوانین بین‌المللی به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و به‌خصوص حق آزادی و امنیت، حق زندگی شخصی و خانوادگی، حق دادرسی عادلانه و مهم‌تر از همه حق رهایی از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز و غیرانسانی ادامه دهید.
- از تمامی تدابیر دیپلماتیک و تنبیهی ممکن استفاده کنید تا مطمئن شوید جمهوری اسلامی به استفاده نظام‌مند از رسانه‌ها جهت سرکوب و تعقیب ایرانیان و دوتابعیتی‌ها و اتباع خارجی پایان دهد و از وجود راه‌هایی برای جبران خسارت در پی تخلفات احتمالی اطمینان حاصل کنید.
- پخش اعترافات اجباری و برنامه‌های افتراآمیز با استفاده از اطلاعات شخصی‌ای که به شکل غیرقانونی اخذ شده را به عنوان مصداق نقض حق رهایی از شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز به رسمیت بشناسید.
- قوانینی را تدوین و تصویب کنید که اجازه دهد این تخلفات تحت صلاحیت قضایی بین‌المللی قرار بگیرد و فارغ از محل وقوع آنها قابل پیگرد قضایی باشد.

• از ابتکار عمل‌هایی حمایت کنید که به قربانیان کارزارهای پروپاگاندای صدا و سیما امکان می‌دهد علیه ناقضان شکایت حقوقی مطرح کنند و مطالبه خسارت نمایند.

• اقدامات پیشگیرانه‌ای را پی بگیرید که از افراد و نهادهای حاضر در قلمرو شما در برابر استفاده غیرقانونی از اطلاعات شخصی شان جهت تولید برنامه‌های افتراآمیز حمایت کند.

به بخش خصوصی و شرکت‌های تجاری:

• در روابط تجاری با جمهوری اسلامی ایران در زمینه خدمات، فن‌آوری‌ها و تجهیزاتی که بالقوه برای ضبط، تولید و پخش اعترافات اجباری و برنامه های افتراآمیز کاربرد دارند، تجدید نظر کنید. تدابیر مشخصی که در این زمینه توصیه می شود شامل برآورد مخاطرات، ارزیابی بایسته‌ی مضاعف و شفافیت در زمان مذاکره بر سر قراردادهای تجاری با جمهوری اسلامی ایران یا شرکت‌های مرتبط با مقامات آن است تا از هرگونه هم‌دستی در نقض احتمالی حقوق بشر پرهیز شود.

پیوست ها

پیوست شماره **۱**

قانون اصول کلی و خط مشی صدا و سیما،

https://justice4iran.org/farsi/wp-content/uploads/2020/05/parliament-1.pdf

پیوست شماره **۲**

تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی

https://justice4iran.org/farsi/wp-content/uploads/2020/05/Guardian-Council-2.pdf

پیوست شماره **۳**

اساسنامه صدا و سیما

https://justice4iran.org/farsi/wp-content/uploads/2020/05/parliament-3.pdf

پیوست شماره **۴**

لیست قربانیان و شاهدان مصاحبه شده توسط عدالت برای ایران

https://justice4iran.org/farsi/wp-content/uploads/2020/05/Annex-Four.pdf

پیوست شماره **۵**

مقاله افتراآمیز پرس تی وی

https://justice4iran.org/farsi/wp-content/uploads/2020/05/Annex-Five.pdf

پیوست شماره **۶**

متن پیاده و ترجمه شده مصاحبه مردم خبر

https://justice4iran.org/farsi/wp-content/uploads/2020/05/Annex-Six.pdf

چشمانتان را باز نگه دارید

fidh

ثبت حقایق: ماموریت های تحقیقی و نظارت بر محاکمات
حمایت از جامعه مدنی – آموزش و مبادله
به حرکت درآوردن جامعه بین المللی– حمایت گری از طریق نهادهای بینا دولتی
اطلاع رسانی و گزارش – به حرکت درآوردن افکار عمومی

برای فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر، تغییر جوامع به کار کنشگران محلی متکی است.
"جنبش جهانی برای حقوق بشر" در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی فعالیت می کند تا از اعضا و شرکای سازمانی اش در پرداختن به نقض حقوق بشر و تحکیم روندهای دموکراتیک حمایت کند. فعالیت این جنبش متوجه دولتها و صاحبان قدرت مانند گروههای مخالف مسلح و شرکتهای چندملیتی است.

ذی نفعان اصلی، سازمان های ملی حقوق بشری عضو این جنبش و به واسطه ی آنها قربانیان نقض حقوق بشر هستند. فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر همچنین با سایر سازمانهای محلی و کنشگران تغییر همکاری می کند.

17, passage de la Main d'Or - 75011 Paris
Tel: (33-1) 43 55 25 18
www.fidh.org / Twitter: @fidh_en / fidh_fr / fidh_es
Facebook: https://www.facebook.com/FIDH.HumanRights

مدیر نشر:
آلیس موگوی
سردبیر:
النور مورل
محقق:
امید شمس
دستیاران تحقیق:
الهام چایچی
شیما مهرانی
ویراستاران:
کارلا فرستمن
شادی صدر
محمد نیری
جولیت روسلات
طراحی:
اف آی دی اچ/سی بی

Justice for Iran
عدالت برای ایران
FREEDOM FROM IMPUNITY

عدالت برای ایران که در تیرماه ۱۳۸۹ کار خود را آغاز کرد، یک سازمان حقوق بشری غیردولتی مستقر در لندن است که پایان دادن به مصونیت در برابر نقض حقوق بشر را مطالبه می کند.

هدف عدالت برای ایران، پاسخگو کردن مرتکبین ایرانی نقض های جدی حقوق بشری است اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و بازیگران دولتی یا غیردولتی. عدالت برای ایران بر حق دستیابی به حقیقت برای قربانیان و کل جامعه متمرکز است و نیز به دنبال حق دستیابی به عدالت برای به حاشیه رانده شده ترین گروهها از جمله زنان، اقلیت های قومی و مذهبی، اعضای جامعه ال جی بی تی آی و مخالفان سیاسی است.

عدالت برای ایران مستندسازی و حقیقت یابی می کند، دست به اقدامات قضایی و نیمه قضایی می زند ، و در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین المللی کارزار به راه می اندازد و حمایت گری می کند.

عدالت برای ایران عضو "فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر" و "شبکه منطقه ای برای گفتگوی تاریخی و پرداختن به گذشته" است.

Website: justiceforiran.org / Twitter: @Justice4Iran / @Justice4IranEn
Address: 25-27 Bickerton Road, N19 5JT London, United Kingdom
Tel: +44 (0)2072819940
Email: info@justiceforiran.org

Dépôt légal mai 2019 - FIDH (Éd. anglaise) ISSN 2225-1804 - Fichier informatique conforme à la loi du 6 janvier 1978 (Déclaration N°330 675)

fidh

درباره فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر

فدراسیون برای محافظت از قربانیان نقض حقوق بشر، جلوگیری از نقض و به عدالت سپردن ناقضان فعالیت می‌کند.

ماموریتی وسیع

فدراسیون در جهت احترام به تمام حقوق سیاسی و مدنی، و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در اعلامیه حقوق بشر تلاش میکند.

یک جنبش جهانی

فدراسیون در سال ۱۹۹۲ تاسیس شد و امروز ۱۹۲ سازمان در ۱۱۷ کشور جهان را متحد می کند. فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر فعالیت این سازمان ها را حمایت و هماهنگ می کند و به آنها صدایی رسا در سطح بین المللی می دهد.

یک سازمان مستقل

فدراسیون مانند سازمانهای عضوش، با هیچ حزب یا مذهبی مرتبط نیست و از تمامی دولتها مستقل است.